

تصویر ابو عبد الرحمن الکوردی



خواندن و نوشتن

کوردی

به زبان ساده

منتدی اقرأ الثقافی

www.iqra.ahlamontada.com

(رینوووسی کوردی)

مه تا به رفی

کوردی بایسک له سه رفولیتیک و
گیر و گزفتی نووسینی کوردی

بۆدبەزاندنى جۆرەھا كىتەپ: سەردانى: (مُنْقَدَى إِقْرَا النِّقَافِ)

تەمبىل انواع الكتب راجع: (مُنْقَدَى إِقْرَا النِّقَافِ)

پىراي دائىرە كىتابى مەخسۇس مەراجىھە: (مُنْقَدَى إِقْرَا النِّقَافِ)

www.iqra.ahlamontada.com



www.iqra.ahlamontada.com

للكتب (كوردى ، عربى ، فارسى)

خواندن و نوشتن کُردی به زبان ساده

(رینووسی کوردی)

و

کورته باسیک له سه‌ر فونیتیک و
گیرو گرافتی نووسینی کوردی

عه‌تا به‌رفی

برفی، عطا، ۱۳۴۰ - ۱۳۸۰

خواندن و نوشتن کردی به زبان ساده (رینووسی کوردی) و کورته
باسیک له سه رفونیتیک و گیروگرفتی نووسینی کوردی / عه تا به رفی. --
تهران: نشر احسان، ۱۳۸۶.

ISBN:978-964-595-693-4

۱۲۸ ص.

چاپ دوم - ۱۳۸۶.

کردی.

کتابنامه: ص. ۹۶ - ۹۷.

۱. کردی -- خودآموز. ۲. زبانهای ایرانی -- گویشها. الف.

عنوان.

ک ۴۹۴

ب ۲۱/۲/۳۲۵۶ PIR

۷۷-۱۵۴۱۴ م

کتابخانه ملی ایران

خواندن و نوشتن کردی به زبان ساده (رینووسی کوردی)

عطا برفی

مؤلف:

نشر احسان

ناشر:

دوم - ۱۳۸۶

نوبت چاپ:

مهارت

چاپخانه:

۳۰۰۰

تیراژ:

۱۱۰۰ تومان

قیمت:

➤ فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه - مجتمع فروزنده - شماره ۴۰۶ -

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

➤ فروشگاه شماره ۲: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - شماره ۳۳ -

تلفن: ۳۳۹۰۲۷۵۰

صندوق پستی: تهران ۳۸۵ - ۱۱۴۹۵

ISBN:978-964-595-693-4

ژماره‌ی نینونه ته‌وا یه تی: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۵-۶۹۳-۴



نقشرا احسان

پیشکەشەبە: باوکم،

کە لە گەڵ فێربوونی سەرەتاکانی ئەلفوویی فارسی،
نووسینی کوردی فێرکردم.

پیرست^۷

۹ سخن ناشر
۱۱ پیشگفتار
۱۵ الف) همخوان‌ها
۱۶ ب) واکه‌ها

بخش اول:

۱۷ آشنایی با قواعد املائی کُردی
۱۹ الف) صداها و حروف متفاوت با فارسی
۱۹ ل) «ل» درشت)
۲۱ پ) «ر» درشت)
۲۲ ئ) (همزه‌ی ابتدای کلمات)
۲۴ ب) واکه‌ها (Vowels)
۲۴ واکه‌ی زَبَر (—)
۲۶ واکه‌ی زیر (—)
۲۹ واکه‌ی (پیش) (—)
۳۲ واکه‌ی «و» (u)
۳۳ واکه‌ی «وو» (ü)
۳۴ پ) چند واکه‌ی مشابه

به‌شی دووه‌م:

٣٧	رینووسی کوردی
٤١	ریبازی نووسینی ئەم نامیلکە یە
٤٢	پیتە کانی زمانی کوردی
٤٣	هەندێ دەنگ و نیکاری جیی سەرنج
٤٥	پیتە جیاوازه کان
٤٥	هەمزە (ئ)
٥١	راهی‌نان (١)
٥٢	نیکاری «پ» (Ĥ) - «ر» ی قەڵەو
٥٣	راهی‌نان (٢)
٥٤	نیکاری «ل» (L) - لامی قەڵەو
٥٥	راهی‌نان (٣)
٥٥	نیکاری «ف»
٥٧	راهی‌نان (٤)
٥٧	بزوینی «سەر» [ه - ه (a)]
٥٩	راهی‌نان (٥)
٦٠	بزوینی «ژیر» / «ی» ی کراوه [«ی» / e]
٦٣	نموونه‌ی چەند وشە یە کی کوردی
٦٣	نموونه‌ی ئەدەبی
٦٣	نموونه‌ی چەند زاراوه‌ی کوردی
٦٥	راهی‌نان (٦)

۶۶	بزوینگه‌لی «واو» ی کورت - «واو» ی کراوه - «واوی» دریژ
۶۶	۱- «واو» ی کراوه [o / «ۆ»]
۶۸	۲- «واو» ی کورت [u / «و»]
۶۹	۳- «واو» ی دریژ [ü / «وو»]
۷۲	راهینان (۷)
۷۲	بزوینگه‌لی «ی» i- و «ا» ä و کورته‌بزوین «i»
۷۴	بزوینی «ی»
۷۵	کورته‌بزوین (i)
۷۷	بزوینی «ا» ä
۷۹	«ئه‌زمون»
۷۹	راهینان (۸)
۸۰	راهینان (۹)
۸۱	راهینان (۱۰)
۸۲	گیره (تشدید)
۸۲	راهینان (۱۱)

به‌شی سیه‌م

	چه‌ند گیر و گرفتیک ی رینووسی کوردی و هه‌نگاوێک به‌ره‌و
۸۳	زمانی یه‌کگرتوو
۸۵	(ده‌ی سه‌ره‌تای «کردار» ی «حال» (مضارع)
۸۹	بزوینی «یا» ی دریژ و دوو «یا»
	به‌کار هینانی نیکاری هه‌ندی ده‌نگی تایه‌ت به‌زمانی عه‌ره‌بی و نووسینی
۹۲	وشه‌ی بیگانه

- جیا کردنه وه و پیکه وه نووسینی پیتە کان ۹۵
 وشە ی لیکدراو ۹۹
 هه موو وشە یه ک پیکه وه نه به ستین ۱۰۱

پاشکو (۱)

- خال دانان ۱۰۳
 خال ۱۰۵
 کاما، ۱۰۶
 کامای خالدار ؛ ۱۰۷
 نیشانه ی سه رسو و پرمان ! ۱۰۸
 نیشانه ی پرسیار ؟ ۱۰۹
 دوو خال : ۱۰۹
 که وان () ۱۱۰
 جووت که وان « » ۱۱۱
 نیشانه ی شه رحکردن [] یا - - ۱۱۱
 کوّمه له خال ۱۱۲
 راهینان (۱۲) ۱۱۳
 راهینان (۱۳) ۱۱۴

پاشکو (۲)

- وه لامی راهینان ۱۱۵
 فه رهه نگۆك ۱۲۱
 سه رچاوه ۱۲۵

سخن ناشر

تلاش برای پاسداشت و بزرگداشت فرهنگ هر ملّتی بدون اعتقاد به مهتری یا کهنتری دیگر فرهنگها در عین کمک به شادابی و تنوع فرهنگی جوامع کنونی، گامی است برای تعامل و همبستگی با دیگر ملل از راه شناساندن فرهنگ خود به آنان، که ایزد مَنان نیز در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی حجرات بر آن صحّه نهاده است و شکی نیست که زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی هر ملت، رکن رکن تحقیق این مهم می‌باشد. و بر همین اساس و با توجه به استقبال چشمگیر خوانندگان از این اثر، چاپ جدید آن در قالبی پیراسته‌تر به مشتاقان زبان کردی عرضه می‌گردد و ناشر بر خود لازم می‌داند که ضمن آرزوی علو درجات و غفران الهی برای نویسنده‌ی دانش دوست آن، که قبل از انتشار دوباره‌ی این اثر رخ در نقاب خاک کشید، مراتب تشکر و امتنان خود را از جناب آقای عطا حواری نسب که با بازبینی کتاب و ارائه‌ی پیشنهادهای ارزنده‌ی خود، نقشی بی‌بدیل در تقویت غنای علمی آن ایفا کردند، اعلام کند و امیدوار است که با توکل به ذات باری و پیشنهادهای سازنده‌ی خوانندگان، بتواند در آینده گام‌های مهم‌تر و بزرگتری در این راه بردارد؛ انشاءالله.

پیشگفتار

در این نوشتار، پاره‌ای قواعد اساسی املا و آیین نگارش زبان کُردی بیان شده است.

نبودِ اثری ساده و جذاب برای جوانان و نوجوانانی که طالب فراگیری خواندن و نوشتن به زبان کُردی هستند، انگیزه‌ای شد برای تحریر این نوشته.

همچنین علی‌رغم هدف اصلی مذکور، بنا به ماهیت خودِ موضوع، ناچار شدیم در حاشیه‌ی مطالب و بخش آخر، برخی مشکلات الفبا و نوشتن به زبان کُردی را مورد اشاره قرار دهیم.

آنچه پیشکش خوانندگان شده است، درواقع مطالبی نیست که برای اولین مرتبه از آن سخن رفته باشد، اما تلاش فراوان ما بر این بوده است که:

الف) با استفاده از مفیدترین دستاوردهای مباحث و جدل‌ها و تحقیقات علمی در خصوص قواعد املاي زبان کُردی، صحیح‌ترین و اساسی‌ترین مطالب و نتایج مشترک میان زبان‌شناسان و محققین این رشته را برگزینیم و به شیوه‌ی خاص خود این مباحث را بیان کرده و در مواردی به صورت مطالبی آموزشی درآوریم. در این نوشتار بیش از همه‌ی منابع

از نوشته‌های «دکتر عبدالرحمن حاجی معروف»، «دکتر یدالله ثمره»، «دکتر علی محمد حق‌شناس»، «دکتر مکنزی» و استاد «مسعود محمد» استفاده شده است.

ب) با توجه به برخی مشکلات استفاده از الفبای عربی برای نوشتن کُردی، همچنین ناهماهنگی‌ها و اختلاف نظرهایی که (همانند بیشتر زبان‌های زنده‌ی دنیا) در خصوص املاي کُردی وجود دارد، سعی شده بدون افزودن بر این مشکلات؛ آنچه را کم‌ویش مورد قبول همگان است، پیروی کنیم. ضمن رعایت این امر؛ در مواردی نیز نظر خاص خود را مطرح کرده‌ایم...

پ) نه تنها جهت آشنایی غیر کُردزبانان با املاي کُردی، بلکه برای کُردزبانانی که در خواندن و نوشتن کُردی مشکلات اساسی دارند، بخش اول این نوشتار به زبان فارسی نگاشته شده است. در این بخش، به زبانی ساده و مختصر؛ ضروری‌ترین موارد، جهت فراگیری خواندن و نوشتن کُردی تقدیم شده است.

با توجه به برخی برآوردها میان رسم الخط فارسی و کُردی، ممکن است برای عده‌ای این تصور پیش بیاید که خواسته‌ایم املاي کُردی را بر پایه‌ی قواعد املاي فارسی توضیح دهیم و ویژگی‌های زبان کُردی اساس کار ما نبوده است؛ اما با توجه به در نظر گرفتن سطح بسیار پایین خواندن و نوشتن کُردی میان نوجوانان و جوانان کُردزبان، این مقایسه (با تکیه بر ویژگی‌های خاص زبان کُردی) همچون ابزاری در خدمت بیشتر روشن نمودن مطالب، مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین نا آشنا بودن

شخصی که به زبان فارسی تحصیل نموده، به زبان کردی، امری طبیعی است و از همان ابتدا قادر به خواندن متون کردی نمی‌باشد. لذا فارسی نوشتن فصل اول برای این افراد ضروری می‌نماید.

ت) آموزش مباحث دستوری، به شکل انتزاعی؛ معمولاً غیرمفید، کم‌تأثیر و کم‌جاذبه بوده و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، تا حدود زیادی ناموفق بوده‌اند؛ در بخش کُردی، کوشش شده تا با آوردن نمونه و مثال از فولکلور و ادبیات... کُردی، از خشک و بی‌روح بودن مطالب دوری‌گزینیم و با پیوند «مباحث دستوری» و ادبیات و فولکلور، دیداری مختصر با این امور نیز داشته باشیم...

ث) با توجه به تفاوت‌های اساسی میان الفبای کُردی لاتین و نشانه‌های فونتیک که تا حدود زیادی بین‌المللی شده‌اند و با عنایت به انس بیشتر خوانندگان مورد خطاب این نوشتار با الفبای انگلیسی (که با علایم آوانگاری (فونتیک) بین‌المللی نزدیکی بسیار دارد)، بیشتر نشانه‌های بین‌المللی را مبنای الفبای فونتیک قرار داده‌ایم.

کوتاهی‌ها را بر ما ببخشاید و در ارتقای این گام کوچک ما را یاری دهید.

عطا برفی

تذکر:

کوشش گردیده، نکات فنی تر در پاورقی گنجانده شود. تنظیم آوردن این مطالب طوری است که عدم خواندن پاورقی (برای خوانندگانی که این مباحث موجب ملال آنهاست)، لطمه به بنیان مباحث نزند؛ همچنین چون مطالب بخش فارسی، عمدتاً در بخش کردی می‌شود، خوانندگانی که با خواندن و نوشتن کردی آشنایی نسبی دارند، می‌توانند بخش فارسی را مطالعه نکنند.

الفبای فونتیکی که در این نوشتار به کار رفته است:

(الف) همخوان‌ها

فونتیک	فارسی	کُردی
ɫ	—	ئ
b	ب	ب
p	پ	پ
t	ت	ت
j	ج	ج
ç	چ	چ
ħ	ح	ح
x	خ	خ
d	د	د
r	ر	ر
ř	—	ړ
z	ز	ز
ž	ژ	ژ
s	س	س
š	ش	ش
ɟ	ع	ع
x	غ	غ
f	ف	ف
v	—	ڤا
q	ق	ق
k	ک	ک
g	گ	گ
L	ل	ل
Ľ	—	لْ
m	م	م
n	ن	ن
w	و	و
y	ی	ی

ب) واک‌ها

فونتیک	فارسی	کُردی
a	زَبَر (—)	(ه ه)
e	نزدیک به «زیر» (—)	ی
o	نزدیک به «پیش» (—)	ۆ
u	—	و
ü	و	وو
ĩ	ی	ی
ä	ا	ا
i	—	—

بخش اول

آشنایی با قواعد املاي كُردی

الف) صداها و حروف متفاوت با فارسی:

صداهایی در زبان کُردی وجود دارند که یا در زبان فارسی همسان آن‌ها موجود نیست و یا علی‌رغم وجود صدایی مشترک، شکل (حرف) خاصی (در زبان فارسی) برای آن منظور نشده است. همخوان^(۱)‌های ویژه‌ی زبان کُردی عبارتند از:

لّ («ل» درشت)

در زبان کُردی، دو صدای «ل» وجود دارد: یکی همان همخوان «ل» فارسی (L) است که هنگام تلفظ آن؛ سطح بالای (جلوی) زبان، مستقیم به کام می‌چسبد و هوا از طرفین زبان به بیرون رانده می‌شود.^(۲) صدای دیگر (L̥) یا «لام درشت» (لّ) است، که در فارسی تلفظ نمی‌شود. برای تلفظ آن نوک زبان مقداری به طرف عقب برگشته و مستقیماً به سقف

۱ - صامت / Consonant

۲ - در خانه‌بندی فونتیک، این صدا جزو صداهای کناری / دهانی - لثوی / روان شناخته می‌شود. هنگام تلفظ این صدا، تورفتگی مختصری در مرکز زبان به وجود می‌آید. [این توضیح اینجا ضروری است که به دلیل فرعی بودن «فونتیک» در این نوشتار، صرفاً به حسب ضرورت، گوشه‌هایی از ویژگی‌های آوایی صداها مورد اشاره قرار گرفته‌اند.]

کام می‌چسبد و هوا از طرفین زبان به بیرون رانده می‌شود. هنگام تلفظ این صدا، برخلاف صدای (L) برآمدگی مختصری در مرکز زبان به وجود می‌آید. «ل» بم‌تر از «ل» [و مقداری عقب‌تر از واجگاه (محل تولید صدای «ل»)] تلفظ می‌شود.^(۱) تلفظ این صدا شبیه به صدای (LL) در زبان انگلیسی [(در واژه‌هایی مانند (ALL) یا (L) دوم واژه‌ی (Little)] است. این صدا در زبان کُردی، همانند تلفظ صدای (l) در کلمه‌ی (الله) توسط عرب‌زبان‌ها تلفظ می‌گردد؛ در کلمات زیر «ل» اول کلمات، همچون «ل» فارسی (و «ل» خفیف کُردی) و «ل» واژه‌ی «الله» همانند «ل» درشت کُردی، تلفظ می‌شود:

رسول الله، لطف الله، کلیم الله ...

چند نمونه از کلماتی کُردی، که در آن‌ها صدای (l̥ / l̥) وجود دارد:

گول	guL	(هم معنی «گل» فارسی)
دل	diL	(هم معنی «دل» فارسی)
گل	giL	(هم معنی «گل» فارسی)

نمونه‌هایی از کلماتی که در آن‌ها صدای (L / L) وجود دارد:

گول	guL	(هم معنی «جُدامی» فارسی)
شل	šiL	(هم معنی «شُل» فارسی)
مل	miL	(هم معنی «گردن» فارسی)

۱ - این صدا در خانه‌بندی فونتیک جزو صداهاى کناری / کامی / روان است. واجگاه این صدا، قدری عقب‌تر از «ل» خفیف (به طرف حلق) می‌باشد.

ر («ر» درشت)

در زبان کُردی دو صدای «ر» وجود دارد؛ یکی همان همخوان «ر» که در فارسی تلفظ می‌شود [«ر» خفیف (r)] و برای تلفظ آن، سطح جلویی نوک زبان، در نزدیکی دندان‌های فوقانی (پشت دو دندان وسط بالا) به کام می‌چسبد، هنگام تلفظ این صدا، فرو رفتگی مختصری در قسمت مرکزی زبان به وجود می‌آید. (۱)

صدای دیگری که در کُردی تلفظ شده و شکلی نیز برای آن منظور شده است، «پ» [«ر» درشت - ɾ] است، که برای تلفظ آن سطح بالای نوک زبان به ابتدای نرم‌کام می‌چسبد و در آخر تلفظ به پشت دندان‌های بالایی نزدیک می‌شود. هنگام تلفظ این صدا برآمدگی مختصری در بخش مرکزی زبان پدید می‌آید. (۲)

چند نمونه

گِر (gir) گه‌ر (gar) ته‌ر (tar) برۆ (biro)

✽ چون صدای «ر» اول واژه‌های کُردی، «ر» درشت (ɾ/r) است، معمولاً (بیشتر نویسندگان کُردزبان) «پ» اول را بدون نشانه‌ی (ɾ) و به شکل «ر» خفیف می‌نویسند.

۱ - این صدا به لحاظ فونتیک جزو صداهای غلطان / دهانی / ثوی است.

۲ - این صدا در خانه‌بندی فونتیک جزو صداهای لرزشی / کامی است.

نمونه:

ریبوار، ریگا، راوچی، راژان، راز، روژ

ف

این نشانه، در زبان کُردی، شکلی است که برای صدایی چون صدای (V) لاتین در نظر گرفته شده است. صدای «ف» در بسیاری واژه‌های فارسی [همانند «و»] واژه‌های اوّل و دوم تلفظ می‌شود، ولی در رسم الخط فارسی، شکل و نشانه‌ی خاصی برای آن منظور نشده است.^(۱)

نمونه:

تافگه (به معنی آبشار) (tävga) بزاف (به معنی جنبش) (bizäv)

ئ (همزه‌ی ابتدای کلمات)

صدای «ئ» (همزه‌ی ابتدای کلمات) در زبان فارسی نیز تلفظ می‌شود، ولی نوشته نمی‌شود.^(۲)

همان‌طوری که در واژه‌های زیر می‌بینیم، (آ) و (آ) و (ا) و ... شامل دو صدا می‌باشد:

۱ - برای تلفظ این صدا، دندان‌های بالایی روی لب پایین قرار می‌گیرند و صدا به صورت «سایشی» به تلفظ درمی‌آید، در خانه‌بندی فونتیک جزو صداهای لب دندان‌ی /واکدار/ سایشی می‌باشد.

۲ - این صدا در خانه‌بندی فونتیک جزو صداهای چاکنایی /انفجاری/ دهانی است.

آبان (ġābān) [ئ + ا + بان]

إنسان (ġensān) [ئ + — نسان]

أَنار (ġanār) [ئ + — + نار]

این صدا در رسم الخط کُردی به صورت زیر نگاشته می شود:

ئابان (آبان) - ئارام (آرام) - ئه رک (آرک) - ئینسان (انسان)^(۱)

۱ - واژه‌ی «انسان» (هم‌معنی مَرُوف کُردی)، ئینسان (اینسان) تلفظ می‌شود و نمونه‌ی فوق صرفاً جهت برآورد چگونگی نگارش کسره‌ی فارسی (با حفظ تلفظ خاص خود) آورده شده و طبیعتاً به واسطه‌ی تفاوت‌های فونتیکی زبان‌های کُردی و فارسی؛ این دو صدا منطبق نبوده و قابل برآورد کامل نمی‌باشند.

ب) واکه‌ها (Vowels) :

مهم‌ترین تفاوت رسم‌الخط کُردی و فارسی ... و نیز مشکل اساسی فارسی‌زبانان (و کُردزبانانی که به زبان فارسی خوانده‌اند) در خواندن و نوشتن متون کُردی، تفاوت در چگونگی نوشتن «واکه» هاست، که در این بخش به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

واکه‌ی زَبَر (—)

در متون ابتدایی زبان فارسی، این صدا با حرکت (نشانه‌ی) — مشخص می‌شود، ولی در سایر متون فارسی، واژه‌های فتحه‌دار را بدون این نشانه می‌نویسند. در واقع در رسم‌الخط فارسی، برخی واکه‌ها (مانند کسره، فتحه و ضمه) همچون زبان عربی، توسط اِعراب^(۱) نشان داده می‌شوند؛ اما در رسم‌الخط کُردی، تمامی واج^(۲)‌هایی که به صدا درمی‌آیند، [چه

1- vowel point.

۲ - واج: phoneme - صدایی است در کلمه، که در صورت جابه‌جایی آن با صدای دیگر؛ معنی کلمه تغییر می‌یابد. برخی صداها اساساً قابل نوشتن نیستند. در لهجه‌های محلی زبان کُردی نیز، صداهایی به زبان می‌آید که فونیم نبوده و نوشته نمی‌شوند. همچنین برخی صداها که در یک زبان خاص «فونیم» هستند، در زبان دیگری نقش

همخوان و چه واکه] توسط حروف، مشخص می‌شوند. ^(۱) صدای فتحه

﴿ فونیم را ندارند؛ مثلاً «غ» که یکی از واج‌های زبان فارسی است، در کلمات کُردی، نقش واج را ندارد و به جای آن واج «خ» در این زبان اصالت دارد [در کلماتی همچون «باغ»، «داغ» - جابه‌جایی «غ» با «خ»، هیچ تمایز معنایی در کلمات ایجاد نمی‌کند...].

۱ - چون در رسم‌الخط کُردی بیشتر صداهایی که به زبان می‌آید، نوشته می‌شود، چنین تصور می‌شود که در این زبان، تمامی صداهایی که در گویش به تلفظ درمی‌آید نوشته می‌شود. برخلاف آنچه که شایع است، رسم‌الخط زبان کُردی، نه بر پایه‌ی نوشتن همه‌ی صداها؛ بلکه براساس نوشتن واج‌ها، یا صداهایی است که تمایز معنایی در واژه‌ها پدید می‌آورند و در صورت عدم وجود یا تغییر و تعویض آن‌ها، معنی واژه تغییر نمی‌یابد. همچنین برخی صداها یا تلفظ خاص بعضی صداها یا برخی دیفتونگ (diphthong) ها (صداها یا مرکب از چند صدا) در گویش‌های منطقه‌ای، نوشته نمی‌شوند و علی‌رغم نبودن یک رسم‌الخط واحد در ادبیات کُردی، می‌توان گفت نظری همگون در خصوص نوشتن این تلفظ‌های خاص محلی، میان نویسندگان کُرد حاکم است. چون تشریح این مطلب در این مبحث نمی‌گنجد، تنها به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

در مناطقی همچون بانه، سلیمانیه و... صدای «د» در برخی واژه‌ها به شکلی عادی تلفظ نمی‌شود و به اصطلاح جویده (یا خورده) می‌شود و صدایی نزدیک به «ی» و گاهی بین «ی» و «همزه / ؤ» جایگزین آن می‌شود، گاهی به صورت صدایی مابین «گ» و «ن» به زبان می‌آید (گ منگ) و در برخی موارد (صدای «د» در واژه) اصلاً تلفظ نمی‌شود [همانند تبدیل واژه‌ی دیم به ییم، واژه‌ی پی‌بده (پی‌بده) به پی‌به و تلفظ صدای «د» واژه‌ی ماندوو توسط دیفتونگی شبیه به ing آخر واژه‌های انگلیسی (بین «گ» و «ن»)]. نویسندگان این مناطق، آن را به شکل «د» می‌نویسند و أحياناً هنگام خواندن، به شیوه‌ی محلی خود تلفظ می‌کنند. صدای «گ» آخر واژه‌ها، نیز در برخی مناطق کُردنشین همانند ing آخر واژه‌های انگلیسی تلفظ می‌شود، ولی در نوشته‌ها آن را با همان شکل «گ» نشان می‌دهند، مانند کلمات: مانگ، ده‌نگ،

در رسم الخط کُردی با شکل (ه - ه) نشان داده می شود:

فارسی	کُردی	فونتیک
بهار	به‌هار	bahār
سَر	سه‌ر	sar
کَمَر	که‌مه‌ر	kamar
کَم	که‌م	kam

واکه‌ی زیر (—)

در مورد صدای زیر (کسره) در زبان کُردی، شبیهاتی در میان نویسندگان کُرد در ایران وجود دارد. گاه انطباق کامل کسره‌ی فارسی و کُردی باهم از سوی برخی افراد عوض می شود و گاه نظری کاملاً خلاف این ابراز می گردد. واضح است که در مواردی تفاوت‌های فونتیکی میان دو زبانِ برادر و هم‌ریشه‌ی کُردی و فارسی به صورتی است که انطباق کامل برخی صداها همچون کسره، میان آن‌ها صحیح نیست.

همچنین در زبان عربی گونه‌های جداگانه‌ای از تلفظ کسره وجود

⇒ ره‌نگ ... نمونه‌ی دیگر، برخی دیفتونگ‌های خاصّ مناطق محدود است، همانند دیفتونگی که شبیه به صدای «وِی» بوده و در تلفظ مَکویان، تقریباً صدای «و» آن تلفظ نمی‌شود: در گویش این مناطق واژه‌ای چون خوی، نزدیک به خِی تلفظ می‌شود ... برای صداها یا دیفتونگ‌های بالا و نظیر آن، از سوی عده‌ای از نویسندگان حروفی پیشنهاد شده است، ولی موفق به قبولاندن نظر خود به دیگران نشده‌اند.

دارد، که با توجه به همجواری جغرافیایی مناطقی کُردنشین با عرب‌زبان‌ها و تأثیرات مختلف گویشی، این شباهت افزایش می‌یابد [مثلاً تلفظ کسره‌ی آخر واژه‌ی «یذهبان» توسط عرب‌زبان‌ها نزدیک به واکه «ی» فارسی و کُردی است، ولی در واژه‌ی «بُعد» تلفظ کسره توسط عرب‌ها، کوتاه‌تر و نزدیک به کسره‌ی فارسی است.]

صدای «زیر» در کُردی، با شکل (یَ / یِ / یِ) نشان داده می‌شود. تلفظ این صدا در کُردی، بسیار نزدیک به زیرفارسی است.^(۱) اینک چگونگی نوشتن چند واژه‌ی فارسی، کُردی و یا مشترک بین دو زبان را

۱ - استاد ملک‌الشعراى بهار می‌گوید: «... «یا»ها و «واو»های مجهول، باقیمانده‌ی حروف مصوته‌ی اوستایی است ... هم امروز در خراسان و افغانستان روز را رُز و دیر را دِر و خروس را خُرس و فروخت و سوخت را فُرخْت و سُخت و قس علیهذا، تلفظ می‌کنند ... اکراد آریایی نژاد به سببی که بر ما پنهان است حروف ویژه‌ی عربی را مثل خود عربان از مخرج ادا می‌کنند، در حالتی که بعضی از مخرج‌های قدیم آریایی را که دیگر ایرانیان فراموش کرده‌اند، مانند «خو» و واوهای مجهول و غیره را هم در کمال صحت ادا می‌کنند و این عجیب است ...». استاد بهار دو واکه‌ی واو مجهول (o) و یای مجهول (e) را از واکه‌های مجهول در زبان فارسی می‌داند که در زبان کُردی حفظ شده است. همچنین ایشان می‌گویند: «... یاء مجهول یائی است بی‌اشباع (که صدای «ی» یا «کسره» می‌داده ...). مانند یاء اصلی و به همین سبب اساتید یاهای مجهول را با الف مماله قافیه می‌بسته‌اند ...». (ر.ک به سبک‌شناسی، جلد اول، ص ۱۹۳-۱۹۵ و ص ۸۵).

البته ذکر این نکته ضروری است که اگر در برخی لهجه‌های محلی، و یا در اوستا، «یا»ی مجهول فارسی (یِ) به قول استاد بهار، تلفظ یکسانی با کسره داشته است؛ واکه «یِ / e» کُردی، - با «کسره»ی فارسی، دقیقاً یکی نیست و امتداد صوتی کسره‌ی کُردی از کسره‌ی فارسی بیشتر بوده و دقیقاً معادل هم نیستند.

به رسم الخط کُردی مشخص کرده‌ایم:

فونتیک	کُردی	فارسی
mehrabān	میهره‌بان	مِهْرَبَان
behnām	بیهنام	بِهْنَام
hend	هیند	هِنْد

عده‌ای بر این باورند که واکه (ی / ی) فارسی معادل کسره‌ی کُردی است و نمونه‌هایی نیز می‌آورند، همچون تبدیل واژه‌ی «ایران» فارسی، به «ئیران» در زبان کُردی و ... در حالی که این امر موضوعی جداگانه بوده و مربوط به چگونگی تغییر فونتیکی واژه‌هایی است که از زبان‌های دیگر وارد زبان کُردی می‌شوند، یا تفاوت تلفظ واژه‌هایی مشترک بین دو زبان؛ و الا اگر بخواهیم واژه‌ی «ایران» را دقیقاً با تلفظ فارسی و با رسم الخط کُردی بنویسیم، باید بنگاریم: «ئیران»... (۱)

۱ - همچنین در تبدیل واژه‌هایی چون بیکس به بیکه‌س و شیوه به شیوه، بیل به بیل، بیگانه به بیگانه ... واکه «ی» به واکه دیگری در زبان کُردی تبدیل شده است (ی). این جابه‌جایی صداها، منحصر به واکه‌ها نبوده و در بسیاری از واژه‌های کُردی، همخوان‌ها نیز طبق خصوصیات فونتیکی این زبان، به همخوان‌های دیگری تبدیل می‌شوند؛ مانند: تغییر همخوان «د» به «ز» (دانا → زانا) و تبدیل همخوان «غ» در کلمه‌ی عربی غله به خه‌له، کلمه‌ی ساغ (تُرکی) به ساخ و ...

ذکر این نکته ضروری است که با دقت در واجگاه و موقعیت اندام‌های سازنده‌ی این واکه‌ها، یکی نبودن آنها کاملاً مشخص می‌شود: هنگام تولید واکه (ی) فارسی،

البته بر این نکته تأکید می‌کنیم که تلفظ این کسره در زبان کُردی، کشیده‌تر از کسره‌ی فارسی ادا می‌شود، به عبارتی دیگر کشش صوتی آن با صدای زیر فارسی یکی نیست. ولی با وجود کوتاه بودن واکه‌ی کسره‌ی فارسی (e)، در برخی حالات کشش آن حتی از واکه‌ی کشیده‌ی «ی / ī» فارسی نیز بیشتر است؛ چنانکه در دو واژه‌ی سیب [si.b] و چشم [çešm] طول هریک از دو واکه‌ی [ī] و [e] ۱۷۰ / ۰ ثانیه است. (۱)

واکه‌ی (پیش) (—^۶)

در زبان عربی، ضمه در مکان‌های مختلف واژه، به شیوه‌های گوناگون تلفظ می‌شود؛ در ابتدا و وسط واژه، تلفظ «پیش» بسیار نزدیک به «پیش» فارسی (o) است، همانند ضمه در واژه‌ی: «قَتِلَ». ضمه‌ی آخر واژه‌های

بخش جلو زبان به سوی سختکام بالا رفته و در فاصله‌ای حدود نصف فاصله‌ای که برای تولید (ی) کُردی لازم است نسبت به سختکام قرار می‌گیرد؛ به طوری که با کمتر شدن فاصله‌ی زبان با سختکام (به مقدار جزئی) در نتیجه‌ی عبور هوا با سایش به بیرون از دهان، یک همخوان سایشی و نه یک واکه، تلفظ می‌گردد. فاصله‌ی بین دندان‌های بالا و پایین ۲ تا ۳ میلیمتر است، هنگام تلفظ «ی» کُردی این فاصله حدود ۵ میلیمتر است. به اعتبار حجم دهان، واکه‌ی «ی» فارسی «بسته» و واکه‌ی «ی» کُردی «نیمه‌باز» است. هنگام تولید واکه‌ی «ی» فارسی، گوشه‌ی لب‌ها اندکی به طرف عقب (به سوی گوش‌ها) کشیده شده و جدار داخلی آن‌ها به دیواره‌ی خارجی دندان‌های پیشین می‌چسبد و لب‌ها به شکل گسترده درمی‌آیند، در حالی که هنگام تولید واکه‌ی «ی» کُردی لب‌ها در موقعیت نیمه گسترده قرار دارند... (نگاه کنید به: یدالله ثمره، آواشناسی زبان فارسی، ص ۱۰۵ و D.N. Mackenzie, Kurdish dialect studies - صفحه ۱۰).

عربی همانند تلفظ آن در فارسی نبوده و این واکه کشیده تر ادا می شود: *یَذْهَبُ* (yazhabu).

تلفظ «پیش» در کُردی نزدیک به ضمه‌ی ابتدای کلمات عربی و ضمه‌ی فارسی (o) است و به شکل «و» نگاشته می شود.

بیشتر آنان که در این خصوص در ایران قلم زده اند، واکه «و» کوتاه کُردی را با «پیش» فارسی، یکی دانسته اند و در این خصوص واژه‌هایی همچون واژه‌ی «گُرد» را مثال زده اند، که در کُردی به صورت «کورْد» نگاشته و ادا می شود. در حالی که این امر همان اشتباهی است که در خصوص کسره مرتکب می شوند و اگر بخواهیم واژه‌ی «گُرد» فارسی را با حفظ تلفظ فارسی و با رسم الخط کُردی بنویسیم، باید چنین بنگاریم: «کُورْد». در این واژه [همچون بسی واژه‌های دیگر]، شکل صداهای واژه‌ی «کورْد» در زبان کُردی، کاملاً از فارسی کُپی نشده و دقیقاً برابر نیستند و هنگام سخن گفتن از این واژه‌ها نباید ویژگی‌های خاص فونتیکی زبان کُردی را فراموش کرد.

آشکار است که تلفظ «پیش» در زبان کُردی، کشیده تر از «پیش» فارسی است و پیش در زبان فارسی، سریعتر ادا می شود. این واکه در دو زبان فارسی و کُردی، دقیقاً معادل هم نیستند. (۱)

۱ - استاد بهار این واکه را هم جزو واکه‌های مجهول در زبان فارسی امروزه می داند که کُردزبانان آن را حفظ کرده و تلفظ می کنند. (نگاه کنید به پاورقی صفحه‌ی ۱۳).
 واکه‌ی «و» فارسی، «بسته» و «گُرد» است، در حالی که واکه‌ی «و» کُردی «نیمه باز» و «نیمه گرد» است. [درباره‌ی «بسته» و «گُرد» به توضیحات ص ۱۴ و ۱۵ مراجعه کنید؛

واکه «واو گشوده» کردی با شکل (و) نشان داده می شود.

در زیر برای روشن تر شدن بیشتر این مطلب، به نوشتن برخی کلمات فارسی به رسم الخط کُردی و بالعکس پرداخته ایم:

واژه‌ی فارسی	رسم الخط کُردی	واژه‌ی کردی	رسم الخط فارسی
شُما	شوْما	سوْنه	سُنه
گُل	گۆل	نوْک	نُک
رُقعی	روْقی	کوْز	کُر

این درست است که تلفظ و امتداد صوتی واکه‌های «و / ۆ» کُردی و «و / ۆ» فارسی کاملاً یکی نبوده و تلفظ «پیش» فارسی کوتاه‌تر است؛ اما آنانکه واکه‌ی «و» کوتاه زبان کُردی را با «پیش» فارسی یکی می گیرند، به این امر توجهی ندارند که اساساً واکه‌ی «و» کوتاه کُردی (u)، در فارسی تلفظ نمی شود و یکی از واج‌های ویژه‌ی زبان کُردی است. گذشته از این، کشیده تلفظ کردن، یا کوتاه گفتن «پیش» در واژه‌های «کُردی»، تمایز معنایی در آن‌ها ایجاد نمی کند و انکار نزدیکی زیاد این واکه‌ها، خطاست. آخر سخن در این زمینه، اشاره به این مطلب است که هنگام نوشتن واژه‌های فارسی دارای «پیش»، به رسم الخط کُردی (با حفظ ویژگی‌های فونتیکی زبان فارسی) ظاهراً مشکلی به وجود نمی آید، مثلاً ظاهراً همه متفقند بر اینکه واژه‌ی «گُلْدَسته» ی فارسی را با رسم الخط

کُردی باید بدین شیوه نوشت: «گولدهستی»؛ در حالی که هنگامی که بخواهیم واژه‌ای کُردی مانند «شورَش» را (با حفظ فونتیک زبان کُردی) به فارسی بنگاریم؛ به دلیل عدم وجود واکه‌ای که دقیقاً معادل «پیش» کُردی باشد، نوشتن این واژه به فارسی مشکل است. [«شورش» همان «شورَش» نیست [نه به لحاظ تلفظ و نه معنا] و نیز در «شُرش»، ضمه کوتاه‌تر از ضمه‌ی کُردی ادا می‌شود.]

واکه‌های «واو» کوتاه (و) و «واو کشیده» (وو)

دو نوع واکه‌ی «واو» دیگر (علاوه بر «واو» گشوده یا ضمه) در زبان کُردی وجود دارد، که دقت در تلفظ و چگونگی نوشتن آن‌ها برای فراگیری املای کُردی، ضرورتی است مبرم:

واکه‌ی «و» (u)

این صدا در زبان کُردی، میان ضمه و «واو» کشیده، تلفظ می‌شود. تلفظ آن در زبان فارسیِ امروزه مرسوم نبوده و معادلی در این زبان ندارد. واکه «و» در زبان کُردی، فونیمی است که با جابه‌جایی آن با واج دیگر، تمایز معنایی در واژه پدید می‌آید.

چند نمونه از واژه‌های کُردی دارای واکه «و»:

کورد (kurd) گول (guL) خور (xuř)

واكهی «وو» (ü)

این واكه معادل واكهی «واو» فارسی است. در رسم الخط كُردی، برای آن دو نشانهی حرفی (وو) منظور شده است. در مواردی، عده‌ای از نویسندگان، نشانهی «و»^(۱) یا «و»^(۲) را به جای آن پیشنهاد کرده‌اند. گرچه به لحاظ اصول زبان‌شناسی و ویژگی‌های عامّ رسم الخط كُردی، قرار دادن یک حرف (یک شکل و نشانهی حرفی) برای یک صدا درست است، امّا بیشتر نویسندگان كُردزبان این واكه را با شکل «وو» می‌نگارند.^(۳)

چند نمونه از واژه‌های دارای واكهی «وو»:

نوور (nür) نووسەر (nûsar) سوور (sür)

□ به دلیل ضرورت دقت بیشتر در سه واكهی واوگشوده (و)، واو کوتاه (و) و واو کشیده (وو)، در زیر به ذکر چند نمونه پرداخته‌ایم که جابه‌جایی این واكه‌ها در آن‌ها تمایز معنایی ایجاد می‌کند:

گول (هم‌معنی «گل») guL کور (هم‌معنی «پسر») kuř

گول (هم‌معنی سگ نر) goL کور (دسته - نشست و) koř

گول (هم‌معنی «گل» فارسی) güL کوور (هم‌معنی گوز پشت) küř

۱ - آکادمی علوم عراق - گروه كُردی.

۲ - استاد هژار - شاعر و نویسندهی والای كُرد.

۳ - در تدریس کتب تحصیلی ابتدایی فارسی، یا هنگام توضیح این مصوت در زبان كُردی، برای ساده‌تر کردن مفهوم واكهی «وو»، اغلب آن را به صورت «او» تلفظ می‌کنند. با توجه به اینکه صدای اول «او» همزه بوده و خود «او» دو صداست و نه یک صدا، لذا این امر صحیح نیست.

پ) چند واکه‌ی مشابه:

واکه‌های «ی / ī» و «ا / ä» در رسم‌الخط کُردی تفاوتی با رسم‌الخط فارسی ندارند، همانند:

واکه «ی» (ī) در واژه‌ی دیوار (هم‌معنی با واژه‌ی «دیوار» فارسی) diwār

واکه «ی» (ī) در واژه‌ی پیر (هم‌معنی با واژه‌ی «پیر» فارسی) pīr

واکه «ی» (ī) در واژه‌ی شادی (هم‌معنی با واژه‌ی «شادی» فارسی) šādī

واکه «ا» (ä) در واژه‌ی یار (هم‌معنی با واژه‌ی «یار» فارسی) yār

در اینجا مختصراً به این نکته اشاره می‌کنیم که یکی از مشکلات رسم‌الخط زبان کُردی (مانند مواردی در زبان فارسی) این است که برای برخی از همخوان‌ها (consonants) و واکه‌ها (vowels)، یک شکل واحد منظور شده است، که البته با مقداری دقت می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد و بر مشکلات ناشی از آن فایق آمد.

از جمله این موارد، هم‌شکل بودن واکه‌ی «و» کوتاه کُردی با همخوان «و» است:

نمونه‌ی همخوان «و»: وینه. (wena)

نمونه‌ی واکه‌ی «و»: گورگ. (gurg)

همچنین واکه‌ی «ی» و همخوان «ی»، همانند رسم‌الخط فارسی، یک

شکل دارند:

نمونه ی همخوان «ی»: یاران (yārān)

نمونه ی واکه ی «ی»: شیراز (šīrāz)

در پایان این بخش، نمونه‌هایی از جملات فارسی را آورده و همان جملات را (با حفظ فونتیک فارسی آن‌ها) به رسم الخط کردی نوشته‌ایم. همچنین برای آشنایی بیشتر، عکس همین کار را انجام داده‌ایم.^(۱) جمله با رسم الخط فارسی: مَن در اُستانِ کُردِستانِ زِندِگی می‌کُنم. همان جمله با رسم الخط کردی (با حفظ تلفظ فارسی و بدون ترجمه): مهن دهر ئوستانی کوردیستان زیندیگی می‌کونه‌م.

فونتیک: man dar ʔostāne kordestān zendegī mīkonam.

ترجمه کردی: من له پارێزگه (ئوستان)ی کوردستاندا ده‌ژیم.

جمله فارسی: او با دوستانش درِ استادیوم ورزش می‌کند.

همان جمله با رسم الخط کردی: ئوو با دووستانه‌ش دهر ئیستادیوَم وهرزیش میکۆنه‌د.

فونتیک: ʔü bā düstānaš dar ʔestādyom warzeš mīkonad.

ترجمه کردی: ئەو له گه‌ڵ هاوڕێکانی له وهرزشگه (ئیستادیوَم) دا وهرزش ده‌که‌ن.

جمله فارسی: آیا شما به اهواز و اصفهان سفر کرده‌اید؟

۱ - همان‌طوری که قبلاً گفته شد، هدف از این کار صرفاً ساده‌تر کردن مطالب است نه مقایسه‌ی رسم الخط‌ها به طور کامل و یا انطباق برخی صداها برهم، که در مواردی ناممکن است.

همان جمله با رسم الخط کُردی: ئایا شوْما بئِ ئه هواز وه ئیسفه هان سه فه ر
که رد ئید؟

فونتیک: *äyā šomä be ähwäz wa äsfahän safar kardeäid?*

ترجمه کُردی: ئایا ئیوه (تا ئیستا) ئه هواز و ئیسفه هانتان دیوه؟



جمله با رسم الخط کُردی: تاران پیته ختی ئیرانه.

همان جمله با رسم الخط فارسی: (بدون ترجمه و با حفظ تلفظ کُردی):
تاران پتختی ایران.^(۱)

ترجمه به فارسی: تهران پایتخت ایران است.

جمله کُردی: زیویه شوینه واریکی که ویننه ی جیی شانازییه.

همان جمله با رسم الخط فارسی: زیوئی شوئوارکی کونینی جی شانازیی.

ترجمه به فارسی: زیویه، یک اثر باستانی افتخار آمیز است.

جمله کُردی: تو ئا گربووی، من ژیله موئی بن خو له میش ...

همان جمله با رسم الخط فارسی: تُو آگر بوی من ژیله مئی بن خله
میش ...^(۲)

ترجمه به فارسی: تو آتش بودی، من اخگر زیر خاکستر ...

۱ - همان طوری که ملاحظه می شود کسره ی واژه ی «ئیران»، کشیده تر از کسره ی فارسی است.

۲ - در این نمونه نیز می بینیم «پیش» کُردی («واو» ی کراوه) با «پیش» فارسی دقیقاً یکی نبوده و «پیش» فارسی، [همانند کسره] سریعتر ادا می شود.

به‌شی دووهم

رینووسی کوردی

یه کهم ههنگاوی «نووسین» و «جوان نووسی»، فیربوونی رینووسی
زمانه و دیاره هه رچه ند ناوه پوکی و تار و نووسراوه یه ک شیرین بی، به لام
رینووسه که ی ناحهز و ناراست بی؛ ئەو ناوه پوکه جوانه داده پوشری و
خوینده وارانیش لی تی ناگهن ...

رهنگه به دیتنی سه ردپری ئەم نامیلکه یه، پرسیاریک یته ئاراوه، که ئەم
هه مووه کتیب و نووسراوه سه بارهت به رینووسی کوردی نووسراوه،
چ پیوستیه ک به م کاره هه یه و ئایا خوانه خواسته ده مانه وی رینووسیکی
نوی بو زمانی کوردی بخهینه به رباس؟ یا له مهیدانی کیشه کانی
زمانه وانیدا، ریازیکی تاییه تی و جیاوا زمان گرتو ته بهر؟ ...

بویه لی ره دابه کورتی سه ره کی ترین ئامانجه کانی نووسینی ئەم نامیلکه یه
ده ستنیشان ده که یه:

۱- گه لی له میلله ته کانی دنیا قه رزرداری زمانه که یانن و که سیتی و
قه واره ی نه ته وه بیان به هو ی زمانه که یانه وه پارێزراوه و له میژووی
کوردیشدا، هیچ شتیک نه یه توانیوه به قه د وشه ی کوردی، خزمه تی ئەم
گه له بکا. ئەرکی قه ره هنگی و مرو قانه ی هه موو ئەده بدوستیکه به پی
توانای خو ی، هه ول بدا خزمه تی زمانه که ی بکا ...

۲- به خوینده وه ی کتیبگه لی جوړاوجوړ له بواری رینووس [و
ریزمان] ی کوردیدا، زوړ جار ده بینین بیروړا و وازی تاکه که سی نووسه ر

بوو هته بناوانی ده‌پرینی هه‌ندی بیروپا و دانانی یاسا بو رینووس. له‌م نووسراوانه‌دا گوئی نه‌دراوه‌ته قازانج و بیروپای گشتی و بناغه‌ی زانستی بو‌چوونه‌کان... له‌په‌نا ئه‌مانه‌دا، هه‌ندی هه‌نگاوی قایم له‌هه‌ورازه‌پیی کیشه‌کانی زمانه‌وانی کوردیدا هه‌لگیراوه و له‌م سی چل ساله‌ی دوااییدا، زور و تاری به‌نرخ و کتیی به‌بایه‌خ له‌بواری زمانه‌وانی و زمانناسی کوردیدا چاپ کراوه. گهرچی ئه‌م مه‌یدانه‌هیشتا کاری فره‌زیاتری پیویسته، به‌لام ئیمه‌نامانه‌وی به‌م ریگایانه‌دا بچینه‌وه و خو‌مان له‌و ده‌سکه‌وتانه‌نه‌بان بکه‌ین و گهره‌کمان نییه‌هه‌ر به‌رواله‌ت شتیکی نوی بخه‌ینه‌به‌رچاو؛ به‌لکوو مه‌به‌ستمان ئه‌وه‌یه‌هه‌ندی له‌گرینگترینی ئه‌م ده‌سکه‌وتانه‌پیشکشی خوینه‌رانی به‌پرز بکه‌ین و هاوده‌نگ و هاوشان له‌گه‌ل دلسوزانی تری زمانی کوردی، له‌ریگای پیکه‌ینانی «زمانی یه‌کگرتوی ئه‌ده‌بی کوردی» دا هه‌نگاوێکی پچووک هه‌لبگرین. شایانی باسه، له‌م نووسراوه‌یه‌دا فره‌تر له‌هه‌موو سه‌ر چاوه‌یه‌ک، له‌نووسینه‌کانی به‌پریزان «دوکتور عه‌بدوپه‌حمانی حاجی مارف»، «دوکتور یه‌دوللا سه‌مه‌ره»، «دوکتور عه‌لی موحه‌ممه‌د حه‌قشناس» و ماموستا «مه‌سعوود موحه‌ممه‌د» که‌لک وه‌رگیراوه.

٣- کاتی ده‌روانینه‌به‌ره‌می هه‌ندی لاوی هوگری هونه‌ر و ئه‌ده‌ب، که‌ده‌ست ده‌ده‌نه‌قه‌له‌م و جاروباریش شتی جوان ده‌نووسن؛ گه‌لی هه‌له‌ی رینووسی تیدا ده‌بینین، بۆیه‌مه‌به‌ستی سه‌ره‌کیمان له‌نووسینی ئه‌م نامیلکه‌یه ئه‌وه‌یه‌که‌به‌زمانیکی ساده‌وساکار، له‌نووسین و خویندنه‌وه‌ی کوردی بدوین؛ هه‌رچه‌ند که‌به‌پیی سروشتی خودی بابته‌کانه‌وه، زورجار ناچار

دهبین له زمانی ساده لایه‌هین و په‌نجه بو لایه‌نی زانستی و وردتری
 باسه‌کان رابکیشین. هه‌روه‌ک له پیشه‌کی به‌شی فارسیدا‌گوتمان، بو‌ئه‌وه‌ی
 هه‌ندی له خوینه‌ران - که تازه ده‌ستیان کردووه به‌خویندنه‌وه‌ی کوردی -
 به‌م باسانه‌وه ماندوو نه‌بن، هه‌ولی ئه‌وه دراوه به‌شی زو‌ری ئه‌م لایه‌نه له
 په‌راویژدا بگونجین.

ریبازی نووسینی ئه‌م نامیلکه‌یه

جگه له چهند سه‌رنجیك سه‌باره‌ت به‌ ئالۆزی و دیدی هه‌له‌ی هه‌ندی
 له‌قه‌له‌مبه‌ده‌ستان له‌باره‌ی بابته‌ی وه‌ك بزوین (Vowel) له‌ زمانی کوردیدا؛
 زو‌ربه‌ی ناوه‌رو‌کی ئه‌م نامیلکه‌یه، تازه‌ نییه و یه‌که‌مجار نییه‌ باسی
 لی‌ده‌کری و له‌ زو‌رکتیی ریزمان و رینووسی کوردیدا، وینه‌ی ئه‌م باسانه
 کراوه. ئه‌وه‌ی ویستوو‌مانه، هه‌نگاوێکه بو‌ئه‌وه‌ی به‌ زمانیکی ساده‌وه، له
 دلی فۆلکلۆر و ئه‌ده‌ب و به‌ ئامرازی نموونه‌هینانه‌وه له‌ شیعر و فۆلکلۆر و
 په‌ند و مه‌ته‌لی کوردی . . . ده‌لاقه‌یه‌ك بکه‌ینه‌وه بو‌باشتر تیگه‌یشتنی
 یاساگه‌لی «رینووسی کوردی».

پیتەکانی زمانی کوردی

له پێشدا به بیانوی لێدوانی پیتەکانی ئەلفووبیی کوردی، ئاماژە بە دوو بابەت دەکەین کە هەندی لیکۆلێنەوێ زمانەوانیشی لەسەر کراوە؛ بۆ ئەوێ بەستینیک^(١) بێ بۆ باسەکانی داها توومان.

یەكەم: کاتی کە باسی پیتەکانی زمانی کوردی دەکەین، سەرنجی زۆر بەمان راستەوخۆ بەرەو ئەلفووبیێ رادەکیشری کە لە ئەلفووبیی عەرەبییەو سەرچاوەی گرتووێ و بەپێی گومانی زۆر بەی نووسەرانی سەرەتای نووسینی زمانی کوردی بەم ئەلفووبیێ، دەگەریتەوێ بۆ ئەو کاتە کە فارس زمانەکانیش بەم ئەلفووبیێ دەستیان کرد بە نووسین و بە وتەیکە کێ تر سەردەمی پەرەگرتنی دەسەلاتی ئیسلامی لەم ولاتانە دەرور بەردا... ئەمە تا ئیستا هەر گومانیکە و ئەگەریش وایی، بەرەمە نووسراوەکانی ئەو سەردەمانە نە پارێزراون و فەوتاون.

وەك ئاشکرایە نووسراوە کوردییەکانی ئیستا تەنیا بەم ئەلفووبیێ بلاونابنەوێ، بەلام ئەوێ کە لەم نامیلکەیدا باسی لێ دەکەین؛ رینووسی کوردی بە «ئەلفووبیی عەرەبی» یە.

دوو: ئەم ئەلفووبیێ، بە هەموو جوانییەکانییەو، هەندی گیر و گرتی هەیه و لە بری شویندا، لە گەل فونیتیکی زمانی کوردی یەك ناگرنەوێ کە هەندی

لێکۆلینه‌وه‌ی به‌نرخ، به‌لام به‌داخه‌وه زۆر تر بێ سهره‌نجامی له‌سه‌ر کراوه. ئەم گێروگرفتانه زۆر جار بوونه‌ته‌هۆی ئەوه‌ی نووسه‌ران هه‌ول بده‌ن بۆ هه‌لبژاردنی ئەلفوبییه‌کی سازگار له‌گه‌ڵ تایبه‌تمه‌ندییه‌کانی زمانی کوردی، بۆنموونه‌هه‌ندی کێشه‌ی زمانه‌وانی له‌سه‌ر هه‌لبژاردنی ئەلفوبییه‌ره‌بی، یان لاتین بۆزمانی کوردی کراوه و رای جو‌راو جو‌ر ده‌رپراوه. گه‌رچی هه‌ندی بۆچوونی زانستیانه‌ی جییه‌ی سه‌رنج له‌م بواره‌دا هاتۆته‌گۆڕ؛ به‌لام گه‌لی هۆی ئاشکراو نادیار، نه‌یانه‌یشتوووه‌ ئەم چالاکیانه ده‌سکه‌وتیکی به‌که‌ڵک و کارای بێ و زیاتر هه‌ر له‌ دوو توێی کاغه‌زه‌کاندا نێژاون و ته‌نیا توانیویانه‌ ببنه‌ شفته‌پژێری بینای زمانیکی یه‌ کگرتوو له‌ داها‌تو‌ودا.

هه‌ندی ده‌نگ و نیگاری جیه‌ی سه‌رنج

جگه‌ له‌ هه‌ندی پیتی^(١) هاوبه‌شی نیوان زمانی کوردی و فارسی، که نیگارگه‌لیکی^(٢) یه‌ کسانن بۆه‌ندی ده‌نگی^(٣) یه‌ کسان؛ چه‌ند نیگار و پیتیکی تایبه‌تی له‌ رینووسی کوردیدا به‌ کارگیراوه‌ که له‌ زمانی فارسی

١ - ده‌نگ له‌ ریگه‌ی «گوێ» وه‌ چه‌ست ده‌کری و به‌ هۆی ئامیری ئاخاوتن (دستگاه گویش) وه‌ ده‌رده‌بریت؛ به‌لام پیت، نیگار (شکل و ویسته‌ی) ده‌نگه‌، که ده‌نوسری.

٢ - نیگار = شکل. نیگار وشه‌یه‌کی فره‌مانایه. ئەگه‌ریش پر به‌پستی «شکل» نه‌بی، وشه‌یه‌کی جوانترم پێ شک‌نه‌هات و هه‌ر به‌پێ هه‌لبژاردنی هه‌ندی نووسه‌ری وه‌ک دوکتور «عه‌بدوهره‌حمانی حاجی مارف»، نیگارم له‌جیه‌ی دانا.

٣ - ده‌نگ = صدا

دانابینرین [وهك: «لام» ی قهله و (ل)، «ر» قهله و (ر)، «ڤ» و ...]. سهره‌پرای هندی جیاوازی بیژه (تلفظ)، به کارهینانی زۆربه‌ی پته‌کان له رینووسی کوردیدا وهك فارسی. ره‌نگه ئه‌و گومانه بیته‌پیش که هندی به‌راوردی نیوان زمانی کوردی و فارسی، به‌راوردکاریه کی ته‌واو و لاساییکارانه‌یه؛ بویه پیوسته‌بلین: هندی‌بابه‌ت و لایه‌نی زمانی بنه‌په‌تی هه‌ن، که له هه‌موو زمانه‌کانی دنیا‌دا یه کسان و یه کپه‌نگن؛ وهك «که‌رت‌ه‌کانی زمانی ئاخاوتن»^(١) که له‌نیوان هه‌موو زوانگه‌لی دنیا‌دا هاوبه‌شن.^(٢)

١ - اجزای سخن / اجزای زبان گویشی.

٢ - بویه‌که‌م جار زانایانی زمانی یونانی (سه‌ده‌ی دووه‌می پیش‌زاین) نه‌خشه‌یه‌کیان بۆ‌به‌شه‌کانی ئاخاوتنی زمانی خویان هینایه‌گۆر و پاشان رۆمیه‌کان و ئورووپایه‌کان، به‌هه‌ندی ده‌ستکاریه‌وه‌که‌لکیان له‌م نه‌خشه‌یه‌وه‌رگرت و دوایه‌رووسه‌کان به‌ئالوگۆره‌وه‌سه‌لماندیان. به‌پیی دابه‌شکاری رۆژاوا‌یه‌کان، ئاخاوتن له‌هه‌شت به‌ش پیکهاتوهه، که‌بریتین له: ١- ناو Noun, Substantive ٢- ئاوه‌لناو Adjective ٣- جیناو Pronoun ٤- کردار / چاوگ infinitive/Verb ٥- ئاوه‌لکردار Adverb ٦- ورده‌وشه Preposition ٧- ئامرازی پیوه‌ندی Conjunction ٨- ئامرازی سه‌رسوو‌رمان و بانگیشتن Interjection.

رووسه‌کان، دوو به‌شیان خسته‌سه‌ر ئه‌م دابه‌شکاریه‌که‌بریتین له: ١- ژماره Numeral و ٢- بیژ (پارتیکل) Particles (ادات، لفظ). له‌پاستیدا سهره‌پرای نزیکایه‌تی «ژماره» و «ئاوه‌لناو»، هندی‌تایه‌تمه‌ندی «ژماره»، جیاوازن له‌ئاوه‌لناو و «ژماره» وهك به‌شیککی سه‌ربه‌خۆی زمانی خۆده‌نوینی. هه‌روه‌ها پارتیکلی وهك «دا، ده‌ی، با، ده‌با، خو، جا...» له‌گه‌ل «ئامرازی سه‌رسوو‌رمان و بانگیشتن» یه‌ك ناگره‌وه و ئه‌م به‌شه‌ش که‌رتیکی زمانی سه‌ربه‌خویه. (پروانه‌بو «ریزمانی کوردی، به‌رگی یه‌که‌م، مۆرفۆلۆژی، به‌شی یه‌که‌م - ناو» ل ١٠-٦، به‌غدا، ١٩٧٩، چاپی کۆری زانیاری کورد).

له هەر روانگه‌یه که وه برپوانینه زمانی کوردی و زمانانی دیکه، ئەم دابه‌شکارییه هه‌موویان ده‌گرێته‌وه و کاتیکی له‌م نامیلکه‌یه‌دا بۆده‌رخستنی هه‌ندی تایبه‌تمه‌ندی زمانی کوردی، جاروبار له‌گه‌ڵ فارسیدا به‌راورد ده‌که‌ین؛ مه‌به‌ست لاساییکردنه‌وه‌ی فارسی، یان هیچ زمانیکی تر نییه، به‌لکوو هۆی یه‌که‌م هاوبه‌شبوونی هه‌ندی لایه‌نی زمانه‌کانه و هۆی سه‌ره‌کتری شمان ساده‌کردنه‌وه‌ی بابته‌که‌نه‌و بۆته‌و لاوانه‌ی به‌زمانی فارسی راهاتوون.

پیته‌جیاوازه‌کان

هه‌مه‌ (ئ)

که‌رچی سه‌باره‌ت به‌م ده‌نگه‌ی بیروپرای جیاواز له‌ نیوان زمانه‌واناندا هه‌یه و هه‌ندی که‌س به‌ «بزوین»^(١) داویانه‌ته‌قه‌له‌م؛ به‌لام هه‌مه‌ هه‌موو کاتی له‌ سه‌ره‌تای برگه‌ (ه‌جا)ی کوردیدا دیت و به‌دوای هه‌مه‌ شه‌دا بزوین دی. هه‌روه‌ها ئاشکرایه‌ له‌ زمانی کوردیدا جگه‌له‌وه‌ی «بزوین» دووهم ده‌نگی برگه‌ (ه‌جا)یه، هه‌رگیز دوو بزوین به‌شوین یه‌کدا نایه‌ن. هه‌ر به‌م هۆیانه‌وه‌ هه‌مه‌، بزوین (vowel) نییه.^(٢) وه‌ک ئەم نموونانه‌ی خواره‌وه:

١ - بزوین (vowel): ده‌نگ‌بزوین، ده‌نگدار ...

٢ - هه‌ندی له‌ فونیتیکرانه‌کان (وه‌ک دوکتورعه‌بدوره‌حمانی حاجی مارف) «هه‌مه» به‌ «یارمه‌تیده‌ی بزوین» ده‌ناسن و به‌ (consonant) نایده‌نه‌قه‌له‌م. [کۆری زانیاری کورد، له‌ به‌شی دووهم، به‌رگی دووهمی گوڤاری کۆر، ل ١٨٦ داوشه‌ی «گیر»ی له‌جیی (consonant) داناوه. به‌ سه‌رنجدانی چۆنیه‌تی دروستبوونی (consonant) ه‌کان

□ ریکه وهندی: (١) [ئ + بزوینی سه ره (٢) + ...] له م وشانه دا:

ئه سرین، ئه هو هون، ئه ستیره، ئه شکه وت، ئه لیم

نمونه:

ئه سیری بسکی ئالۆزی کچه کوردیکی نه شمیلیم

ته ماشا که ن چ سه یریکه، به دهستی دیله وه دیلم.

هیمن

من ئه لیم هه تا هه تایه ده وری جوانیه.

سواره ئیلخانی زاده

ئه وه به هاریکم گه یوه تی کا که سه یده وانه گیان، به هاریکی له من چه ند
گه شه ...

به یتی سه یده وان

□ ریکه وهندی: [ئ + بزوین «i» (ی) + ...] له م وشانه دا:

ئیمان، ئیتر، ئیپه، (٣) ئیتریس (ره زاگران)، ئیکسیر (٤)

⇒ که له کاتی ده ربړیناندا، به پپچه وانه ی «بزوین» ه کان، جو ره «گیر» یك له ئامرازی
فیزیکی ئاخاوتندا پیک دیت، ئه م هه لبژاردنه، فره به جیه.

هه مزه له خانه بهندی فونه تیکدا ده چته خانووی ده نگه جه نه ره یه کانه وه.

١ - ریکه وه ند = ترکیب. گه رچی ئه م واژه یه م زو ره دل نییه، به لام هیچی دیکه م
نه هاته بهرچاو له جیی واژه ی ته رکیب داینیم.

٢ - فتحه / a.

٣ - به نی قایشه جووت.

٤ - دیاره بزوینی «ی» له وشه گه لی وهك «ئیریس» دا، کورتره له بزوینی «ی» له

نموونه:

میننه ت ژ خودایی کو بعه‌بدی خو مه‌لایی

ئیکسیری غه‌می عیشق نه دینار و دره‌دا

مه‌لای جزیری

□ ریکه‌وه‌ندی [ئ + بزوینی «e» (ئ) + ...] له وشه‌گه‌لی:

ئیه، ئیزنگ (داری سووته‌مه‌نی)، ئیستا، ئیمه

نموونه:

ئیاره‌یه، سا هه‌لگره ده‌ی گۆزه‌یی تازه

به‌ر ده‌رگه که تان قیله‌یی رووی ته‌هلی نیازه

گۆران

«... من ده‌مه‌وی ئیاره‌یه‌ک

له‌گه‌ل هه‌ورا بیاریت و ته‌واو نه‌بیت ...»

عه‌بدوللا په‌شیو

□ ریکه‌وه‌ندی [ئ + بزوینی «O» (و) + ...] له‌م وشانه‌دا:

ئوبال، ئوغر، ئوبه، ئوخژن

→ وشه‌ی وه‌ك «پیر» دا. هه‌ندی نووسهر، نیگاری (ب) یا (٢ «یا» یان، بو‌ئه‌م تاکه‌ده‌نگه‌ داناوه؛ به‌لام کرژ و خیرا ده‌رپرین، یا دریز ده‌رپرینی ئەم بزوینه، هیچ جو‌ره مانا‌گۆرکییه‌ک له وشه‌دا پیک ناهینی و ئەم کاره‌ پپو‌ست ناکا. له‌ باسی تایه‌ت به‌م بزوینه‌دا پتر له‌سه‌ر ئەم باسه‌ ده‌روین.

نمونه:

کَلُولار گورجی که وڤه فتار، نه زهر ناکه ی ئه پووی ئوغر
له تیری ئاهی ناکامیم چه زهر ناکه ی ئه پووی ئوغر

گوران

(فولکلور)

ئوبال به ستۆم زیده جوانی

□ ریکه وهندی [ئ + بزوينی «u» (و) + ...] له م وشانه دا:

ئومید، ئوستاد، ئوچ (پینووسی قامیش)، ئوک (ئهوک، گهروو)

نمونه:

نالی ئوستاده که ی گه لی چابوو
خزری ئابی حه یاتی مه عنا بوو

حاجی قادری کوی

□ ریکه وهندی [ئ + بزوينی «ü» (وو) + ...] له م وشانه دا:

ئووفه (نه خوشینیکی یه کسمه وهک هه لامهت)، ئووک (گهروو) (١)

نمونه:

ئاب و خاک قالب نه کهرده، گل وه پی ئووشن نه خشت
زه حمهت سه رمای زمسان روتبه ی یهخ دهیده ئه و

(شامی کرماشانی)

١ - هه ر به م نموونه شدا [که له زمانی ئه ده بی و فولکلوری کوردیدا که من و خوش
نایه نه سه ر زار]، دیاره که ئه م ریکه وهنده له کوردیدا زۆر که مه.

□ ریکه‌وه‌ندی [ء + بزوینی «ا» (l) + ...] له وشه‌گه‌لی:

ئاگر، ئاوینه، ئاشتی، ئاسمان

نموونه:

هه‌رکه‌سێ هات و وتی من ئاشقم بپروامه‌که

تا له‌سه‌ر گۆنای نیشانی زه‌خمی مارانگه‌ز نه‌وی

(له‌سترانیکی سه‌یید عه‌لی ئه‌سغه‌زی کوردستانی) (١)

«زیلا» بووه‌ به‌ ماسیه‌کی بالدارى ناو «زریار».

من خۆم دیومه‌، ئیسته‌ ئه‌و له‌ ناو هه‌ورایه‌ و

له‌سه‌ر کورسییه‌کی به‌رزى ئه‌رخه‌وانی دانیشتوووه‌ و

به‌ گزنک شیع‌ر ئه‌نووسى و کراسیکى ئاودامانی

مانگه‌ شه‌وى له‌به‌ردایه‌ ...»

(شیرکۆبیکه‌س)

ئاوی ئاغا به‌ره‌و ژووریش ئه‌پروا.

(قسه‌ی نه‌سته‌ق)

له‌ عیسای چاوه‌که‌ت ویستم ته‌ماشایه‌کی مردووکا

ده‌نا قینووسی رووت ئیزنی به‌ ئه‌م ئیعجازه‌ هه‌ر نادا

ئاسو

ده‌نگی هه‌مه‌ (ئ)، جگه‌له‌ سه‌ره‌تای وشه‌، له‌ ناوه‌ندی وشه‌شدا ده‌ویژری،

وه‌ك له‌م وشانه‌دا ده‌ییینین:

١ - له‌سه‌ر ئه‌وه‌ی ئه‌م شیع‌ره‌ هی کام شاعیره‌، کیشه‌ هه‌یه‌ و ساخ نه‌بوته‌وه‌.

بیئالینه، سوئال، ده ئاخووم، بیئەنگیوه

نموونه:

سوئالیکت لێ ده کهم، ئیسمی شه‌ریفه‌ چییه؟
ناوی خووم به‌ کوپان نالیم، بولبولم شاه‌په‌رییه

فۆلکلۆر

پرچت وه‌سه‌ ره‌شماری بیئالینه گه‌ردنم
هه‌رچی ته‌م چزگه‌ (۱) دووره‌، نزیکه‌ لیم مردنم

فۆلکلۆر (۲)

۱- جزوو.

۲- دواسه‌رنج سه‌باره‌ت به‌ ده‌نگی هه‌مزه: به‌ پێچه‌وانه‌ی هه‌ندێ بیروپرواوه‌؛ هه‌مزه بزوین نییه‌ وه‌ك گوتمان، بزوین هه‌رگیز له‌سه‌ره‌تای وشه‌، یان برگه‌ و كه‌رتی وشه‌ی كوردیدا، نایه‌ت. هه‌مزه هه‌موو كاتێ به‌ یارمه‌تی بزوینیك ده‌وێژرێ، یا به‌ وته‌یه‌کی تر: خوێ ده‌بیته‌ یاریده‌ده‌ری ده‌برینی بزوینیك. «هه‌مزه» ده‌نگیكی هه‌نجه‌ره‌یه‌، له‌ كاتی ده‌برینیدا، گه‌روو ته‌نگ ده‌بیته‌وه‌، ده‌به‌سری و هه‌وا به‌ ته‌وژم، له‌ گه‌رووه‌ ده‌یته‌ده‌ر و ده‌نگه‌ كه‌ ده‌وێژرێ...

رێگایه‌کی ساده‌ بۆ جیاكردنه‌وه‌ consonant (كوئسوئانت) و vowel (بزوین) له‌ به‌كتر، ته‌وه‌یه‌ كه‌ سه‌رنج به‌ده‌ینه‌ چۆنیه‌تی ده‌برینی ده‌نگه‌كان. له‌ كاتی ده‌برینی «كوئسوئانت» دا، دوو به‌شی سه‌ره‌کی ئامیری فیزیکی ئاخوتن (واته‌ له‌ لیوه‌ كانه‌وه‌ تا هه‌نجه‌ره‌)، له‌ جیگایه‌ كدا لێك ده‌كه‌ون، هه‌وا له‌و شوینه‌دا «گیر» ی هه‌یه‌ و به‌ ئاسانی نایه‌ته‌ده‌ر؛ به‌لام كاتی ده‌برینی «بزوین» (كه‌ هه‌موو كاتێ به‌دوای «كوئسوئانت» دادیته‌)، ته‌م دوو به‌شه‌ لێك جیاده‌بنه‌وه‌؛ واته‌ بێ ته‌وه‌ی گیر لێك هه‌بێ، هه‌وا به‌ سانایی له‌ زار ده‌یته‌ده‌ر.

راهینان (۱):

وشه‌گه‌لی ژیره‌وه به رینووسی فارسی نووسراون، به‌کوردی

بیاننوسنه‌وه:

آوات، آراس، آو، آیا، آمانج، آنجام، آشک، آساس، آمان، ایمان، ایروان،

آش، آسان.

وه‌لامی هه‌موو راهینانه کان له پاشکۆ دایه.

نیگاری «پ» (î) - «ر» ی قه‌له‌و

بۆدەر برینی دهنگی (ر) ی قه‌له‌و، سه‌ری زمان دهنووسی به سه‌ره‌تای نه‌رمه‌مه‌لاشووه‌وه؛ به‌پیچه‌وانه‌ی (ر) ی لاواز، که له کاتی دهر بریندا، نووکی زمان دهنووسی به پروکی سه‌ره‌وه. (۱)
نمو نه‌ی وشه:

شه‌وگه‌ر، هه‌لفرین، کورینه، گروو

«پ» ی سه‌ره‌تای وشه‌ی کوردی، هه‌میشه «ر» ی قه‌له‌وه، بۆیه زۆربه‌ی نووسه‌ران نیشانه‌ی (٧) ی بۆدانانین (٢) وه‌ك: رینگا، راژان، ریوی، ریوار

۱ - ئەم دهنگه له خانه‌به‌ندی فۆنه‌تیکدا ده‌چیته‌ خانووی «له‌ره‌دار (له‌رزۆك) / نه‌رمه‌مه‌لاشوویی» یه‌وه. [کاتی دهر برینی دهنگی «پ»، سه‌ری زمان به‌مه‌لاشووه‌وه ده‌له‌ریته‌وه؛ هه‌روه‌ها ناوه‌راستی زمان هه‌ندی قۆز ده‌یته‌وه].

۲ - ئەم بۆچوونه، له‌ باری رینووسه‌وه‌راست نییه‌ . . . چونکه به‌ پێی یاساکانی رینووسی کوردی، هه‌ر دهنگی نیگاریکی تایبەت به‌ خۆی هه‌یه و چۆنه‌تی نووسین و نیگاری دهنگ نه‌به‌سه‌راوه‌ته‌وه به‌ شوینی وتنی ئەو دهنگه له سه‌ره‌تا، یان له نیوان، یا له‌ ئاخ‌ری وشه‌دا. هه‌ر نیگاریك که بۆ دهنگیك دانراوه، وه‌ك پیناسه‌ی ئەو دهنگه وایه و له هه‌موو شوینیکی وشه‌دا ده‌بی به‌ پیناسه‌یه‌وه به‌ناسریته‌وه. نیشانه‌ی (٧) هه‌یج مانایه‌کی سه‌ره‌خۆی نییه و نیگاری «پ» یه‌ك دهنگی یه‌که‌پارچه‌یه، که بۆ «ر» ی قه‌له‌و دانراوه و نابێ له یه‌ك جیا بکریته‌وه. جگه‌له‌مه، بۆ لیکۆلینه‌وه‌ی زمانه‌وانی به‌تایبەت (بۆ بیگانه‌زمانان) دانانی نیشانه‌ی (٧) پێوسته. به‌لام چونکه زۆربه‌ی نووسه‌ران، «پ» ی سه‌ره‌تای وشه به‌ بی نیشانه‌ی (٧) دهنووسن؛ بۆ به‌رگری له‌ شله‌ژاوی فره‌تر، هه‌تا کۆرپکی ده‌سه‌لاتداری گشتی لهم باره‌وه بریاریک بدا؛ باشتره (ر) ی سه‌ره‌تای وشه هه‌ر به‌ بی نیشانه‌ بنووسرێ.

نمونه:

کوتهی ئاوه سووی به هار بر^{اوم}
به شهوی پاییز تا روژ گر^{اوم}

فولکلۆر

غه زال چیشم که رد، دلت لیم ریشه
خوت ساحیو تیشهی، ته قسیر من چیشه

(گۆرانی «یار غه زال»ی سه یید عه لی ئه سفه ری کوردستانی)

شه و گه رو داوه ت خو شه
مه رد به له منی تیك مه ده

فولکلۆر (له: گۆرانی حه سه ن زیر دك)

له پردی باسان کارتهی میوه
گه یمه هه یرانی کور به به ریوه
مار یژگه م و یران، ماندی بووی پیوه

حه یران

راهینان (٢):

کام دهنگی «پ»ی ئه و وشه کوردییانهی ژیره وه، نیشانهی (٧)ی
پیویسته و بووی دانه نراوه؛ دیاری بکه ن و بووی دابنن: (له به رانبه ر هه ر
وشه یه کدا، مانا فارسییه که ی هاتوو ه).

به رد (سنگ)، کور (پسر)، کویر (کور)، گر (شعله، آتش)، شه ر (جنگ)،
گریان (گریه)، شیر (شیر)، برین (زخم)، برین (بریدن)، که ر (ناشنوا)،
که ر (الاغ)، ئاور (به عقب نگریستن)، ئاور (آتش).

نیگاری «ل» (L) - لامی قه‌له‌و

بۆدەرپرینی «لامی قه‌له‌و»، سهری زمان تۆزی وهرده‌گه‌رێ و به‌بنی پووکی سهره‌وه‌ده‌نووسی؛ هه‌روه‌ها ناوه‌راستی هه‌ندی قو‌قر ده‌بیته‌وه. به‌پێچه‌وانه‌ی لامی لاواز (ل)، که‌له‌نووسیندا هیچ‌نیشانه‌یه‌کی نییه‌و بۆ دهرپرینی؛ پانایی پێشه‌وه‌ی زمان، راست ده‌نووسی به‌ناوه‌راستی پووکه‌وه: (۱)

هه‌لو، که‌ل، هه‌ل‌له، ولات

نمونه:

سه‌عات بۆده‌سی، که‌له‌بۆچاوی
عه‌تری چه‌فتاوحه‌وت، بۆ زولفی خاوی

فۆلکلۆر

داییه‌له‌ بالم گولله‌ی تۆپه‌خو
بپێچن زامم (با) لیم نه‌کاته‌سو

له‌هۆره‌یه‌کی «عارف دیوانده‌ره» یی وه‌رگیراوه

ده‌نگ ته‌که‌م خه‌لک مه‌نام ته‌کا، ده‌نگ ناکه‌م ده‌ر دکونام ته‌کا.

(به‌ندی پێشینان)

پیاوکۆله‌که‌ی ماله (په‌ند)

۱- له‌خانه‌به‌ندی فۆنه‌تیکدا به‌مجۆره‌ده‌نگه‌ده‌لین: که‌نازی /اره‌وان /زاری /
پووکی. له‌کاتی دهربرینیدا رووی زمان ده‌نووسی به‌پووکه‌وه‌وه‌ناسه‌له‌
لاته‌نیشه‌کانی زمانه‌وه‌دیته‌ده‌ر.

❖ ده‌نگی «لامی قه‌له‌و» له سه‌ره‌تای وشه‌ی کوردیدا ناویژری.

راهینان (۳):

کام وشه هه‌له‌یه راستی بکه‌نه‌وه:

لّار (کج)، سال (سال)، کلاو (کلاه)، تال (تلخ)، لال (لال)، گول (گل)،
لّیره‌وار (جنگل).

نیگاری «ف»

زانا کورده‌کان، ئەم نیگاره‌یان بو نیشان‌دانی ده‌نگی «ف» (ده‌نگیکی
وه‌ك ۷ ی ئینگلیسی) داناوه.

ئەم ده‌نگه زۆرتر له زاراوه‌ی کرمانجی ژوو‌روودا هه‌یه و که‌م
وشه‌مان له زاراوه‌ی کرمانجی خواروو و زاراوه‌کانی دیکه‌ی کوردیدا
بووه که ئەم ده‌نگه‌ی تیدا بێ. لەم دوا‌سیانه‌دا که نووسه‌ران و شاعیران
هه‌ول ده‌ده‌ن به‌ر هه‌مه‌کانیان به‌ واژه‌گه‌لی زاراوه‌ جیا‌جیا‌کانی کوردی،
پرا‌زبهنه‌وه، روژله‌گه‌ل‌روژ، هه‌ندی وشه‌ی فره‌تر له زاراوه‌ی کرمانجی
ژوو‌روو وه‌رده‌گیری. لەم ناوه‌دا هه‌ندی وشه‌ش، که ده‌نگی (ف) یان
تیدا‌به‌هاتو‌نه‌ته زاراوه‌کانی دیکه‌ی کوردی. (۱)

۱- له بارې فۆنه‌تیکه‌وه ئەم ده‌نگه «لیو‌ددانی / خشه‌دار»ه و بو‌ده‌رپ‌رینی؛ ددان
ده‌چینه سه‌ر لیوی خواره‌وه و هه‌وا له نیوان ددانه‌کانی پیشه‌وه دپته‌ده‌ر و ئەم ده‌نگه به
«خشه / له‌ره»وه ده‌ویژری. سه‌رنجی خوینه‌ران بو‌ئەو مه‌سه‌له‌یه راده‌کیشین که:

ئەم دەنگە لە هەندێ وشە وەك ئەمانەدا دەبیسین:

هەقال، بققە، گققە، فینگە، تافگە، بزاف، راقە (۱)

دەردەدلی «کاکەمەم» ی بەیتی «مەموزین» ی خانی، لە گەل «شەم» یک،
لەزیندانا:

هەرچەند بـشەف دمی نی بیدار

سبحان دئقی حەتا شە ئیشار

ئیشار و سەحەر بە روژ ئە گەر شەف

ئەزھەر دسژم، وە سال سەر هەف

لە عیسی چاوە کەت و یستم تەماشایەکی مردوو کا

دەنا فینووسی رووت ئیزنی بە ئەم ئیعبازە هەر نادا

(ئاسۆ)

✽ لە زۆربە ی وشەکاندا، گۆرینی «ف» بە «و»، مانای وشەکە ناگۆری. لە

زاراوەی کرمانجی خواروودا، جاروبار وشە ی کرمانجی ژوو روو بە وچۆرە

دەگۆردین، وە کوو:

گوفار ← گۆوار بزاف ← بزواتن، بزواتن

شەف ← شەو ئەف ← ئەو

ئیشار ← ئیوار هەف ← هەو، ئەو

چونکە باسی فۆنۆلۆژی، لەم نامیکە بەدا، باسیکی لاوەکیە؛ کاتی بە کورتی، لە پلە و خانووی فۆنیاتیکی دەنگی داوین؛ مەبەست دەرختنی هەموو روویەکی ئەم دەنگانە لەباری فۆنۆلۆژیە وە نەبوو و هەر سەرەکیترین تایبەتمەندی فۆنیاتیکی دەنگە کە مان نیشان داو.

۱ - لە زاراوەی کرمانجی خواروودا، دەنگی «ف» لەو وشانەدا دەبیسین کە ئەم

دەنگەیان تیدا دووبارە بوو تەو.

راهینان (٤):

کام وشه مانای «آبشار» ده‌دا، ده‌ستیشانی که‌ن:

ئا) رووبار ب) شو‌راوگه پ) تافگه ت) بزاف

بزوینگه‌لی «سه‌ر» و «ژیر»

زانا کورده‌کان، بۆنیشان‌دانی بزوین له‌ نووسینی کوردیدا به‌پیی ناسیاری خوین له‌ په‌یکەر و ساختمان و تایه‌تمه‌ندییه‌کانی ریزمانی ئاخاوتنی کوردی؛ بزوینه‌کانیشیان وه‌ک کۆنسۆناته‌کان، به‌ پیت ده‌ستیشان کرد. نووسینی بزوینه‌کان به‌ پیت، رینوووسی کوردی له‌ هه‌ندی گیروگرفتنی ئه‌لفووبیی عه‌ره‌بی رزگار کرد؛ به‌ پیچه‌وانه‌ی فارسی که‌ بۆنیشان‌دانی به‌ شیک له‌ بزوینه‌کان، شیوه‌ رینوووسی عه‌ره‌بیان ره‌چاو کرد و له‌ بزوینه‌ر (اعراب) که‌لک وه‌رده‌گرن.

بزوینی «سه‌ر» [ه - ه (a)]

نیگاری (ه - ه) بۆنیشان‌دانی بزوینی «سه‌ر» دانراوه، که‌هاوتای «زَیر / فتحه‌ی فارسییه‌. پروانه‌ چه‌ند وشه‌یه‌کی هاوبه‌شی کوردی و فارسی و چۆنیه‌تی نووسینیان:

فارسی	کوردی
سَر	سەر
خَیران	حه‌یران
دَسْت	ده‌ست
بَهَار	به‌هار
کَمَر	که‌مه‌ر

نموونه:

ئـاوی سـپی کـانیـه
 وازم له مه‌شکه‌ی نـییـه
 حـه‌یرـانـم له مـال نـییـه

(گۆرانی مه‌شکه‌ژەندن)

هـه‌رکـئ کـۆرپـه‌م نـه‌لـاوـیـئـی
 کـه‌ره‌ی بـه‌هـار نـه‌تـاویـئـی
 بـه‌سـه‌ر نـاـنـیا نـه‌سـاوـیـئـی

(«لای لایه» ی کانی بیشکه‌پراژەندن)

تا خان ئه‌پـازـی، له‌شـکر ئه‌تـرازی. (په‌ند)

کـئ بـه‌ سـه‌ر بـه‌رزی ژـیـابـی تـاوی
 ژـیـنی قـالـاوی بـه‌ پـووشـیک ناوی

(هه‌ژار)

بۆ وردبوونه‌وه‌ی زیاتر لهم ده‌نگه، بـروانه به‌راوردی ئەم وشانه‌ی
خواره‌وه:

که‌پ (kar) _____ کو‌پ (kuř)

شه‌پ (šar) _____ شو‌پ (šar)

گه‌پ (gar) _____ گـپ (ger)

به سه‌رنجدانی ئەم وشه‌گه‌له، ده‌رده که‌وی که جی‌گو‌پ‌کیی بزوینی سه‌ر
(ه - ه) له‌گه‌ل بزوینی دیکه، مانای وشه‌که ده‌گو‌پ‌ی؛ لهم نموونانه‌دا
بزوینی «سه‌ر» له‌گه‌ل بزوینی «واو» ی کورت (u)، «واو» ی کراوه (o) و
«یا» ی کراوه (e)، گو‌پ‌راوه و وشه‌یه کی جیاوازی دروست کردووه.

راهینان (ه):

«ناو» گه‌لی ژیره‌وه، به رینووسی کوردی بنووسنه‌وه:

أحمد ، سعيد ، رشيد ، چيمَن ، سياَمند ، سَحَر

بزوینی «ژیر» / «ی» ی کراوه [e / «ی»]

بزوینی (ی) گەرچی جیاوازی فونیتیکی له گهل بزوینی «ژیر» / کسره «ی» فارسیدا ههیه و له بزوینی «ژیر» ی فارسی درپژتر و کیشراوه تر دهوژری، بهلام نزیکترین دهنگ به بزوینی «یا» ی کراوه ی کوردی، دهنگی «ژیر» ی فارسییه.^(١) برواننه چوینه تی نووسینی ئەم وشانهی

١ - سهبارهت به بزوینی «ژیر» ی کوردی؛ ههندی ئالۆزی و بیروپای جیاواز لهناو نووسهران و تهدهبدۆستانی کوردی ئیراندا ههیه. ههندی له نووسهران دهقاوده ق «ی» ی کوردی و «ژیر» ی فارسی وهك بهك دادهنن و جیاوازی فونیتیکی نیوان دوو بزوینه که لهبرچاو ناگرن. ههندیکیش به پیچهوانهوه، یه کسهر ئەم دوو بزوینه جیا لهیهك و دوور لهیه کتر دهزانن و پسان وایه بزوینی «ی» ی فارسی، هه مان بزوینی «یا» ی کراوه ی کوردیه و بو نمونه ههندی وشه ی فارسی دینهوه، که لهواندا ئالوگۆری بزوینی «ی» ی فارسی به «ی» ی کوردی هاتۆته دی؛ وهك وشه گهلی:

شیر (فارسی) šīr → شیر (کوردی) šer

ایران (فارسی) ĩrān → ئیران (کوردی) ĩerān

له حالیکدا ئەم ئالوگۆره، له دهبرین و بیژه (تلفظ) ی وشه گهلیکدا پیکدی که له زمانانی دیکه وه دینه ناو زمانی کوردی، یا به کوردی وهرده گیردین، یان وشه ی هاو بهشی نیوان فارسی و کوردین و به پیی فونیتیکی کوردی، بزوینی «ی» ی فارسی لهو وشانه دا ده بیته بزوینی «ی». لهم وه رگیرانی وشهیه له فارسیه وه بو کوردی، فونیتیکی وشه فارسیه که نا پاریزری و ته گهر بمانه وی بو نمونه، ههر ئەو دوو وشه یه ی سهره وه (به پیی یاسا کانی فونیتیک) بی وه رگیران و ههر به بیژه (تلفظ) ی فارسی و به رینووسی کوردی بنووسین، به مجوره ده یانووسینه وه:

ایران (فارسی) ĩrān → ئیران (کوردی) ĩerān

شیر (فارسی) šir → شیر (کوردی) šir

⇒

واته لێره‌دا دهرده‌که‌وێ که ئەم برۆیه‌که‌ تا راده‌یه‌کی زۆر سه‌لمینراوه، راست نییه. مامۆستا موحه‌ممهد ته‌قی به‌هار ده‌لێ: «... بزۆنگه‌لی «یا» و «واو»ی نه‌ناسراو (مجهول)، پاشاوه‌ی «بزۆن» گه‌لی ته‌وێستاین ... ههر ئیستا له‌ خوراسان و ته‌فغانستان، وشه‌ی روز [rūz] به‌ شیوه‌ی رۆز [roz] و دیر [dīr] به‌ در [der] و خروس [xortūs] به‌ خُرس [xoros] و فروخت [forūxt] و سوخت [sūxt] به‌ شیوه‌ی فُرخت [forōxt] و سُخت [soxt] ده‌یژن ... به‌ هویه‌کی نادیاره‌وه، کورده‌ ئاری‌ره‌گه‌زه‌کان، ده‌نگه‌گه‌لی تابه‌تی عه‌ره‌ب وه‌ك خودی عه‌ره‌به‌کان، له‌ وێژگه‌ (واجگاه / مخرج) وه‌ ده‌یژن، له‌ حالیکدا هه‌ندی وێژگه‌ی میژینه‌ی ئاریایش - که ئیرانییه‌کانی دیکه‌ له‌ بیربان بردۆته‌وه - به‌ ته‌واوی و راست دهرده‌پرن و ئەمه‌ جیی سه‌رسووهرمانه‌ ...»

مامۆستا به‌هار دوو بزۆنی «واو» و «یا»ی نه‌ناسراو، به‌ بزۆنگه‌لی ونوو و نه‌ناسراوی زمانی فارسی ده‌زانیت که له‌ زمانی کوردیدا پارێزراوه. هه‌روه‌ها ده‌لێت: «... «یا»ی نه‌ناسراو، «یا» یه‌کی تیره‌نبوووه (بنی اشباع)، که ده‌نگی «ی» «کسه‌»ی هه‌بووه ... هه‌روه‌ك «یا»ی ته‌سلی و ههر به‌م هویه‌وه مامۆستاگه‌ل، [له‌ شیعردا] «یا» گه‌لی «نه‌ناسراو»یان له‌ گه‌ل «ئه‌لفی مه‌ماله‌» به‌ هاوقافیه‌ داناوه ...» (بروانه‌ بو: «سه‌بك شیناسی، به‌رگی یه‌که‌م، لاپه‌ره‌ی ١٩٣ تا ١٩٥ و لاپه‌ره‌ی ٨٥).

لێره‌دا پێویسته‌ بلین ئەگه‌ر به‌ وته‌ی مامۆستا به‌هار له‌ هه‌ندی شیوه‌زاری ناوچه‌یی، یان له‌ ته‌وێستادا، بیژه‌ی «یا»ی نه‌ناسراوی فارسی (ی) له‌ گه‌ل ژیر (کسه‌) دا په‌کیك بن، مه‌ودای دهربرینی ژیری کوردی (e) ته‌مرو، به‌قه‌د ژیری فارسی نییه، به‌لام ئیستاش ئەم دوو بزۆنه‌ یه‌ که‌جار له‌یه‌ك نزیکن.

بۆ به‌رپه‌رچدانه‌وه‌ی ته‌وهرۆایه‌ی که دوو بزۆنی «ی» فارسی و «ی» کوردی به‌ هاوتا ده‌زانێ، پێویسته‌ سه‌رنجی وردتری وێژگه‌ (شۆینی دهربرینی ده‌نگه‌کان) و چۆنیتی حاله‌تی ئەندامگه‌لی پیکه‌ینه‌ری ئەم دوو بزۆنه‌ بده‌ین: له‌ کاتی دهربرینی بزۆنی «ی» فارسیدا، مه‌ودای زمان و مه‌لاشووه‌ نیوه‌ی مه‌ودایه‌ که له‌ کاتی دهربرینی بزۆنی «ی» کوردیدا پیک‌دیت؛ به‌وجۆره‌ی که ئەگه‌ر به‌حاسته‌م ئەم مه‌ودایه‌ له‌

⇐

ژیره وه، که گۆرینی بزوینیک له وشه یه کدا به بزوینی «ژیر»، چۆن جیاوازی مانایی دروست ده کا:

شیو → شیو دیو → دیو ژیر → ژیر

نمونه‌ی چهند وشه یه کی هاوبه‌شی کوردی و فارسی (یا فارسی)، به رینووسی کوردی:

مهربان → میهره‌بان شعر → شیعر بهنام → بیهنام

نمونه:

کرماشان جینگای ئه‌جدادی جینگای شیرین جیی فه‌ره‌ادی

تا مردن هه‌ر توّم له یادی

(حه‌سه‌ن زیره‌ك)

→ گۆتی «ی» ی فارسیدا کهم بیته‌وه، ئینجا (consonant) یك به خشه و «گیر» هوه دروست ده‌بی، نه‌ك بزوین (vowel) ی «ی». مه‌ودای نیوان دوو ریزه‌ ددانی سه‌ره‌وه و ژیره‌وه له کاتی ده‌برینی «ی» دا نزیک به ۵ میلیمتره، به‌لام له کاتی ده‌برینی «ی» ی فارسیدا ئهم مه‌ودایه، ۲ تا ۳ میلیمتره. به‌یپی ئه‌ندازه‌ی ناو‌زار، بزوینی «ی» ی فارسی «به‌ستراو» و بزوینی «ی»، «نیوه‌ئاواله» یه. له کاتی ده‌برینی بزوینی «ی» ی فارسیدا، گۆشه‌ی لیو به‌ره‌و گۆی ده‌کیشرین و «بلاو» ن، به‌لام لیوگهل له کاتی ده‌برینی «ی» دا «نیوه‌بلاو» ن...

(پروان بو: یدالله ئمره، آواشناسی زبان فارسی، ل ۱۰۵ - و D.N.Mackenzie, Kurdish dialect studies - لاپه‌ره ۱۰ -).

له گهل دووباره‌ کردنه‌وه‌ی ئه‌وه‌ی که بیژی دوو بزوینی «ژیر» ی کوردی و فارسی ده‌قاودوق وه‌ك یه‌ك نین و «ژیر» ی کوردی کیشره‌وتره له «ژیر» ی فارسی؛ به‌لام له هه‌ندی شوینیشدا «ژیر» ی فارسی که بزوینیکی «کورت» ه، ته‌نا‌هت له بزوینی «ی / ئی» (دریژی) فارسی کیشره‌وتر ده‌ویژری؛ بو نمونه له دوو وشه‌ی [çešm] (چیشم) و [si.b] (سیب) دا دریژی هه‌ر دوو بزونه‌که ۱۷۰ / ۰ سانیه (چرکه) یه ... (پروانه بو: آواشناسی زبان فارسی ... ل ۱۰۷).

نموونه‌ی چه‌ند وشه‌یه‌کی کوردی:

هێرو، کوستان، لادی، سیبه‌ر، لاری

نموونه‌ی ئه‌ده‌بی:

دایه، شه‌وه و کچی لادی زامه‌کانم

کونه و گۆزه‌ی خویان پر کرد

له‌ رووباری قوولی ژانم ...

(له‌تیف هه‌لمه‌ت)

نموونه‌ی چه‌ند زاراوه^(١)ی کوردی:

شه‌ کره‌سیو، فره‌ویژ، شیره‌ژن^(٢)

١ - له‌ دانانی هاومانای وشه‌ی «رۆنراو» و «دارپژراو»، له‌ زمانی کوردیدا هه‌روه‌ک زمانی ئینگلیزی گیر وگرفێک هه‌یه، ئه‌ویش ئه‌مه‌یه‌ که چون idiom له‌ ئینگلیزیدا هه‌م مانای dialect (شیوه‌زار، له‌جه) ده‌ گریته‌وه‌ و مانای (اصطلاح) یش ده‌دا، له‌ کوردیشدا «زاراوه» هه‌م به‌مانای (شیوه‌زار، له‌جه) به‌کار ده‌برێ، هه‌م به‌مانای (اصطلاح). جگه‌ له‌م دوو مانایه‌، وشه‌ی «زاراوه» له‌ لایه‌ن زمانه‌وانانی کورده‌وه‌ بو‌ هه‌موو وشه‌گه‌لی ناساده‌ی کوردی وه‌ک «ناوی لیکدراو»، «ئاوه‌لناوی لیکدراو»، «ئاوه‌لناوی کارای لیکدراو»، «ئایدیۆم» و ... هتد، دانراوه‌. وشه‌ی «زاراوه» بو‌هه‌موو ئه‌م مه‌به‌ستانه‌ پر به‌ پێست نییه‌؛ به‌لام نه‌مویست وشه‌یه‌کی داناشرای دیکه‌ی له‌ جیگه‌ دابنیم و هه‌مان «زاراوه»م بو‌ ئه‌م چمکه‌ داناوه‌. (بروانه‌ بو‌: «زاراوه‌سازی»، مه‌سه‌عود موحه‌ممه‌د، چاپی به‌غدا، کوپری زانیاری کورد).

٢ - وشه‌ دانیه‌ ساکاری هه‌موو زمانیکه‌. له‌ بنه‌رته‌دا، وشه‌ی ساده‌ و «ناو»ه‌کان؛ به‌پێ واز و مه‌یلی یه‌که‌م و پۆه‌رانی ئه‌و زمانه‌ (بو‌ جیه‌ جیکردنی پێداویستی ژبان و پێوه‌نده‌ کو‌مه‌لا یه‌تیه‌ کانیان)، بو‌شتیک، یان کاه‌ت و هه‌لومه‌رجیک ... دانراون،

هه‌ندیکیشیان پیوه‌ندیان به تاییه‌تمه‌ندییه کانی خودی شته‌که، ئامیره‌که، یان هه‌لومه‌رجه‌که‌وه نه‌بوو و چمک (مفهوم) یکی «تجربیدی و انتزاعی» ن. ئه‌مجوره‌وشانه، له زماناندا ژماره‌یان زور نییه و به‌که‌م و زیادکردنی پیشگر و پاشگر و ناوگر ... وشه و زاراوه‌ی دیکه‌یان لێ دروست ده‌بی و ویژهر قسه‌یان پێ ده‌کا و که‌سی تر له مه‌به‌ستی خوی ده‌که‌یه‌نی.

یه‌کیک له‌بابه‌ته‌گرینگه‌کانی زمانی، چۆنیه‌تی که‌لک وهرگرتن له‌م وشانه‌یه‌بودارشتنی زاراوه و وشه‌ی لیکدراو ... له‌لایه‌ن خه‌لکی ئاسایه‌وه، دوایه‌ش دروستکردنی زاراوه‌ی نوی (به‌پێوانه‌ی ئه‌و یاسایانه‌ی، که‌به‌دریژایی میژوو له‌زمانه‌که‌دا جیگیر بوون).

دارشتنی زاراوه، یه‌کیکه‌له‌ئه‌سته‌مترین و گرینگترین کاره‌کانی زمانه‌وانی ... جواترین زاراوه‌گه‌لی زمانی کوردی، به‌ره‌می کاری سروشتی و ئاسایی خه‌لکی ره‌شوکی و نه‌خوینده‌وارن و به‌پێوانه‌یه‌کی خۆمالی و به‌هه‌وینی خودی زمانه‌که، دارپژراون، نه‌ک له‌لایه‌ن زانایانی زمانه‌وه. [سه‌دان زاراوه‌ی شیرینی وه‌که‌ئهم زاراوانه، زمانی کوردییان رازاوته‌وه: شوپه‌ژن (ناو و ئاوه‌لناو)، سه‌وزه‌گیا (ناو و ئاوه‌لناو)، ناسکه‌هه‌رمی (ناو و ئاوه‌لناو)، ئاشبه‌تال (ناوی لیکدراو)، ده‌سته‌چله (ناوی لیکدراو)، داره‌مه‌یت (ناوی لیکدراو)، سێ کوچکه (ناوی لیکدراو)، خه‌مه‌وین (ئاوه‌لناوی کارا)، ده‌مه‌وانه (ناوی دارپژراو)، به‌ربه‌یاخی (ئاوه‌لکرداری دارپژراو)، پێخه‌ف (ئاوه‌لناوی کارای لیکدراوی کورتکراو)، که‌له‌پیاو (ئاوه‌لناو و ناو) ...]

هه‌رچه‌ند ئه‌مه‌به‌مانای له‌به‌رچاونه‌گرتنی هه‌وول و ته‌قالای جوان و به‌رزی زمانه‌وانانی کورد له‌م بواره‌دا نییه، که‌به‌دارشتنی گه‌لی وشه‌ی به‌رپێ و جۆی بو‌که‌ره‌سه و ئامیر و هه‌لومه‌رجی نویی کۆمه‌لایه‌تی؛ هه‌ولیان داوه‌بوده‌وله‌مه‌ند کردن و پاراوه‌هێشته‌وه‌ی زمانی کوردی. به‌لام له‌دنای ئه‌ورودا، که‌له‌گه‌ل تپه‌په‌رینی هه‌ر ساتیک ئالوگۆریکی تیکنۆلۆژی، زانستی، ئابووی ... روو ده‌دا، به‌تایه‌ت به‌داهێنان و دروستبوونی هه‌ر که‌ره‌سه‌یه‌کی نوی، زاراوه‌یه‌کی نوی له‌دایک ده‌بی و هه‌ندیکیش ده‌سته و پاوان و وشه و زاراوه‌ی پێوستی ئه‌و ئامیره‌ساز ده‌کری ... هاتنی ئه‌م که‌ره‌سانه‌بو

راهینان (٦):

وشه‌گه‌لی ژیره‌وه که به ئەلفوویی فۆنیٹیک، یان به فارسی نووسراون،

به رینووسی کوردی بنووسنه‌وه:

په‌زاد، مه‌ر، شِعر، sebar, šiLer, šer

➡ ناوولایک وەك ئیران و ناو کوردەواری، جگە لەوێ وشە و زاراوەی بیگانه و نامۆتیکەلی زمانی کوردی و فارسی و ... دەکا؛ هەندی جاریش دیاری نالەبار و بیانی فەرەه‌نگی لەتەك خۆیاندا دینن و زمان و فەرەه‌نگمان تووشی مەترسی لاوازبوون و هەره‌سه‌ینان دەکەن؛ بۆیە جیگە‌ی فەرەه‌نگستانیک‌ی بە‌ده‌سه‌لاتی کوردی زۆر خالییه و مەترسی لە‌ده‌سته‌چوونی دە‌سمایه و گە‌نجینه‌ی زمانی و فەرەه‌نگیمان یه‌ کجار گە‌وره‌یه.

بزوینگه‌لی

«واو» ی کورت - «واو» ی کراوه - «واوی» درێژ

رینووسی کوردی، بو دیاریکردنی هه‌ندی کۆنسۆنانت و بزوین، تاقه‌نیگاریکی هاوبه‌ش، یان چه‌ند پیتی ویکچووی هه‌لێژارد، که ئه‌مه بوخۆی مایه‌ی هه‌ندی گیر و گرفته. بو فی‌ربوونی باشتی رینووسی کوردی، وردبوونه‌وه له‌م باب‌ه‌ته پێویسته. بو نموونه، له کوردیدا بزوینی «واو» ی کورت (و / u) و کۆنسۆنانتی «و» (w) تاقه‌نیگاریکیان هه‌یه. پێش ئه‌وه‌ی راقه‌ی ئه‌م بزوینانه بکه‌ین، پڕواننه ئه‌م چه‌ند نموونه‌یه:

وه‌نه‌وز	شه‌واره	وه‌لام	وینه
wanawz	šawāra	waĻām	wena
کور	تور	خور	کورت
kuř	tur	xuř	kurt

١- «واو» ی کراوه [«ۆ» / o]:

بزوینی «واوی کراوه» (ۆ)، نزیکترین ده‌نگه به «پیش» ی فارسی ... و «ضمه» ی سه‌ره‌تا و ناوه‌ندی وشه‌ی عه‌ره‌بی. بۆیه په‌نجه له‌سه‌ر ده‌نگی «بۆر» ی سه‌ره‌تا و ناوه‌ندی وشه‌ی عه‌ره‌بی داده‌نیین چونکه به پێچه‌وانه‌ی

فارس زمانه کان؛ عه‌ره‌بگه‌ل، «بۆر» ی ئاخ‌ری وشه، به‌کورتی و خ‌یرایی نای‌ژن (واته ده‌نگی o ی نیه . . .) وه‌ک ده‌بیژن: «یه‌زه‌به‌بو» (ی‌ذهَبْ). له‌ فارسیدا ئهم وشه‌یه، نزیک به‌م شیوه‌یه ده‌ویژری: «یه‌زه‌به‌بو». وه‌ک ده‌بینین عه‌ره‌بگه‌ل، «بۆر» ی ئاخ‌ری وشه، وه‌ک «واو» ی کورتی کوردی ده‌ویژن، که‌ خوی ده‌کشینی به‌ره‌و «واو» ی در‌یژ: و ← وو. به‌لام له‌ سه‌ره‌تای وشه، یان ناوه‌ندی وشه‌دا؛ ده‌نگی بۆری عه‌ره‌ب، خ‌یراتر و کورت‌تر وه‌ک واوی کراوه (o / و) د‌یت‌ه‌بیژ: (١)

ب‌ع‌د boɣda (دوورخ‌رایه‌وه) - ک‌رم kaɾoma (ریزی لی گیرا) - ض‌رب zoriba (لی درا) ده‌نگی «و»، له‌م نمونه‌ کوردییانه‌دا ده‌بینین:
شۆره‌بی (šorabi)، شۆخ (šox)، سۆل (soL)، روژگار (rožgār)

نمونه:

... شۆره‌بی که‌ بۆته‌ داری چاکی بی نه‌شه و شنه،

زه‌لکه‌ گه‌ر ته‌یاری تیر و قۆشه‌نه ...

خۆشه‌ویسته‌که‌م!

له‌ په‌نجه‌ره‌ی نیوه‌ تاکی بوومه‌ ل‌یله‌وه،

چاوی من له‌ دیمه‌نی کچی به‌یانیه؛

له‌ هه‌نجه‌ره‌ی زه‌مانه‌وه،

١ - بزویپی «و» ی فارسی، «به‌ستراو» و «خ‌پ»؛ له‌ حالیکدا بزویپی «و» ی کوردی، «نیوه‌ ئاواله» و «نیوه‌ خ‌په». (پروانه بو‌په‌راویزی ل ١٣، هه‌روه‌ها: آواشناسی زبان فارسی، ل ١١٣ و | - D.N. Mackenzie, Kurdish dialect studies - ل ١١ -).

نموونه:

جام نا وه بان ران چاو سورمه‌ریز که‌رد
دووباره میل برد، قه‌تل په‌رویز که‌رد

(مام ستار - هۆره‌ویژی ١٢٠ ساله، خه‌لکی ئاوابی «قاشوق» ی تیکاپ)

با ره‌شه‌با فری بدا ته‌وری ژه‌نگن،

نیرگزیک ده‌یه‌وی بروی.

تفه‌نگه‌کان، با ییده‌نگ بن،

مندالیک ده‌یه‌وی بنوی.

چی قه‌یسه‌ر و پاشا هه‌یه‌با گوی بگرن،

شاعیریک ده‌یه‌وی بدوی

ئه‌وه‌ی نه‌توانی بیی

به‌گول بو په‌رچه‌می کچی؛

به‌پی زورداراندا بچی ...!

(له‌تیف هه‌لمه‌ت)

٣- «واو» ی دریز [ü / «وو»]:

له‌لایه‌ن زۆربه‌ی نووسه‌رانی کورده‌وه، نیگاری دو «واو» (وو) بو

نیشان‌دانی بزوینی «واوی دریز» به‌کارده‌بری. (١)

١- له‌راستیدا دانانی دووپیت بۆیه‌که‌ده‌نگ له‌زمانیکی فونیمی وه‌که‌کوردیدا
له‌باری زانستییه‌وه، راست نییه‌و ئه‌مه‌جیاله‌وه‌ی رینووس له‌باری ستاتیک
(جوانکاری) یه‌وه‌لاواز ده‌کا، به‌پچه‌وانه‌ی یاساکانی رینووسی زمانیکی وه‌که‌

وهك وشه گهلی: سووك (sük)، هوون (hün)، سوور (sür)، سنوور (sinür)
 سهبارت به بزوینی «واوی درێژ»ی ئاخری وشه، ههندیك له سه ر ئه و
 بپروایه ن، چونكه دوايين دهنگه و به روالهت، كورتتر له واوی درێژ
 دهوێژری، دهبی به یهك واو بنووسری؛ به لام ره چاوكردنی ئه م بۆچوونه
 به مانای گوپینی بزوینی «واوی درێژه» له گه ل «واوی كورت» دا و هه له ی
 رینووسییه. (۱)

نمونه:

سه ری، وه كوو هونراوه یهك،
 هیدی هیدی، لار كرده وه؛
 منیش، شانم وهك دهفته ری
 تامه زرو بوو

→ كوردیه، كه (به گشتی) بۆهه ر فۆنیم (phoneme) یك یهك نینگاری داناوه. ماموستا
 هه ژار نینگاری «و»ی له جی «وو» داناوه، ههروهه «كوپری زانیاری كورد»، نینگاری
 «و»ی بۆئهم دهنگه په سه ند كرد و به كاری هینا؛ كه ئه گه ر له باری ستاتیکی و هه ندی
 لایه نی وهك تیکه لبوونی له گه ل «فتحه»ی عه ره بیدا، به جوان نه زانرابی؛ له روانگه ی
 زانستی زمانه وانییه وه راست و ره وایه. به مجوره ش له بهر نه شیواندنی پتری مه پدانای
 تازه روو له گه شه ی نووسینی كوردی له ئیران، [تاكو هه ولیکی سه ركه وتوو له
 ریگه ی پیکهینانی زمانیکی ئه ده بی یه كگرتوودا] باشته ره قه له مبه دهستان له
 نووسینه کانیاندا بۆ هاودهنگی فره تر بزوینی «واوی درێژ» هه ر به دو «واو» بنووسن.
 ۱- له کتیه سه ره تاییه کانی فارسیدا، بۆ ساده کردنه وه ی تیگه یشتن و فیروونی
 قوتاییان، کاتی شیکردنه وه ی دهنگی «و»، پیتگه لی «او» له جی دانراوه. «اوو» خوی له
 دوودهنگی هه مزه [ئ] + «وو» پیکه هاتوو و دانانی ئه م نینگاره له جی «وو» راست
 نییه.

هه‌لبه‌ستیکى بێته سه‌رى!

خه‌و برديه‌وه

تا به‌يانى خه‌و برديه‌وه ...

(عه‌بدوللا په‌شيو)

وه تـفـه‌نگى بـرـنـه‌و ئا‌ه‌و‌و له‌كه‌ل و‌ر

پـيـكـياـگـم وه‌ده‌س غه‌زاله‌ى كه‌لو‌ر

(فولكلور)

ئىستا‌بروانه‌ جيا‌وا‌زى مانايى ته‌م وشه‌گه‌له‌، كه‌ به‌گو‌ر‌ينى تا‌كه‌ ده‌نگي‌ك
(له‌و بزوينانه‌ى سه‌ره‌وه) له‌ وشه‌دا پي‌ك دي‌ت:

مانا	فونيتيک	وشه
نا‌ت‌ي‌ژ	kuL	کول
ئا‌وه‌خو‌ره‌ى ئا‌ژ‌ه‌ل، كه‌ له‌دار، يان به‌رد و‌قو‌ر دروست ده‌كرى	koL	کۆل
ته‌شتى نا‌ن‌كا‌ران، غار	küL	کوول
مرو‌ف (مندال)ى ني‌رينه	kuř	کور
كو‌بو‌ونه‌وه، ئه‌نجومه‌ن، ده‌سته ...	koř	کۆر
پشت‌كو‌م	küř	کوور
كه‌وو، كه‌وگ، ره‌نگى شينى ئامال‌سپى	boz	بۆز
لووان، هه‌لكه‌وتن	büz	بووز

راهیان (۷):

۱- کام وشه هاومانای «گل» ی فارسییه؟

(ئا) گل (ب) گۆل (پ) گول (ت) گۆل

۲- شوینی خالی ئەم رستهیه به یه کۆ له وشه گهلی ژیرهوه پر بکهنهوه:

رهنگی خوین ... ه.

(ئا) سوور (ب) سور (پ) سوور (ت) سۆر

۳- بزوینی (و) ی کورت له کام وشه دایه، دهستیشانی کهن:

(ئا) خور (ب) خۆر (پ) شوول (ت) روژ

بزوینگهلی «ی» i- و «ا» ä (و کورته بزوینی «i»)

لیره دا باسی بزوینگهلی «یا» ی ئاسایی [i] و «کورته بزوینی ä» و بزوینی «ا» ä ده کهینه بیانوی به سه رکردنه وهی بهیتی کوردی و روانینیکی تر بو فۆلکلۆر:

ئه وهی دلسۆزانی فهرهنگی کورد، له ئیراندا ده خاته په ژاره وه؛
خه می خه ریکبوونی زۆربه ی هوگرانی ئه ده به، به ته نیا لایه نیکی ئه ده بی
کوردیه وه، وه ک چالاکی هه ر له مهیدانی شیعی کلاسیکی، یان ته نیا
فۆلکلۆر، چیرۆک و بابتهی دیکه؛ که لای زۆربه مان ئه و لایه نه شیعه.
راسته که شیعر، زیاتر له هه موو به شیکی ئه ده ب و چالاکی فهرهنگی،

کسپه له هه‌ناو دینێ و خورپه ده‌خاته دلانه‌وه و هه‌ست بزوینێ؛ به‌لام ته‌گه‌ر
بیین هه‌ندی به‌رفره‌وانتر بر‌وانینه ته‌رکه فره‌پووست و چالاکیه
سه‌ره‌کیه کانی ئیستامان، ده‌بینن که ده‌توانن وێرای خه‌ریکبوون به
شیعره‌وه؛ له هه‌ندی مه‌یدانی دیکه‌ی وه‌ک چیرۆک و لیکۆلینه‌وه و
فۆلکلۆردا که کاری که‌متریان له‌سه‌ر کراوه، ته‌قالا بده‌ین.

به‌گشتی کاری کو‌کردنه‌وه‌ی میرات و که‌له‌پوور و فره‌هه‌نگی
نه‌ته‌وايه تیمان له‌ زۆربه‌ی ناوچه کوردنشینه کانی ئیراندا ته‌وه‌نده که‌م
کراوه، که شه‌ونمی که له‌ چاو ده‌ریا...

له‌ زۆربه‌ی ناوچه کاندا؛ بو‌کو‌کردنه‌وه‌ی رێ‌وپه‌سمی جو‌راو‌جو‌ر و
پێوه‌ندییه کو‌مه‌لایه‌تییه کانی پێشوومان، شیعر و هه‌نراوه‌ی ناو‌شایی
وشیوه‌ن، کاتی دروینێ و مه‌شکه‌ژاندن، مندال لاوانده‌نه‌وه و لبادکوتان،
هه‌وره و لاوک... رووداوه می‌ژوو‌یه‌کان، ناسین و ناساندنی شاعیر و
هونه‌رمه‌ند و نووسه‌رانی پێشوومان و ده‌یان باب‌ه‌تی دیکه؛ که بنه‌مای
فره‌هه‌نگ و زمانه‌که‌مان، کاریکی ته‌وتۆنه کراوه.

خوانه خواسته نامانه‌وی ته‌و کارانه‌ی کراوه، بی‌باه‌خ بکه‌ین؛ به‌لام
(بو‌نموونه) که‌س نازانی چه‌ند به‌یت و مه‌نزوومه‌ی کوردی فه‌وتاون...
ئێستاش به‌ مردنی هه‌ر پیره‌پیاو و پیر‌ژنی‌ک، که‌لی‌وشه و زاراوه و چیرۆک
و په‌ند و مه‌ته‌لی... کوردی ده‌چه‌ ژیر گله‌وه و به‌شیک له‌ که‌ره‌سه‌ی
ره‌سه‌نی نووسه‌ر و شاعیر و هونه‌رمه‌ندی کورد، روو له‌ فه‌وتانیکی
هه‌میشه‌یه. ته‌رکی گه‌وره‌ی هه‌موو قه‌له‌مبه‌ده‌ستی که؛ جوامیرانه قو‌لی
هیممه‌تی لی هه‌لمالی و هه‌ر که‌س له‌ ئاست خویدا هه‌ول بدا بو‌کو‌کردنه‌وه

و پاراستنی ئەم کە لە پوورە ...

بەیتی کوردی، یەکیەکە لە سەرچاوەکانی هەرە رەسەن و دیرینی کوردەواری کە هەم پرە لە وشە ی رەسەن و سادەوساکار و شیرینی کوردی و هەم گەلی رووداوێ میژوویی و بەسەرھات و ری و پرەسم و خووخدە ی کوردەواری و بیروپرای ئایینی و فەرھەنگی کوردی لە خۆیدا پاراستووە، کە سەر چاوە یەکی بە پێزە بۆ لیکۆلینەوێ جوړاو جوړ و ھەوینیکی باشە بۆ خولقاندنی بەرھەمی ھونەری ...

بزوینی «ی»:

بزوینی «ی» (i) کوردی و فارسی وەك یەك دەنووسرێن و بیژە (تلفظ) یان وینە ی یە کە، وەك لەم نموونانەدا دەبینین:

کوردی	فارسی
ژیلا	ژیلا
تیر	تیر
سینا	سینا
ئیمان	ایمان

لە ھەندێ وشەدا ئەم دەنگە کیشراوە تر دەوێژری و ھەست بە ھەبوونی بزوینیکی درێژتر لە بزوینی «ی» دەکری؛ بەلام کورت دەربڕین، یان کیشانی ئەم بزوینە، ھێچ ماناگوێکیەک لە وشەدا پێک ناھێنی و پێویست

ناکا وهك هه‌ندی نووسهر «ی» ی درێژ به دوو «ی» بنووسین. بۆنموونه،
 وشه‌ی «پیر» ته‌گهر به دوو «یا» بنووسین (پیر)، جیاوازییه‌کی مانایی تیدا
 به‌دی نایه‌ت. [گهرچی ره‌نگه‌ له‌ بوا‌ری دیکه‌وه (وهك ورده‌کاری
 فۆنیټیک) دیاریکردنی ته‌م ده‌نگانه، به‌قازانج و پۆیست بیت؛ به‌لام
 به‌گشتی ته‌م دیاریکردنه، ته‌رکیکی جیاوازی ریزمان و زمانه‌وانیه و ته‌گهر
 له‌ رینووسدا په‌پره‌وی بکری، ده‌بیته‌ هو‌ی قورسکردنی پتری نووسینی
 کوردی.]^(١)

نموونه:

سه‌د وه‌ستم ده‌و‌ی، له‌ پایه‌هرزی | دووسه‌د شاگرد بی بو‌خو‌ی و
 ده‌رزی | کراس بدرو‌ی له‌ گۆلو‌و‌کی ره‌زی | له‌به‌ژنی یارم بو‌خو‌ی بله‌رزی
 سه‌د وه‌ستم ده‌و‌ی له‌ بانی کو‌یه | هه‌شتا له‌ مووسل‌ی، شپست له‌ شنو‌یه |
 کراس بدروون له‌ گۆلی لیمو‌یه ده‌بلا ته‌نک بی | ناسک و شلک بی | بو‌چاو
 هه‌لو‌یه ...
 (به‌یتی خه‌زیم)

کورت‌ه‌بزو‌ینی (i):

گهرچی باسی ته‌م کورته‌ بزو‌ینه له‌ بنه‌ره‌تدا سه‌باره‌ت به‌یه‌کی له‌

١ - کاتی نیکاری ده‌نگی دیکه‌ی وشه‌ش بگۆردی، ته‌م بزو‌ینه هه‌ر به‌ شیوه‌ی
 خو‌ی ده‌مینیه‌وه؛ مه‌گهر ته‌وه‌ی که له‌ هه‌ندی وشه‌دا به‌پیی فۆنیټیکی تایه‌تی زمانی
 کوردی، بزو‌ینی «ی» فارسی بیته «ی» [«یا»ی کراوه، وه‌ک: بیکس (فارسی) -
 بیکه‌س (کوردی)].

گیر و گرفته کانی رینووسی کوردیه و شیکردنه وهی تایبه تی و چاره سه رکردنی
 بنه رتهی دهوئی؛ به لام چونکه له م به شانه شدا که پیشکesh کراون؛ به پیی
 پیداوستی؛ ئەم دەنگه مان دەستیشان کردوو؛ لیـره دا به کورتی لیـی
 ده دوین:

له رینووسی کوردی [به «ئەلفوویی عەرەبی»] دا، ئەم دەنگه دیاری
 نه کراوه. ئەم بزوینه کورتتره له بزوینی «ی» و دەنگیکه وهك «كسره
 مختلسه» ی عەرەبی. پروانه نووسینی فونیتیکی ئەم چه ند وشه کوردیه:
 مه زن (mazin)، گر (gîr)، شنه (šina)، من (min)
 گوړینی ئەم بزوینه به بزوینی دیکه، وهك له ژیره وه ده بینین،
 مانا گوړکی پیک دینی:

کەر	_____	کەر
شەر	_____	شەر
گەر	_____	گەر

ههروهه دانەنانی ئەم بزوینه له وشه ویکچوووه کاند، هه ندی جار
 ده بیته هو ی مانا گوړکی، یان شیواندنی مانا:

مانا	فوئیتیک	وشه
پشتوین	šinik	شینک
شینکایی، سه‌وزه‌لانی	šink	شینک
چۆلگه، سارا	dašt	ده‌شت
ده‌یشۆرد (جلی ده‌شت)	dašit	ده‌شت
ئه‌منیه‌ت، «ئیس‌تخبارات»	ɬamn	ئه‌من
من	ɬamin	ئه‌من
مانگی ئاسمان	mäng	مانگ
ماندوو	mänig	مانگ
نووست	xawt	خه‌وت
خه‌وی تۆ	xawit	خه‌وت

نمونه:

«... لاسه! ئه‌و په‌رچه‌مانه‌م بۆ تۆ په‌روه‌رده‌ کردوون هه‌روه‌ک
 ئاوریشمی دووکانی، ئه‌من ئه‌و هه‌نیه‌م بۆ تۆنیکاداشتی کردوو، هه‌زار و
 خه‌وسه‌د مه‌لایکه‌تی جله‌وکیشه، وه‌ک مانگی مونه‌وه‌ر وایه، شه‌وقی
 داوه‌ته‌ عه‌رزو ئاسمانی...»

(به‌یتی لاس و خه‌زال)

بزوینی «ا» (ä):

بیژه‌ی بزوینی «ا» وه‌ک بزوینی «ا»ی فارسییه‌ که له‌م و شانه‌دا ده‌بینین:
 زۆزان، شه‌مال، باران، وه‌ستا، نیشتمان، مامۆستا

نمونه:

دمدم بهردیکی شینه | چوارزستان و پینج هاوینه | تییداخانی
 له پزیرینه | زه فرمان پی نه بردینه.

دمدم بهردی له بهردی | لیی دهن به تویی نه بهردی | تا روژی مهردی
ونامهردی.
 (بهیتی دمدم)

«ئەزموون»

راھبێنان (۸):

کامیان هه‌له‌یه راستی بکه‌نه‌وه:

❑ تاریفی به‌ره‌وروو، له زه‌می پشته‌مله خراپ‌تره.

❑ خه‌لکی به‌رق ئه‌یگری، من چرامووشی.

❑ قه‌لاکه‌م روخا پال به‌م به‌کویه.

❑ دل‌داری خوشه‌ له هه‌ر دوو سه‌ر بی

نَک من بسووتیم ئه‌و بیخه‌به‌ر بی.

❑ گه‌وه‌ری ده‌ریا به‌ دایم وا له ژیر خاشاکه‌وه. (قانیخ)

❑ بی‌به‌رگییه عیله‌ت که هه‌تیو مه‌یلی هه‌تاوه. (نالی)

❑ که‌له‌که‌ی چه‌پم کون بو لیوآل به‌ مست لی داوه.

(فۆلکۆر)

گا ده‌سووتیم گا ده‌گریه‌م غه‌رقی ئاو و ئاورم

ئاخ له‌به‌ر به‌ختی سیا! نازانم ئه‌ز بۆچ نامرم

(له‌گۆرانییه‌کی هونه‌رمه‌ند «موحه‌مه‌دی ماملی» - شیعری وه‌فایی)

راهبێنان (۹):

له جی پیتته نه نووسراوه کان، که به نیشانه ی (....) دیاری کراون، بزوینی پیویست دابنن:

			و	...	ش	ن	ا	و	...	ش
			ن	ا	د	ن	...	ب	...	ر
			ز	ر	ه	ب	...	ل	...	ب
				ی	ب	...	گ	ن	...	ش
...	م	ر	ه	ه	...	ک	س	ا	ن	

راهینان (۱۰):

بنووسن: (۱)

به‌هار، دهشت، سهر، سه‌پروسه‌مه‌ره، قازی که‌وسهر، میهره‌بان، تیکرا،
زیویه، شیخ نافع، شوره‌بی، نه‌که‌روژ، ئارام، ئاسه‌وار، شاهو، ئیلاخ،
عه‌بدوللا ناهید، گولستان، مه‌له‌کولکه‌لام مه‌جدی، گولبه‌دهم،
شوره‌سوار، بوره‌بیاو، نوره‌ئاو، گوزه، ته‌متوومان، سووره‌گول، په‌پووله،
که‌ره‌فتوو، بزاق، راقه، گفقه، گهل، گل، گل، گول، گول، گول، گول، کور،
کور، کوور، کور، کور.

زیویه، ته‌خت سلیمان و که‌ره‌فتوو؛ چه‌ند شوینه‌واری میژووین، که
نیشانده‌ری ره‌سه‌نبوون و ریشه‌داربوونی فره‌ه‌نگی دانیش‌توانی ئەم
ناوچه‌یه‌ن و مایه‌ی شانازی ئیمه‌ن.

ئەو نۆنه‌مامه‌ی دل له‌لا گیره
په‌لکه‌ی خه‌یاته‌ی لؤلوی زنجیره
خال چون هه‌ساره‌ی عاسمانیگیره
گو‌نا چون خواردن گ (۲) شا و وه‌زیره
وه‌نه‌وشه‌ی نه‌سیم ده‌زگای کشمیره
دل تا وه‌مردن بوی پاوانگیره

(مه‌نزوومه‌ی وه‌نه‌وش و به‌ره‌زا)

۱ - بۆ نووسینی ئەم ئەرکانه، پێویسته وشه و رسته کان، له لایه‌ن که‌سیکی دیکه‌وه
بخوینریته‌وه، نه‌ک روو‌نووس بکری.

۲ - «گ»: کور‌تکراوه‌ی گشت؛ هه‌موو.

گیره (تشدید)

له زمانی کوردیدا کهم وشه مان ههیه که گیره ی هه بی. بۆنوسینی ئه و
 وشانه و وشه ی زمانه کانی دیکه، که گیره یان ههیه و به کوردی
 ده نووسرین؛ به جیی دانانی نیشانه ی گیره ی فارسی و عهره بی (س)، دهنگی
 گیره دار دوو باره ده نووسرته وه؛ وهك:

بَقَقَه، زَلَلَه، عَهْدَوَلَلَا، شَهْدَه، مَوْحَمَمَه، مِلَلَه، مِلَلی، گولله
 زۆر نووسه ریش به پیاوانه ی فوئیتیکی زمانی کوردی، که خو ی دوور
 ده خاته وه له «گیره»، له نووسینی هه ندی وشه دا، دهنگه «گیره دار» ه که بی
 دوو باره بوونه وه ده نووسن؛ وهك: محیدین، نه جمه دین، عیزه ت.

راهینان (۱۱):

وشه گه لی ژیره وه به کوردی بنووسن:

صلاح الدین، سیف الله، رحمت الله، عباس، نجار، بتا

به‌شی سیّه‌م

چه‌ند گیر و گرفتیکِ رینووسی کوردی و
هه‌نگاوێك به‌ره‌وزمانی یه‌ک‌گرتوو



له م به شه دا هه ولى ته وه دراوه، باسى هه ندى گيروگرتى رينوسى
 كوردى بكرى. ته م باسانه، بابەتيكى جىي ليكولينه وهى زانستى قوول و
 هه مه لايه نه ن و شانى ته م كتيبه شايانى هه لگرتنى ته و باره قورسه نيه؛ به لام
 هه رچى ويستم خو مى لى لادهم، وهك پويستيه كى گرینگ ناچار بووم
 [هه رچه ند به كورتى]، چه ند خاليكى سه ره كى و بنه رته تى ته م باسه
 بخه مه روو و كورته يهك له ئاكامى هه ندى ليكولينه وه له م بواردده دا
 پيشكه ش بكه م. ته م هه و و ته قه لايانه، فره تر له لايه ن نوو سه رانى كوردى
 ئىراقه وه دراوه و له م بواردده دا بيروپراى «دوكتور عه بدوره حماني حاجى
 مارف» م كردو ته بنه ما و پشتيوان، سيه رى بو چوونى ته و به ئاشكرايى
 به سه ر هه موو نوو سراوه كه دا و به تايه تى ته م به شه ي دوايدا دياره.

(ده) ي سه ره تاي «كردار» ي «حال» (مضارع)

له كاتيكد كه زور به ي قه له مبه ده ستانى كورد، هه ولى ته وه ده ده ن كه له
 وشه گه لى شيريني زاراوه جوړاو جوړه كانى كوردى كه لك وه رگرن، له
 هه ندى ناوچه دا، به شيك له نوو سه ران بو هه موو مه سه له يه كى نوو سين،
 له سه ر زاراوه ي ناوچه ي خو يان پى داده گرن و به پى ئاخاوتنى بنه ماله و
 شار و ناوچه ي خو يان ده نوو سن. يه كيك له م بو. چوونه ده مارگيريانه،
 نوو سيني سه ره تاي «كردار» ي «حال»، به «ئه» يه. له ژيره وه چه ند خاليك

له سەر راست بوونی به کارهینانی «ده» ی سهره تای کرداری حال ده سنیشان ده که ی:

(۱) به کارهینانی «ده» له ئاخاوتنی کورد و له زمانی ئه ده بیدا، ره سه نتره له به کارهینانی «ئه» و له ئه سله ده مان «ده» ی سهره تای «کردار» ی «حال» له هه ندی ناوچه دا، به پپی ئالوگوپی فوئیتیکی... بووه ته «ئه». ئهم ئالوگوپه به ره به ره ره خه ی کردو ته نووسینی روژنامه کان و به ره هه می نوو سه رانه وه؛ که یه که م نیشه نه کانی له کوردستانی ئیراق له روژنامه ی «تیکه یشتنی راستی» دا ده بینین. له ژماره کانی سهره تای ئهم روژنامه یه دا [که سالانی دوا ی شه پی یه که می جیهانی له سلیمانی چاپ ده بوو] زو ربه ی نزیک به ته وای کرداری حال به «ده» وه ده ست پی ده کا و به ره به ره له ژماره کانی دوا ییدا «ئه» فره تر ده پی... (۱)

به چاو خشان دنیك به میژووی شیعر و ئه ده بی کوردیدا ده بینین که شاعیرانی میژینه مان وهك «نالی»، ههر «ده» یان به کاربردووه؛ دوا ی «نالی» له شیعره کانی «مه حوی» دا هه ندی جار «ئه» ده بینین، به لام زو ربه ی کرداری حال له شیعر ی «مه حوی» شدا ههر به «ده» وه ده ست پی ده که ن. دوا یه له شیعر ی «زیوه» دا فره تر «ئه» ده بینین و کاتی ده پروانینه شیعر ی «فایه ق بیکه س»، یه که سه ر «ئه» ی به کاربردووه. (۲)

۱- پروانه بو «رینووسی کوردی به ئه لفوییی عه ره بی»، دوکتور عه بدوره حمانی حاجی ماریف، ۱۹۸۶، چاپی «ئه مینداریتی گشتی روشنیری و لاوانی کوردستان»، ل ۱۱۹ تا ۱۲۱.

۲- سه رچاوه ی ناوبراو - ل ۱۱۹.

له فۆلکلۆرى ئەو ناوچانەى که ئیستا له ئاخوا تندا «ئه» به کار دێن، ئەم مه‌سه‌له‌ى ئالوگۆرپه و هه‌روه‌ها ره‌سه‌نایه‌تى «ده» به‌ روونی ده‌بێنرێ، بۆ نموونه له ناوچه‌ى سه‌قزدا: ئەندازیار «سالم»ى کورێ دوکتور میکایلی په‌رهامى له‌ ساڵه‌ کانێ نیوان ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ی هه‌تاوی، هه‌ندى گۆرانى فۆلکلۆرى و شیعری ناوچه‌ى سه‌قزى کۆکردۆته‌وه، که بنکه‌ى ئیبتیکار چاپی کردووه. (۱) له‌م نامیلکه‌یه‌دا (۲۹) «کردارى حال» هه‌یه، که (۲۶) یان به «ده» وه‌ ده‌ست پێ کراون و ته‌نیا (۳) کرداریان به «ئه» وه‌ ده‌ست پێ کراوه. ئەم‌پرو زۆربه‌ى ئەم گۆرانى و دپه‌شعیره فۆلکلۆریانه له ناوچه‌ى سه‌قزدا ماونه‌ته‌وه و له شایى و هه‌له‌په‌رکێ ... دا ده‌خوێنرێن، به‌لام ده‌توانین بڵێن زۆربه‌ى نزیک به‌ هه‌مووی کردارى حالى ئەم شیعرا نه به «ئه» وه‌ ده‌وێژرێن. به‌ ناوه‌روکی ئەم گۆرانیانه‌دا و به‌ ناوی شوین و جینگه‌کانى ناو شیعره‌کانیاندا، دياره‌ که تايه‌ت به‌م ناوچه‌یه‌ بوون و ئە‌گه‌ریش وه‌ك گۆرانى دیکه له ناوچه‌ى تریش خوێندرابێتن، وه‌ك ئیستا ده‌بینن به‌پێى شیوه‌زارى ناوچه‌یى ئالوگۆرێ فۆنیکی له‌م گۆرانیانه‌دا رووده‌دات. له‌په‌نا ئەم گۆرانییه فۆلکلۆریانه‌دا که به‌لگه‌یه‌کى برۆاپیکراون، ده‌بینن له‌ هه‌ندى ئاواپی ده‌ورو به‌رى «سه‌قز» (بۆنموونه زۆر ئاواپی سه‌رشو)، کردارى حال به «ده» وه‌ به‌ کارده‌به‌ن. دياره

۱ - فۆتۆی ئەم گۆرانیانه، له‌ شیوه‌ى نامیلکه‌یه‌کدا، له‌ لایه‌ن ئاغای «جه‌لال جیحازى» یه‌وه‌ پێشکه‌ش کراوه به‌ هونه‌رمه‌ندى سه‌قزى «کاک ره‌سوول میرزاپوور». ئەم نامیلکه‌یه‌ ۱۸ گۆرانى فۆلکلۆرى (سه‌رجه‌م ۳۰۳ نیودپه‌شعیر) یه‌ که به‌ فارسیش وه‌ریگیراوه‌ته‌وه و شیعریکى «میسباح» یشى له‌ گه‌ل چاپ کردووه، که کراوه‌ته گۆرانى.

ماوه یه کی (نه فره دوور له ئیستا) خه لکی سه قز، له ئاخاوتنیاندا «ده» یان به کارهیناوه و به ره به ره ئهم «ده» یه بووه ته «ئه».

(۲) هه ندی که س ئهم جوړه گوړانه، به دیارده یه کی سروشتی شارستانی و رهوتی ئاسایی زمان داده نین که هه تا دی به ره و شیرین بوون و ساده بوونه وه و لیک ولووس بوون ده پوځ و وشه کانی هه موو زمانیکی زیندووی دنیا روژله گه ل پوژ فره تر بهر بر به ندی ساوینه وه ده که ون؛ به لام ئه گهر سه رده میکش له داهاتوودا هه بی که کوپیکی ده سه لانداری ئهم بریاره له سه ر ئهم مه سه له و مه سه له گشتیه کانی دیکه بدات، ئیستا که یه کگیربوونی نوو سه ران بو قایم کردنی هه نگاوه کان به ره و زمانیکی یه کگرتووی ئه ده بی له هه مووشت پیویست تره، هه روه ها هه ر ئه وه نده ی که ئاخاوتنی زوړ به ی ناوچه کوردنشینه کان (له کرداری زه مانى حالدا) به «ده» وه ده ست پی ده کا و زوړ به ی نوو سه رانی کوردی دنیا به م جوړه ده نووسن، خو ی به لگه یه کی حاشاه لنه گره بو ئه وه ی هه موو قه له مبه ده ستان «ده» به کارینن. دیار به باسی هه ندی و توویژی ناو چیرۆك و بابته تی فولکلوری له م بو چوونه به دوورن و بو پاراستنی تاییه تمه ندی ئاخاوتنی ناوچه کان، یان به پی پیویستی چیرۆكیك ... ده بی «ئه» به کارینن. هه روه ها له شیعر، یان په خشانیکی ئه ده بیدا، جاری وایه «ئه» له گه ل قه واره ی رسته که، یان ئاهه نگ و موسیقای شیعره که دا ... یه ک ده که وی و له باری جوانیه وه، «ئه» له سه ر زار خو شتره و نوو سه ری به توانا ده توانی له م ئیمکانه جوانه ی زمانی کوردی بو جوانتر کردنی نوو سینه که ی که لکی باش وه رگری.

بزوینی «یا» ی دریژ و دوو «یا»

هه‌روه‌ك له لا‌په‌ره‌ی (۷۵) دا باس‌كرا، له هه‌ندی نوو سراوه‌دا ده‌بینین «یا» ی دریژ، له وشه‌گه‌لیك وه‌ك «شیر، پیر، هه‌نجیر...» به‌ دوو «یا» ده‌نووسرین [شیر، پیر، هه‌نجیر...]. دیاره‌كه مه‌ودای ده‌برپین (امتداد صوتی) ی‌ئهم ده‌نگی «یا» یه، فره‌تر و دریژ‌تره له مه‌ودای ده‌برپینی «یا» ی وشه‌گه‌لی وه‌ك (ئیمان، دیتن، بچین...) به‌لام‌چ له وشه‌گه‌لی ده‌سته‌ی یه‌كه‌مدا، «یا» كان‌خیرا ده‌برپین، چ «یا» ی وشه‌گه‌لی ده‌سته‌ی دووهم دریژ ده‌برپین، هیچ‌جوره مانا‌گور‌کییه‌ك له وشه‌كاندا پیک‌نایه‌ت و ئه‌مه به‌لگه‌نه‌ویسته‌كه «یا» ی دریژ له‌كوردیدا فونیم‌نیه و پیوست‌ناکا له نووسینی ئه‌ده‌بیدا به‌ دوو «یا»، یان هه‌ر نیگاریکی دیکه‌نیشانی بده‌ین.

فونیمه‌كان به‌ هو‌ی تایبه‌تمه‌ندی ده‌نگ و فونیمی پاش و پیش‌خویان، ره‌نگه به‌ ده‌یان شیوه‌بو‌یژرین و ده‌برپین؛ هه‌روه‌ها ره‌نگه مه‌ودای ده‌برپینی بزوینیك، به‌هو‌ی کارتی‌کردنی ده‌نگی پاش و پیش‌خویه‌وه له وشه‌گه‌لی جیاوازا‌دا، جو‌راو‌جو‌ر بی. ئهم جو‌ره‌نموونه جیاوازانه له یه‌ك تا‌كه‌ده‌نگ، به‌ شیوه‌فونیم (واجگونه) ناو ده‌برین، بو‌نموونه ده‌نگی «ك» ئه‌گه‌ر له پیش «ی» دا‌ییت، له بیژدا جیاوازه له هه‌مان ده‌نگی «ك» ی پیش «ه»: [کیو → که‌ر].

له هه‌ندی‌حاله‌تی دیکه‌دا، وشه‌ی وه‌ك: کوردی، شانازی، زمانه‌وانی و... ده‌بینین، که‌ بری‌که‌س به‌لگه‌ی سه‌ره‌وه بو‌ئهم باب‌ه‌ته‌ش دینه‌وه و

له گه‌ل دوو «یا» ی ناوبراو تیکه‌لی ده که‌ن و نووسینی ئەم وشه گه‌له به دو «یا» به هه‌له ده‌زان. هه‌ندی که‌سی دیکه‌ش ده‌لین ئەم وشه گه‌له له (ناو + «ی» ی نسبەت) سازبووه و بووینه (کورد + ی) وشه‌ی «کوردی» سازده‌کا و هه‌له‌یه که به دوو «یا» بنووسری. له زۆربه‌ی نووسراوه‌کانی کوردی ئیراندا ئەم شیوازه ره‌چاو ده‌کری؛ به‌لام پیم وایه یه‌کیک له‌ ئەره‌که‌ گرینگه‌کانی رینووس، ساده‌کردنه‌وه‌ی «نووسین» بو‌نووسهر و «خوینده‌وه» بو‌خوینه‌ره و له‌ زۆربه‌ی رسته‌کاندا نه‌نووسینی دوو «یا» له «ناوی چاوگ»، یان «ناوی واتا» دا ده‌بیته‌ هو‌ی دره‌نگ خوینده‌وه و تیکه‌لبوونی مانای له‌ گه‌ل وشه‌ی دیکه. ئە‌گەر «ی» ی ئاخری وشه، «یا» ی «ئیزافه» بی، دیاره‌ ده‌بی ههر به‌یه‌ک «یا» بنووسری؛ وه‌ک رسته‌ی خواره‌وه: شلیر، شانازی مه‌لا ره‌شیدی له‌ گه‌ل خو‌ی هینا.

له‌م رسته‌یه‌دا «شاناز» ناوی که‌سیکه‌ و نووسینی به‌یه‌ک «یا» راسته. به‌لام له‌ رسته‌ی ژیره‌وه‌دا:

ئەم مه‌سه‌له‌یه‌ جیگه‌ی شانازی مه‌لا ره‌شیده.

وشه‌ی «شانازی» له‌م رسته‌یه‌دا تاقه‌ وشه‌یه‌کی سه‌ربه‌خویه و جگه‌له‌وه‌ی «یا» ی ئاخری درێژتر له «یا» ی رسته‌ی یه‌که‌م ده‌ویژری، نه‌نووسینی به‌ دوو «یا» هه‌رگیز ئەو مانا پێویسته‌ بو‌خوینه‌ر نادات؛ له‌راستیدا ده‌بینن، «یا» ی درێژی ئاخری وشه‌ له‌ زمانی کوردیدا، ده‌وری مانا‌گۆڕین ده‌بینی و ده‌بیته‌ فونیمیکی جیاوا‌ز له «یا» ی کورت. دیاره‌ که‌ له‌م رسته‌یه‌دا و هه‌روه‌ها له‌ رسته‌ ژماره‌ جووته‌کانی نمونه‌ گه‌لی خواره‌وه‌دا، ئە‌گەر ئەم جو‌ره‌ وشانه، به‌یه‌ک «یا» بنووسرین؛ مانا، یان وینه‌ی رسته‌کان بو‌خوینه‌ر شاراو‌ه ده‌بی و دره‌نگتر له‌ مانایان ده‌گات. [به‌لام له‌ رسته‌کانی

ژماره «تاك»^(۱) دا وشه‌ی هاومالی ئەوان به‌یهك «یا» ده‌نووسرین:

۱- کوردی ئێران، زیاتر له‌ ناوچه‌ شاخاوییه‌ کاندای ده‌ژی.

۲- دوورمانه‌وه‌ی کوردیی له‌ هه‌ندی پێشکه‌وتن و تیکه‌لنه‌بوونی له‌ گه‌ل زمانه‌کانی دیکه‌؛ سه‌ره‌پای گه‌لێک خراپی، بووه‌ته‌ هو‌ی پاک و پاراومانه‌وه‌ی ئەم زمانه‌، بۆیه‌ ده‌توانی وه‌ك بنه‌مای ناسینه‌وه‌ی ره‌ گه‌زی هه‌ندی وشه‌ی که‌ونی ئێرانی که‌لکی لی‌ وه‌ربگیري.

۳- شیرکو نه‌به‌زی بانگ کرد.

۴- نه‌به‌زیی، به‌ بالای شیرکو بر او ه.

۵- زمانه‌وانی کورد، ماوه‌یه‌ که‌ له‌ حاست ئالوگۆری خیرای زمانه‌ - که‌مانه‌وه‌ بیده‌نگن.

۶- زمانه‌وانیی، به‌ هه‌ندی هو‌ی جو‌راو جو‌ره‌وه‌، بایه‌خی پی‌ نه‌دراوه‌.

پێم‌وایه‌ ریکه‌ وه‌ندی «کوردی ئێران» خیرا مه‌به‌ستی «گه‌لی کورد»ی ئێران به‌ خوینهر راده‌ گه‌یه‌نی و «کوردیی ئێران» یش مه‌به‌ستی «زمانی کوردی»ی ئێران خیراتر راده‌ گه‌یه‌نی. هه‌روه‌هایه‌ بو وشه‌ گه‌لی «نه‌به‌ز» و «نه‌به‌زی» ... وه‌تد.

شایانی باسه‌ له‌ به‌ره‌ئه‌وه‌ی «۲» پیت بۆیه‌ك ده‌نگ به‌ کار نه‌به‌ین، دیار یکردنی پیتیکی تایبه‌ت بو‌ئهم ده‌نگه‌، له‌ لایه‌ن کو‌ریکی ده‌سه‌لاتداره‌وه‌ پێویسته‌. (۲)

۱- تاک: فَرْد.

۲- له‌ به‌ر ئەوه‌ی نووسه‌رانی کوردی ئێران به‌ گشتی ئە‌و جو‌ره‌ وشانه‌ به‌یه‌ك «یا» ده‌نووسن، بو‌ دووری کردن له‌ شی‌واوی و ئالۆزی فره‌تری نووسین، له‌م نووسراوه‌یه‌شدا ئەم ره‌وته‌ گشتیه‌ ره‌چاو کراوه‌.

به کار هینانی نیگاری هه ندی دهنگی تایبەت به زمانی عەرەبی و نووسینی وشە ی بیگانه

دیاره که له شیوه زارگه‌لی جوړاو جوړی کوردیدا هه ندی دهنگی وهك
«ص، ط، ث...» ی هه ن، بۆنموونه له وشه گه‌لی «سه‌وزی» و «سال» و
«سه‌گ» دا دهنگه که وهك دهنگی «ص» ی عەرەبی ده‌ویژری و جیاوازه له
دهنگی «س» ی وشه گه‌لی «سۆزی»، «سیهر» و «هه‌ساره»... به‌لام
بۆره‌چاوکردنی یاسایه‌ك بۆ به‌کارهینانی پیتته‌کانی «ص، ض، ط، ظ، ذ و
ث» له رینووسی کوردیدا ده‌بی ئه‌وه له به‌رچاو بگیری که ئایا ئه‌م ده‌نگانه
له کوردیدا ده‌بنه‌ هو‌ی جیاوازی مانایی و فونیم، یان نا؟... وشه گه‌لی
ناوبراوی ده‌سته‌ی یه‌ که‌م و هه‌ر وشه‌یه‌ کی دیکه‌ی کوردی که ده‌نگی
نزیک له «ص» ی عەرەبی تیدایه، ئه‌گه‌ر به «س» بنووسری به‌ هیچ له‌ونیک
مانایان نا‌گۆر‌دری و دیاره ده‌نگی «ص» له زمانی کوردیدا فونیم نییه،
هه‌روه‌هایه ده‌نگی «ض، ط، ظ، ذ و ث». واته له رینووسی کوردیدا
پیویست نا‌کا له‌خو‌را ئه‌رکی نووسه‌ر و خوینه‌ر زیاد بکه‌ین. ئه‌مه‌ی که بۆ
هه‌ندی‌ بابته‌ لی‌کۆ‌لینه‌وه‌ی زمانی، ده‌رخستنی ئه‌م جو‌ره تایبه‌تمه‌ندیانه
پیویست بن؛ پێوه‌ندی به‌ رینووسه‌وه‌ نییه و ده‌کر‌ی له‌و بو‌ارانه‌دا له
ئه‌لفو‌بی فونیتیک، یان نیشانه‌ی دیاری‌کراو که‌لک وه‌ربگیری.

هه‌نووسینی هه‌ندی پیتی عەرەبی له‌و وشه‌ عه‌ره‌بیانه‌ی وا هاتوونه‌ ناو
زمانی کوردیه‌وه، یان ناوگه‌لی تایبەت (خاص) ی عەرەبی له‌ ده‌قی‌کی

کوردیدا، ده‌بێته هو‌ی دل‌گرانی هه‌ندی نووسهر و خو‌ینه‌ری عه‌ره‌بیزان. دياره‌ که نووسینی هه‌ندی وشه‌ی عه‌ره‌بی به‌ ئه‌لفوویی کوردی و نه‌نووسینی ئه‌و ده‌نگانه، مانای عه‌ره‌بیان ده‌گو‌پ‌ی و هه‌ر به‌م بو‌نه‌وه‌ ئه‌م ده‌سته‌یه‌ له‌سه‌ر ئه‌و بر‌وايه‌ن که بو‌پاراستنی مانای عه‌ره‌بی وشه‌که، هه‌ر به‌ رینووسی عه‌ره‌بی بنووسرین؛ بو‌نموونه‌ ده‌لین: وشه‌ی «نظیف» ئه‌گه‌ر به‌ «ز» بنووس‌ی، مانای «خو‌ین له‌به‌ر‌پو‌شتن» ده‌دات که له‌گه‌ل مانای «خاو‌ین» دا‌یه‌ک نا‌گر‌یت‌ه‌وه‌. پێم وایه‌ ئه‌م ديار‌ده‌یه‌، له‌ لایه‌ن ئه‌م ده‌سته‌یه‌، به‌ ورد‌بینیه‌وه‌ سه‌یر نا‌کر‌یت. له‌ نووسینی ئه‌م جو‌ره‌ وشه‌گه‌له‌ به‌ رینووسی کوردی ته‌نیا ئه‌و ده‌نگانه نا‌گو‌ر‌در‌ین، بو‌نموونه‌ له‌ وشه‌ی «نه‌زیف» دا‌ نیگاری ده‌نگی «سه‌ر / فه‌ت‌حه‌» ی دوا‌ی «ن» گو‌پ‌راوه‌ به‌نیگاری «ه» و گیر و گرافته‌ که ده‌گه‌ر‌یت‌ه‌وه‌ بو‌جیاوازی رینووسی ئه‌م دوو زمانه‌ و پێوه‌ندی به‌ گو‌ر‌پ‌ینی تا‌قه‌ ده‌نگ‌یکه‌وه‌ نییه‌. ئه‌م جو‌ره‌ وشه‌گه‌له‌ ئه‌گه‌ر ها‌ت‌به‌ زمان‌ی کوردیه‌وه‌، فره‌تر «ناوی تایه‌ت» (اسم خاص) ده‌گر‌نه‌وه‌ و وشه‌ی وه‌ک «نظیف» له‌ ده‌قی‌کی ئیستای کوردیدا نا‌بین‌در‌ین. بو‌نووسینی ناوی تایه‌ت (وه‌ک ناوی که‌س و شو‌ین و کتیب و ...) دیسان ئه‌گه‌ر بی‌ن رینووسی زمان‌ی یه‌ که‌م (لێره‌دا عه‌ره‌بی) پیا‌ر‌یز‌ین؛ واته‌ ده‌بی عه‌ره‌بینووسی‌ک‌یش ناچار بکه‌ین ناوی گو‌ف‌ار‌ی‌کی وه‌ک «تا‌ف‌گه‌» هه‌ر به‌و پیتی «ف» یه‌ بنووسی که‌ له‌ عه‌ره‌بیدا نییه‌. یان ئینگلیسی زمان‌یک که وشه‌ی «عه‌لی» به‌ «Ali» و به‌ نیگاری ده‌نگ‌یک‌ی نزیک به‌ هه‌مزه‌ی کوردی ده‌نووسی، ناچار بکه‌ین نیگاری‌ک بو‌ ئه‌م جو‌ره‌ ده‌نگانه‌ی زمان‌ی کوردی و زمان‌ی دیکه‌ی دنیا بتاش‌ی؛ یان له‌ دیر‌ی‌کی ئینگلیسیدا کات‌ی ده‌گاته‌ وشه‌ی «عه‌لی» هه‌ر وه‌ک

خۆی [به پیتی کوردی (و عه‌ره‌بی)] بێنووسیته‌وه، نه‌ك به ئەلفوویی
ئینگلیسی؛ تاكوو مانا و بێژه‌ی یه‌كه‌میان پیا‌یزری!!

ریشه‌ی ئەم جو‌ره‌ بۆچوونه‌ زیاتر له‌ هه‌موو شتێك به‌هۆی ئەوه‌یه‌ كه‌
زۆربه‌ی پیته‌كانی رێنووسی کوردی له‌ عه‌ره‌بی وه‌رگیراون و هاوبه‌شن؛
به‌لام بیر له‌وه‌ ناكریته‌وه‌ هه‌ر ئەم وشه‌ عه‌ره‌بیانه‌ ئە‌گه‌ر به‌ کوردی لاتین...
بنووسرین (یان سه‌رده‌مێك بگات كه‌ كورد بۆ زمانی ئە‌ده‌بی خۆی
ئەلفوویی لاتینی به‌ كار بگرت) ئە‌وده‌م چاره‌نووسی ئەم وشه‌گه‌له‌ چیه‌؟
دیاره‌ ئەم بۆچوونا‌ه ته‌نیا گیروگرتی رێنووس قورستر ده‌كه‌ن و وشه‌ی
زمانانی جیاوازی دنیا به‌ رێنووسی زمانی یه‌كه‌م نا‌گۆزرینه‌وه‌ بۆ زمانه‌كانی
دیكه‌.

جیا کردنه‌وه و پیکه‌وه‌نووسینی پیته‌کان

یه کیك له گیر و گرفته‌کانی نیوان نووسه‌رانی کورد، چوئیتی پیکه‌وه‌به‌ستن و جیانووسینی پیته‌کانه. به‌گشتی دوو دیارده له‌م بواره‌دا به‌دی ده‌کری: یه‌که‌م ته‌وه‌ی که به‌شه‌کانی وشه‌ی لیک‌دراو و دارپژراو... جیا له‌یه‌که‌ ده‌نووسری و زۆربه‌ی نووسراوه‌ کوردیه‌ی کهانی ئێران ته‌م شیوازه ره‌چاو ده‌که‌ن. ته‌نانه‌ت ته‌م نووسه‌رانه، هه‌ندی به‌شی وشه، که‌مانا و هه‌بوونی سه‌ربه‌خویان نییه [وه‌که هه‌ندی پیشگر و پاشگر که بو‌خویان خاوه‌نی مانای زمانی ته‌واو نین و کاتی ده‌چنه‌سه‌ر وشه، مانای ته‌واو ده‌که‌ن]، سه‌ربه‌خو ده‌نووسن. هه‌ندی له‌م پیشگر و پاشگرانه وه‌که «مۆرفیمی وشه‌دارپژ»،^(١) ده‌وری دارپشتنی وشه‌ده‌بینن؛ ته‌م مۆرفیمه‌ ده‌بیته‌ئەندام و پارچه‌یه‌کی یه‌که‌گرتووی وشه‌ی دارپژراو، به‌لام زیاتر به‌جیا ده‌نووسرین. بناغه‌ی بو‌چوونی سه‌ربه‌خو نووسینی هه‌موو وشه‌یه‌که، له‌سه‌ر ته‌وه‌یه‌که بو‌ناسینه‌وه‌ی بنه‌ما و ره‌گه‌ز و ته‌سلی وشه‌کان، واباشه جیا له‌یه‌که بنووسرین.

١ - مۆرفیم، پچووکت‌ترین به‌شی واتاداری زمانه و ته‌و به‌شه‌ماناداره‌یه که ته‌گه‌ر ده‌نگیکێ لی که‌م بکریته‌وه، هه‌چ مانایه‌که ناگریته‌خوی، وه‌که وشه‌ی هیشوو، گلار، بۆل، کتیب. وشه (مۆرفیم) ی «بۆل» سی‌ده‌نگ و یه‌که‌به‌ش (سیلاب) هه‌و وشه‌ی «هیشوو»، ٤ ده‌نگ و ٢ به‌شی هه‌یه. مۆرفیمی وشه‌دارپژ خوی مانایه‌کی ته‌واوی سه‌ربه‌خوی نییه و توانای مانای جو‌راو جو‌ری تیدا‌یه، که له‌پێوه‌ند له‌گه‌ل وشه‌ی دیکه‌دا دیته‌خاوه‌نی ته‌و مانایانه؛ وه‌ز: هه‌ل، پۆ، را، تی، ین، یه‌... .

له به رانبهر ئەم بۆ چوونەدا، شیوازیکی دیکه ههیه و ههندی نووسەر بێ ههست کردن به پێوستی جیاوو سینی وشەى سەر به خو، هه موو پیت و بهشی سەر به خوێ وشە کان پیکه وه ده به ستن. ئەم شیوازه له نوو سینی گەلێک نووسەری کوردی ئیرا قدا ده بینین. هوێ سەر ه کی ئەم بۆ چوونه، جیا نه کرد نه وهی وشە گەلێکی سەر به خویه، که وهک «که رتیکی سەر به خوێ زمانی» مانای تهواو و سەر به خو و جیاواز له وشەى دیکه یان ههیه.

لێره دا به کورتی ههندی لایه نی سەر ه کی ئەم مه سه له یه ده خه ی نه روو. دیاره که ئەم بابەت و باسانه ی له ژیره وه پێشکەش ده کرین، گۆشه یه که له م گیر و گرفته و به م وتانه نهک هه ر کو تایی نایهت؛ به لکو و پێوستی به لیدوان و لیکو لینه وهی فره تره؛ هیوادارین هه ر ئە وه نده بێ که ده لاقه یهک بکاته وه بۆ توێژینه وهی قوولتر و هه مه لایه نه ی ئەم بابەت ه له لایه ن نوو سه رانه وه.

له پێشدا پێوسته ئاماژه بکه ی ن بۆ دوو چمکی «وشەى سەر به خو» و «وشەى ناتهواو»:

هه ر وشه یهک که خوێ به ته نیا و بێ یار مه تی وشه یه کی دی، مانای تهواوی هه بێ، وشەى تهواوه؛ وهک وشه گەلی:

دار، رویشت، چیمه ن، نیوه رۆ، میوان، شانۆ، چوارده، سپی، چاپ، درهنگ، ئەو.

کاتی تماشای ئەو وشانه ی سەر وه ده که ی ن، ده بینین هه ر کامیان به شیکی سەر به خوێ زمانین و یه کیکن له شەش بهشی «که رته کانی زمانی ئاخو تن» ی کوردی. [واته: ۱- ناو ۲- جیناو ۳- ئاو ه لئاو ۴- کردار / چاوگ ۵- ئاو ه لکردار ۶- ژماره.]

هه‌ندی وشه‌ی وه‌ك: (له، ده‌با، وه‌ی، و) به‌ته‌نی خواوه‌نی مانایه‌کی ته‌واو نین و به‌ وشه‌ی «ناته‌واو» ده‌درینه‌ قه‌له‌م؛ به‌لام ئەم وشه‌گه‌له [که یه‌کیکن له‌ به‌شگه‌لی: «ورده‌وشه»، «بیژ»، «ئامرازی پپوه‌ندی» و «ئامرازی سه‌رسوورمان و بانگیشتن»] له‌ رسته و فریزدا مانایه‌کی دیاری ریزمانیان هه‌یه و کاتی به‌ ته‌نیا بنووسرین هه‌ر خواوه‌نی ئەو واتایه‌ن؛ به‌لام له‌ زمانی کوردیدا دیارده‌ی گواستنه‌وه‌ی ده‌وری زمانی هه‌ندی به‌شی ئاخاوتن به‌دی ده‌کری، وه‌ك ده‌بینین هه‌ندی «ورده‌وشه» ده‌بنه‌ پیشگر و ناوگر ... (ئافیکس و ئیتیرفیکس). له‌م حاله‌تانه‌دا که ده‌وری زمانی «ورده‌وشه» ده‌گوپردری، خواوه‌نی هیچ مانایه‌کی سه‌ربه‌خو نامینی و نابی به‌جیا بنووسری، وه‌ك «بی» و «به» له‌ وشه‌گه‌لی: بیکار، بیده‌نگ، گوله‌ده‌م ... هه‌روه‌ها هه‌ندی وشه‌ی فه‌ره‌ه‌نگی و زاراه‌و وشه‌ی رو‌نراو و سه‌ربه‌خوی دیکه، که ده‌بنه‌ تاقه‌ وشه‌یه‌کی مانادار، باشته‌ر پیکه‌وه بنووسرین، وه‌ك: شه‌وانشه‌و، سپاره، شه‌شدانگ ...

نیشانه سه‌ر به‌ هیچ که‌رتیک‌ی زمانی سه‌ربه‌خو‌نیه، به‌ ته‌نیا و سه‌ربه‌خو مانایان نییه و یارمه‌تیده‌ری وشه‌ی دیکه‌ن بو ته‌واوکردنی مانایه‌ك، یان دارشتنی وشه‌یه‌کی نوی ... نیشانه‌که له‌ گه‌ل وشه‌ تیکه‌ل ده‌بی و ده‌بیته پارچه‌یه‌کی پیکه‌ینه‌ری وشه‌یه‌کی نوی ...، ده‌بی بلکی به‌و واژه‌وه؛ وه‌ك ئەم نیشانه‌گه‌له له‌ وشه‌کانی ژیره‌وه:

تر، یکی، ه‌که، یه، ی

شیرینتر^(۱)، کچیکی، ته‌سپه‌که، مه‌ریوانیه، باوکی

۱ - ئاوه‌لناوی «تر» له‌ گه‌ل نیشانه‌ی به‌راوردی «تر» جیاوازه‌ و ده‌بی به‌جیا بنووسری،

راست وایه هەر وشه یهك مانای سهر به خوئی هه بی، به جیا بنووسری و
 ئه و وشه ی که مانای سهر به خوئی نییه و به هوئی لکاندن به وشه ی دیکه وه
 ده بیته خاوه ن مانا؛ یان مانایه کی نوئی له وشه یهك ساز ده کات و ده وری
 وشه دار پژی هه یه، به وشه ی دیکه وه به سترین.

دیاره وشه ی وهك «ههل» هیچ مانایه کی تاییه تی ناگریته خوئی و کاتی
 وهك پیشگر دیته سهر وشه، مانایه کی تازه پیک دینئ. ئاشکرایه وشه گه لی
 «چوون» و «هه لچوون» مانایه کی جیاواز له یه کیان هه یه و لیره دا «ههل»
 ده وری دارشتنی وشه ده گیرئ و ههر به و هویه وه که خوئی به ته نی خاوه نی
 مانای سهر به خو نییه، ده بی بلکی به وشه ی پاش خو یه وه و نووسینی
 «ههل چوون» و «ههل گرتن» و «ههل ده گرم» و «ههل بگره»... راست نییه و
 باستره بنووسری: «هه لچوون»، «هه لگرتن»، «ههل ده گرم»، «ههل بگره»...
 [له وشه ی «ههل بگره» دا نیشانه ی «ب» ی ئه مر که وتوته نیوان پیشگر و
 ریشه ی کردار - له وشه ی «ههل ده گرم» دا نیشانه ی «ده» ی زه مانئ حال
 که وتوته نیوان ئه و دوو به شه وه.]

له وشه ی دار پژراودا، کاتیک پاشگر به شوین «وشه ی ساده»، یان
 «ره گی وشه» دا دیت، ده توانین بلیین که س له پیکه وه به ستیاندا شک ناکهن،
 بو نمونه کاتی پاشگری «ین» به دوا ی وشه ی «نهرم» وه دیت و وشه ی
 «نهرمین» ساز ده کات، هیچ قه له مبه ده ستیک نانووسی: «نهرمین»، یان
 رهنگه که م که س وشه ی «شاخدار» جیا له یهك بنووسن. ئه م گیر و گرفته

→ وهك: کیژیکی تر، روژیکی تر... به لام نیشانه ی به راوردی «تر» ده بی به وشه وه
 بلکی، وهك «روژیکی رووناکتر، کیژیکی شهرمیوتر...».

زیاتر سه‌باره‌ت به پیکه‌وه لکاندنی پیشگره‌کانه. ته‌گه‌ر بیین به‌راوردییکی ساده بکه‌ین له‌نیوان دوو وشه‌ی «نه‌رمین» و «هه‌لگرتن» دا، ده‌بینین هه‌ردووکیان یه‌ك «قه‌واره‌ی زمانی» یان هه‌یه: له وشه‌ی «نه‌رمین» دا دوو که‌ره‌سته‌ی [وشه‌ی ساده - نه‌رم - + مو‌رفیمی وشه‌داپ‌ژ - پاشگری «ین» -] به‌کار براوه و وشه‌ی «هه‌لگرتن» یش له [مو‌رفیمی وشه‌داپ‌ژ - پیشگری «هه‌ل» - + وشه‌ی «گرتن»] سازبووه. دیاره به‌هو‌ی یه‌کبوونی جو‌ری به‌شه‌کان و قه‌واره‌ی زمانی ته‌م وشانه‌وه، ده‌بی بو نووسینیان یه‌ك یاسای رینووسی ره‌چاوبکری. پیو‌سته په‌نجه بو‌ئه‌وه رابکی‌شین که ده‌بی جیاوازی هه‌بی له‌نیوان نووسینی «ورده‌وشه» (preposition) و ورده‌وشه ئاخری واژه (postposition) دا. ورده‌وشه، بو‌خو‌ی که‌رتییکی جیاواز و سه‌ربه‌خو‌ی زمانییه و به‌ته‌نی مانای سه‌ربه‌خو‌ی هه‌یه، به‌لام پو‌ستپوزیشن، سه‌ربه‌خو‌نییه و ده‌بی به‌ ئاخری وشه‌وه به‌ستری؛ (وه‌ك له هه‌ندی نموونه‌ی سه‌رووتریش دیمان که چه‌ند نیشانه‌یه‌ك ته‌م ده‌وره‌یان ده‌گیرا): دا، وه، ه‌که، یه؛ له وشه‌گه‌لی ژیره‌وه:

له ئیراندا، له‌ویوه، چاییه‌که، گرانییه ...

وشه‌ی لی‌کدراو^(۱)

وشه‌ی لی‌کدراو، وشه‌یه‌که، لانی‌که‌م له دوو به‌شی سه‌ربه‌خو‌ی (واتادار) پیک‌هاتووه، وه‌ك وشه‌گه‌لی:

چایخانه، کریکار، دارده‌ست، ده‌سه‌هلگیر ...

چونکه وشه‌ی لیکدراو، خو‌ی ده‌بیته تاقه وشه‌یه کی فهره‌هنگی، یان زاراوه‌یه کی سهر به‌خو، یان وشه‌پو‌نراو‌یکی خاوه‌ن‌مانا . . . و به‌شه‌کانی ئەم وشه‌لیکدراوه‌ پیکه‌وه «یه‌ک» مانا ده‌گرنه‌خو، وا جوانتره‌ وشه‌ی لیکدراو‌یش هه‌ر به‌سهریه‌ که‌وه‌ بنووسری و که‌رته‌کانی جیا‌نه‌ کرینه‌وه. ئەم پیکه‌وه‌ نووسینه‌ش ده‌بیته‌ هو‌ی ساده‌ کردنه‌وه‌ی نووسین و ساکار کردنه‌وه‌ی خویندنه‌وه‌ و خیراتر له‌ زه‌بندا جی‌ده‌گری. (۱)

۱ - پروانه: نووسینی کوردی به‌ئەلفووبیی عەرەبی، دکتۆر عەبدورەحمانی حاجی مارف، ل ۱۲۸ تا ۱۴۱.

هه‌موو وشه‌یه‌ك پیکه‌وه نه‌به‌ستین

گه‌رچی له‌ سه‌رووتر، به‌ کورتی باسی نا‌راستی پیکه‌وه‌به‌ستنی هه‌ندی وشه‌ی سه‌ربه‌خو‌کرا؛ به‌ پێویست ده‌زانین هه‌ندی نموونه‌ له‌ هه‌له‌ رینووسیا‌نه‌ بخه‌ینه‌ به‌رچاو. گه‌لێك له‌ نموونا‌نه‌ی خواره‌وه‌ له‌ نووسراوه‌ كاندا ده‌بینین:

لێهه‌له‌ گرنه‌وه‌، له‌ دایکبووم، پیمگوت، لێده‌ کاته‌وه‌، له‌ گه‌لتاندیم، پیکرد، گو‌یی لێده‌یی، له‌ چاپدرا، لێده‌ژیا، له‌ سروه‌دا چاپکرا ...

ئه‌م وشه‌، یا رسته‌ و فریزانه‌، له‌ دوو یا چه‌ند وشه‌ی سه‌ربه‌خو‌پێك هاتوون که هه‌ر کامیان خاوه‌نی مانای تایبه‌تی و ده‌وری ریزمانی خو‌یانن و هه‌ر به‌م بۆنه‌یه‌وه‌ پیکه‌وه‌ نووسینان راست نییه‌. بۆ نموونه‌ رسته‌ی «له‌ دایک بووم» [پری‌پۆزیشن + ناو + کردار] له‌ سێ‌به‌ش دروست بووه‌، که هه‌موویان خاوه‌نی مانای ته‌واوی ریزمانین و پێویسته‌ جیا‌له‌یه‌ك بنووسرین.

له‌ رسته‌ی: «شلێر و شیرزاد پیکه‌وه‌ له‌ دایکبوون»، «له‌ دایک بوون» به‌ هه‌له‌ پیکه‌وه‌ نووسراوه‌، به‌لام له‌ رسته‌ی ژیره‌وه‌دا که «له‌ دایکبوون» چاوگ (مصدر) و یه‌ك وشه‌ی خاوه‌ن مانای سه‌ربه‌خو‌ دروست ده‌کات، نه‌ك دێر و رسته‌یه‌کی جیا‌جیا؛ ده‌بێ پیکه‌وه‌ بنووسری:

«له‌ دایکبوون، یه‌ که‌م هه‌نگاوی به‌ره‌و‌پ‌روو‌بوونی مرو‌قه‌ له‌ گه‌ل کیشه‌یه‌کی بێ کو‌تاییدا».

به پێچهوانه وه له ههندی نووسراوه دا، وشه ی لیکدراو و دارپژراو ...
 که ده بی پیکه وه بنووسرین جیاله یه که ده نووسرین، که ئه مه ش کاریکی
 راست نییه، بو نمونه:

لیم کَری بوو، ئاخنی بوون، کراسه که ی دووری بوو، دل خوشی، لئی
پرسی بوو که ده بی بنووسری:

لیم کریبوو، ئاخنیبوون، کراسه که ی دووریبوو، دلخوشی، لئی پرسیبوو ...
 پیکه وه به ستنی ره گی کرداری «دا» له رسته ی خواره وه دا هه له یه:

هۆمه ر کتییکی به شادیدا

راست وایه بنووسری: ... به شادی دا.

به لام پۆستپۆزیشنی «دا» له رسته ی خواره وه، ده بی به وشه ی «شادی»
 یه وه بلکی:

که ئه وه هه والهم بیست، له شادیدا نوقم بووم ...

جاروبار له هه ندی نووسیندا ده بین «و» ی پێوه ندی (عطف) به وشه ی
 پیش خویه وه ده لکین، که هه له یه کی به رچاوه، وه ک:

گریانو شیوه ن، هاتمو چووم، که رمو تاقه ت پروو کین، ره شوشین،

قاچوقول، ده موچاو

دیاره نووسینی ئه م وشه گه له، به شیوه ی ژیره وه دروسته:

گریانو شیوه ن، هاتم و چووم، که رم و تاقه ت پروو کین، ره شوشین،

قاچوقول، ده موچاو

پاشکو (۱)

خال دانان

بۆ تیگە یشتنی ورد و خیرای خوینەران لە بابەتێک، رەچا و کردن و
 بە پێوە بردنی یاسا کانی خال دانان لە لایەن نووسەرانهوه، زۆر پێویستە.
 گەلی جار، دانان، یان دانه نانی نیشانه یەك لە رسته یە کدا، مانای رسته و
 بابەتە کە دە گوێی؛ هەروەها خال دانان پێوەندی نیوان کەرته کانی رسته و
 ئاھەنگی و تە دیاری دە کات. خال دانان دیاردە ی زمانە ئورووپایە کانه و
 لە نووسینی کوردیدا میژوو یە کێ کورتی هە یە و هیشتا هە رکە سە ی بە
 دلخوازی خوێ خال دادە نی ...

لێرە دا سەرە کێترین هۆ یە کانی خال دانان دە ستینشان کراون:

خال .

دانانی خال لە ئاخری رسته دا بە مانای کۆتایی هاتنی مە بە سستی رسته یە و
 لە دوا ی رسته یە ك دادە نری کە هە والێک رادە گە یە نی، هەروەها «رسته ی
 هە والی» لە رسته ی دوا ی خوێ جیا دە کاتە وه:
 ئە گەر موسیقا و گۆرانی هەر میلله تیک، دە برینکی راست گۆ یانە ی ناخ و
 دەروونی ئە و میلله تە بیت، ئە و اتیکرای موسیقا و گۆرانی کوردی شە قلیکی
 تاییە تمە ندی خە مناکی هە یە.

(١) (میژووی موسیقای کوردی - نووسینی: موحەممەد حەمە باقی)

١ - نمونە ی نووسینی شاعیر و نووسەر و هونەر مە ندان، هە لێژاردە ی جوانترین و تە
 و کاری بە رزی ئە وان نییە.

گورانی به کانی من

هه میشه

به سه ر داره کانه وه ده نیشنه وه.

ده نیشنه ته و شوینه ی

که جاروبار

له خه ونمدا

چاوانی توده یینم.

(شێعری «گورانییه کانی من» - وه رگپراوی: فه ره یدوون ته رشه دی).

کاما

کاما نیشانه ی راوه ستانیکێ کاتی و کورته له رسته دا. ئەم جوړه راوه ستانه له شوینی جوړاو جوړی رسته دایه و پێش کوتایی رسته به کی ته واو داده نری بو جیا کردنه وهی «رسته ی ساده» له ناو «رسته ی لی کدراو» دا، یان بو جیا کردنه وهی وشه ی له دوایه کی رسته، له کاما که لک وه رده گرین. هه ندی کهس له نووسیندا بو نیشانه ی بانگ کردن، کاما به کار دینن؛ که جوان نییه. (۱)

ئه وه ی که ده لێن به یت ئاوینه ی بالانویی کومه لی کورده وارییه، به لای منه وه باسترین بو چوونه. (ئه حمه ده بحر ی)

وینه ی خیزان و منداله کانی دیته به ر چاو، روا له تیان تی ک ده شک ی.

۱ - نیشانه ی (!) بو ئەم مه به سته به جێته.

سەريان درېژتر ده بې، چاويان به قەت كونه ده رزيه كي لي دي، زاريان وهك
 ټه شكه وټيكي رهش و بي بن ديارى ده كا. قامكي ده ستيان وهك تووله مار
 باريك و درېژ ده بن، له له شي ده هالين و قه في پيدا ده خونه وه، ورده ورده
 ده م له جه سته ي ده نين و ده يخون.

(كورته چيړوكي «گورگ» - نوو سيني: ناسر وه حيدى)

كاماي خالدار ؛

كاماي خالدار نيشانه ي وچان و راوستانه كه له نيوان دوو رسته ي
 پاراگرافدا، كه مانايان به يه كه وه به سراو ته وه داده نري. وچان و
 له ننگه رگرگرتي دواي كاماي خالدار له كاما ()، فره تره:

له تراژيديه كاني شكسپيردا زه عفي شه خسييه تي مروف ده بنه هو ي
 به ديها تي تراژيدى؛ بو وينه له «هامليت» داشك و گومان و دوودلي، له
 ټوللودا هه سوودى له ئاست زن. له هه ندى جيگادا ته ماع، بو وينه له
 ليرشادا. له تراژيديه كاني كورديدا زه عفي شه خسييه تي نيه. هه تائه و
 جيگه ي خويندوومه ته وه كه مايه سي له «قاره مان» دا نيه، له ده وروبه ري
 «قاره مان» دايه، له «كومه ل» دايه، له «موحيت» دايه. موحيت هه سووده،
 تي ناگا، دپ و بي پروه م، ټينه گه يشتووه. هوگه لي ده ره وهن كار ه سات
 پيك دين و قاره مان قورباني ده كه ن. تايه تمه ندى تراژيدى كوردى
 له وه دايه.

ئاخ گومی مه‌ند! مه‌گه ره‌هه ر‌خۆم بزائم چه‌ندهم ده‌رد له‌ دل‌دایه و چه‌ند شه‌یدام؛ که‌س نازانی چه‌ندهم دل‌ پ‌ویه ته‌و شووره‌یه‌ت له‌ ده‌ور لا‌به‌م و تۆش وه‌ کوو هه‌زاران رۆخانه و ده‌ریای ئازای ته‌م دنیایه؛ ره‌وان، ره‌وان، به‌سه‌ر گاشه‌به‌رد و لم و زیخدا له‌نجه‌ بکه‌یت. برۆیت و هه‌ژه‌ت بی‌ت، ده‌روونت پ‌رپی له‌ماسی و ده‌رووبه‌رت به‌ دارستان ته‌نرای.

(کورت ته‌ پ‌یروکی «خرمه‌ی به‌سته‌له‌ک» - نووسینی: نه‌جیبه‌ ته‌حمه‌د)

نیشانه‌ی سه‌رسوورمان !

ته‌م نیشانه‌یه‌ له‌ کو‌تایی رسته‌دا، له‌ کاتی سه‌رسوورمان، بانگ کردن، پ‌یداگری و په‌نجه‌له‌سه‌ر دانان (تأکید)، دو‌عا و نزا، پ‌یدا‌هه‌ل‌گوتن، خه‌فه‌ت و مخابن... داده‌نری.

بو‌نیشان‌دانی سه‌رسوورمانی فره‌تر له‌ هه‌ندی شویندا دوو نیشانه‌ی (!!)، یان سی نیشانه‌ی (!!!) داده‌نری و هه‌ندی جار نیشانه‌ی پ‌رسیاریشی ده‌خه‌نه پال:

ناوی چیت لی‌ بنیم، که‌تۆ وه‌ک ته‌زوو، سه‌رتاسه‌ری بوونم ده‌خه‌یه‌ته جووله‌ و به‌دیت ناکه‌م، وه‌ک هه‌نسک نه‌ینی خه‌م و ژان ده‌درکینی و نایته‌ گریان، وه‌ک شه‌رم نیکاری تاسه‌ و ته‌وین ده‌کیشی و نایته‌ جه‌ز و نایته‌ ئاره‌زوو. ناوی چیت لی‌ بنیم، ناوی چی؟!

(فه‌ره‌اد شاکه‌لی)

نیشانه‌ی پرسیار ؟

وهك له ناوه كه یه وه دیاره له كوټایی «رسته‌ی پرسیار» دا داده نری:
 شیعرێکی جوانه؟ نا؟ به‌لام ره‌نگه زۆرتان پێ سه‌یر بێ ته‌ گهر بزانت ته‌م
 شیعره‌ هی یه‌ك و دوان نییه، به‌لكوو هی پینج شاعیره و له‌ کاروانی شیعره‌
 گوواری سروه‌دا شیعره‌ کانیا چا‌پ کراوه و من له‌ هه‌ر یه‌ که‌یان، یه‌ك دوو
 دېرم وه‌رگرتوه و ته‌م شیعره‌م لێ خولقاندوه!

(جه‌لال مه‌له‌کش)

دوو خال :

ته‌م نیشانه‌یه‌ بو‌دیاریکردنی «وته‌ی راسته‌وخو» (نقل قول مستقیم)
 دیت:

وه‌ك گۆزان كه‌ شیعره‌ کانی فری‌دایه به‌ر پێی پیره‌مێرد، گو‌تی: «کیه‌ه‌یان
 زۆله‌، به‌ سه‌ری گۆچانه‌ که‌ت سه‌ری پان بکه‌وه»، فریتان ده‌ده‌مه به‌ر پێی.
 (کو‌مه‌له‌ چیرۆکی «زریکه» - نووسینی: عه‌تا نه‌های)

هه‌روه‌ها له‌ دوای رسته‌یه‌ك داده‌نری كه‌ به‌ دوایدا رسته‌یه‌کی دیکه‌ را‌فه
 (شه‌رح) ی بکات، یان هو‌یه‌ کانی رسته‌ی یه‌ که‌م باس بکا:

ته‌م خو‌شه‌ وسته‌ دله‌قه‌ عیشقه‌ په‌روه‌ره‌ی
 نه‌ ده‌توانم وه‌ کوو کیژێك بیخه‌مه‌ پاشته‌رکی ته‌سپ و

له ژێر سایه‌ی زېږوه‌شانی تریفه‌ی مانگه‌شه‌وێکدا
هه‌لیگرم،

نه‌ده‌توانم هه‌رگیز دڵی لێ به‌رده‌م و خۆم گێڕۆده‌ی شوێنێکی دیكه‌ بکه‌م،
ناوی: «خاک» ه ...

(شێعیری «مانه‌وه» - مارف ئاغایی)

که‌وان ()

کاتێک بمانه‌وێ هاومانای وشه‌یه‌ک، یا ده‌سته‌واژه و زاراوه‌یه‌ک له‌
په‌نایدا بنوسین، ده‌توانین بێ شه‌رحکردنی وشه‌که ... ماناکه‌ی بکه‌ینه‌ ناو
که‌وانه‌وه. هه‌روه‌ها ته‌ گه‌ر بمانه‌وێ مه‌به‌ست له‌ رسته، یان به‌شێک له‌ رسته،
به‌ وشه‌یه‌ک ده‌ربهرین، یان وشه‌یه‌ک که‌ پێوه‌ندی به‌و رسته‌وه‌ هه‌یه‌ دیاری
بکه‌ین، له‌ «که‌وان» که‌لک وهرده‌ گرین. جاروباریش شه‌رحی زیایی وشه،
وته، یان مه‌به‌ستێک له‌ رسته، له‌نیوکه‌وانه‌دا ده‌کری:

شوێنکه‌وتنی کوێرانه و لاساییکردنه‌وه‌ی ده‌قاوده‌قی شیواز (سه‌بک) ه
هونه‌رییه‌ کان، ییجگه‌ له‌ گۆشه‌نشین و دوورکه‌وته‌یی هونه‌ر، ئاکامیکی
نییه. هه‌موو جوړه‌ خولقاندن و داهێنانیکی هونه‌ری پێوه‌ندیکی لۆژیکی
(مه‌نتیقی) له‌ گه‌ل قه‌واره و پێوه‌ندیگه‌لی کۆمه‌لایه‌تی و هونه‌ره‌کانی پێش
خۆی هه‌یه و بناغه‌ی له‌سه‌ر پێشه‌کییه‌کی می‌ژووویه‌ که‌ بووده‌ته‌ هوێ
به‌دیهاستی ته‌و دیارده‌ نوییه.

(هونه‌رمه‌ند هادی زیاته‌دینی - وه‌رگێراوی: وتووێژ له‌ گه‌ل گوڤاری ئاوهر)

جووت که وان « »

جووتی که وانی بچووکه و له شوینی جوړاو جوړدا داده نری. کاتی
بمانه وی ناویکی تایهت (خاص)، یان وشه یه کی گرینگ له رسته یه کدا
دیاری بکه ین، ههروهه کاتیک وته یه کی راسته وخوی که سیک
دهنووسینه وه، وته که دهخه یه ناو جووت که وانه وه:
میرزا ره حمان که شابوو و وا خافلابوو «پادشای شووتیه کان» ی هه
به جاری له بیر چووبوو.

(چیرۆکی «پادشای شووتیه کان» - نووسینی: موحه ممد ره مه زانی)

نیشانه ی شه رحکردن [] یا - -

بۆراڤه ی^(۱) بابەتیک له نیوان رسته دا، یان شیکردنه وه ی فره تری
مه به ستیک له م نیشانه که لک وهرده گیرئ.
نیشانه ی هیلئ بچووک^(۲) (-)، بۆجیا کردنه وه ی وشه کانی دوا به دوا و
... به کار ده برئ.

وابزانم بهر له پرسى «زمان و که سیه تی نووسەر» لای ئیمه کی شه یه ک
هه یه که کی شه ی «کۆ» یه [نهک تاک]، چونکه بهر له بوونی تاک کۆمه ل

۱ - راڤه: شهرح.

۲ - هیل: خهت.

هه یه، له كه لتووری ئیمه دا هیشتا «تاك» به و مانایه ی كه له رۆژاوادا هه یه،
نه ك هه ر دروست نه بووه، به لكوو جیگه ی باسكردنیش نییه؛ نه تاك هه یه
و نه شتیک به ناوی تاكخوازی Individulity یه وه.

(شیرزاد حه سه ن)

کۆمه له خال ...

ئه گه ر به هه ر هو یه ك، مه به ست له رسته یه كدا به نا ته واوی بمیینه وه و
رسته كه پپچرێ و هه مووی نه نووسرێ، ئه م نیشانه یه به كار ده به یه ن. له
ئاخری چه پكه رسته دا^(۱) به جیی سی خال، چوار خال داده نرێ:
چاو هه لدینم. هه موو له شم ژان ده كا. له سه ر زه وی فرێ دراوم. ده ستی
خدر له سه ر سه رمه:

- میرزا! چاو هه لینه! منم خدر. تو نابێ بمری. تو به هیزی ... سه رم
قورسه. چاو م تارمایی ده كا.

(رومانی میرزا - به شی دووه می «هاواره به ره» - نووسینی: فه تاح ئه میری)

راھینان (۱۲):

ئەم چەپكە رستەى ژیره وه، بى نيشانهى «خال دانان» نووسراوه. ئەو شوینانهى پيوسته، نيشانهى بودابنن:

خەيال بەربلاوه □ سەر لە هەموو کەلین و قوژبنى ژيانى پر لە دەرد و ژانى رابردووى دەداتەوه. سەردەمى مندالى ھاتۆتەوھبیر □ دایكى □ دلسوزییه کانی □ شەو و شەونخوونى □ کارەکەرى و قەرەواشى مالان □ سەر لە سەر پان و سەردۆزینى حە کایەتى شەوانە □ حە کایەتى مووروو دەنگیلە □ مەر و بزەنە □ مریشکە قولە و کورە کەچەل و □ بەسەرھاتی باوکى □ مەرگی کوتوپرى دایكى □ - مام کوپخا □ لە گەل تفاق چۆنن □ لیٹان نەپراوه □ کوپخا لاویچی میوژ و گویزی لە مست کرد □ کوتى □ - ھاتۆتە کوتایى حەمە گیان □ تۆ دەزانى لە کەیه کەوھ زستانە □ تا کەى بەش بکا برالە □

(رومانى «هەزار ئەشکەوت» نووسینی: عومەر مەولرودى)

راهبێنان (۱۳):

لەم دەقەى ژێرەوه دا هەندى نیشانه به هەڵە دانراون. راستیان
بکەنەوه:

هێروبانگی کرد! شیرکو؟ زووکه وەرە مالهوه» دایکم بانگت دەکا،
شیرکو له پێش ئەوهی بچیتە ژووور. خۆی تەکاند و دەستی شۆرد؟ ئینجا
رۆشته مالهوه؛

دایکی دەستی کرد به ژماردنی برینهکانی/ دەست و قاچی!!
ئەمە بوو به کایه . . . سهیری که ئەوه یهك و دوو و سێ و؛ هه‌موو
رۆژی خۆت له‌تو، په‌ت ده‌که‌ی و به‌جل و به‌رگی شپه‌وه دییته‌وه.

پاشکو (۲)

وہ لامی راہینان

وہ لامي راھيناني (۱):

ئاوات، ئاراس، ئاو، ئايا، ئامانچ، ئەنجام، ئەشك، ئەساس، ئامان،
ئيمان، ئىروان، ئاش، ئاسان.

وہ لامي راھيناني (۲):

كوپ (پسر)، گر (شعله، آتش)، شەر (جنگ)، برين (بريدن)، كهپ
(ناشناوا)، ئاورپ (به عقب نگرستن).

وہ لامي راھيناني (۳):

لار، سال، كلاو، تال، لال گول.

وہ لامي راھيناني (۴):

پ) تافگه

وہ لامي راھيناني (۵):

ئەحمەد، سەعيد، رەشيد، چيمەن، سيامەند، سەحەر

وہ لامي راھيناني (۶):

بيھزاد، ميھر، شيعر، شير، شلير، سيبەر

وه لامي راهيناني (۷):

۱- ت(گول

۲- رهنكي خوين سووره.

۳- ئا(خور

وه لامي راهيناني (۸):

☐ پشته مله

☐ خه لکي، بهرق

☐ قه لاکه م، رووخوا، کویوه.

☐ خوشه، له، نهك بيخه بهر، بی.

☐ گه وههر، له

☐ هه تيو

☐ بوو، لیوئال

ده سووتیم، ئاور، له بهر

وه لامي راهيناني (۹):

شه وانشه و - رييه ندان - بالابهرز - شهنگه بي - ناسكه ههرمي

وه لامي راهيناني (۱۱):

سه لاحه ددين، سه يفوللا، رحمه توللا، عه بباس، نه ججار، به ننا

وه لامي راهيټاني (۱۲):

خه يال بهر بلاوه! سهر له هه موو كه لټن و قوژبنی ژبانی پرله دهر د و
ژانی رابردووی ده داته وه. سهر ده می مندالی هاتوته وه پیر: دایکی،
دلسوزیه کانی، شهو و شهو نخوونی، کاره کهری و قهره واشی مالان، سهر
له سهر پران و سهر دوزینی، حه کایه تی شه وانه، حه کایه تی موورو ده نگیله،
مه پر و بزنه، مریشکه قوله و کورپه که چهل و... به سهر هانی باوکی، مهرگی
کو تو پری دایکی...

- مام کو یخا! له گهل تفاق چونن؟ لټان نه پراوه؟

کو یخا لاو یچی میوژ و گو یزی له مست کرد، کوتی:

- هاتوته کوتایی حه مه گیان! توده زانی له که یه که وه زستانه؟! تاکه ی

بهش بکا براله؟!

وه لامي راهيټاني (۱۳):

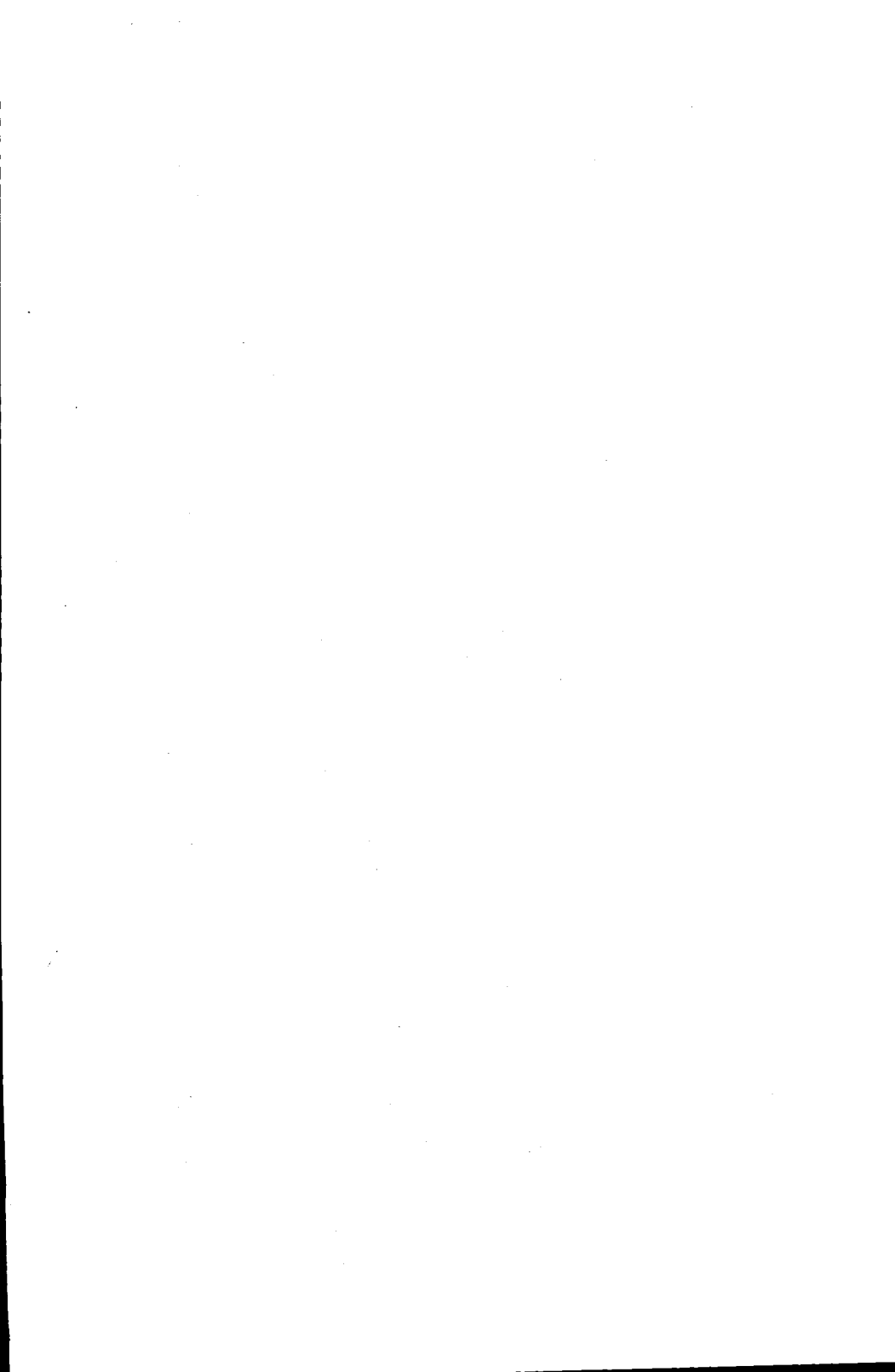
هیرو بانگی کرد: شیر کو! زوو که وه ره ماله وه! دایکم بانگت ده کا.

شیر کوله پیش ته وه ی بچیته ژوور، خوی ته کاند و دهستی شورد. ئینجا
روشته ماله وه.

دایکی دهستی کرد به ژماردنی برینه کانی دهست و قاچی.

- ته مه بوو به کایه؟! سهیری که ته وه یه ک و دوو و سی و... هه موو

روژی خوټ لهت و پهت ده که ی و به جل و بهرگی شپره وه دیتته وه.



فەرھەنگۆك

ئۇخاوتن: گۆش، سخن گفتن	ئۇبال: دین
ئامرازی بانگیشتن: حرف ندا	ئوغر: سفر
ئامرازی پیوهندی: حرف عطف	ئەو: آب
ئامرازی سەرسوورمان: نشانه‌ی	ئیپە: بند چرمی گردن گاۋ شخم
تعجب	ئیتیریس: متضاد ملیح، بی نمک
ئامیر: دستگاه	ئیقار: عصر
ئاوازه: واک	ئیزنگ: هیزم
ئاواله: باز، گسترده (در	برگه: هجا
آوانگاری)	بزاڤ: جنبش
ئاوۋلکردار: قید	بسک: زلف
ئاوۋلناو: صفت	بزوین: واکه vowel
ئاوۋلناوی کارا: صفت فاعلی	بزوینی دریژ: واکه‌ی کشیده
ئووشن: می گویند	بزوینی کورت: واکه‌ی کوتاه
ئوۋك: گلو	بهراورد: مقایسه
ئوۋفه: نوعی بیماری چهارپا،	بهركار: مفعول
شبيه به سرماخوردگی	بیژ: ادات (پارتیکل)
ئوچ: قلم نی	بیژە: تلفظ

پاشگۆ: پسوند	دێڤ: سطر
پووك: لته	رسته: جمله
پیت: حرف	روالهت: ظاهر
پیشگۆ: پیشوند	رهوت: روند
تافگه: آبشار	رێکهوه‌ند: ترکیب
ته‌وژم: فشار	زاری: کامی
تیربوو: اشباع شده	زانست: دانش
چاك: مرقد	زانستی: علمی
چاوگ: مصدر	زۆزان: کوهستان، سردسیر
چمک: مفهوم	زه‌لکه: مُرداب
چه‌پکه‌رسته: پاراگراف	سه‌ربه‌خۆ: مستقل
چیشم‌که‌رد: چه‌کردم، گناه‌م چه بود	سه‌ره‌کی: اساسی
چه‌نجه‌ره‌یی: چاکنایی	شانازی: افتخار
خال‌دانان: نقطه‌گذاری	شه‌ف: شب
خشه‌دار: سایشی	ژماره: عدد
خیز: ماسه	ژه‌نگن: زنگ‌زده
دارپژراو: مشتق	فریز: عبارت
ده‌نقی: می‌خواهی	فۆنۆلۆژی: آواشناسی
ده‌نگ: صدا	قه‌واره: ساخت
ده‌یده: می‌دهد	کاره‌سات: فاجعه، رویداد ناهنجار
	کردار: فعل

نهرمه مه لاشوو: نرمکام	کوته: کُنْدِه
نه ناسراو: مجهول	که رت: جزء، بخش
نهیني: راز، نهان	که لتوور: فهرهه نگ
نیگار: شکل	که مایه سی: کاستی، ضعف
نیوه تاک: نیمه باز	گیر: همخوان consonant
ورده وشه: حرف اضافه	له ره دار: لرزان
ویژ: واج phoneme	لیره وار: جنگل
ویژگه: واجگاه (مخرج)	لیکدراو: مرکب
هو: عامل	لیوددانی: لب دندانی
هه ساره: ستاره	مه لاشوو: سختکام
هه نیه: پیشانی	ناو: اسم
هیئل: خط	ناوه روک: مضمون
یاسا: قانون، قاعده	ناوی تاییهت: اسم خاص

سه رچاوه

- ۱- دکتور عهبدوره حماني حاجي مارف؛ وشه پرون له زماني كوردیدا؛ به غدا؛ كوپري زانياري كورد، ۱۹۷۷.
- ۲- د. عهبدوره حماني حاجي مارف؛ زماني كوردی له بهر روښنايي فونه تيكدا؛ به غدا؛ كوپري زانياري كورد؛ ۱۹۷۶.
- ۳- د. عهبدوره حماني حاجي مارف؛ نووسيني كوردی به ټه لفويي عهره بي؛ به غدا؛ له چاپكراوه كاني ټه مينداريتي گشتي روښنيري و لاواني ناوچه ی كوردستان، ۱۹۸۶.
- ۴- د. عهبدوره حماني حاجي مارف؛ ريژماني كوردی؛ بهرگي يه كه م، بهشي يه كه م، مورفولوژي، (ناو)؛ به غدا؛ كوپري زانياري كورد؛ ۱۹۹۲.
- ۵- مه سعوود موحه ممهد، زاراوه سازي؛ به غدا؛ ټه مينداري گشتي روښنيري و لاواني ناوچه ی كوردستان؛ ۱۹۸۸.
- ۶- مه سعوود موحه ممهد؛ فونيتيك چيمان بو بكا؟؛ گوڅاري كوپري زانياري كورد، بهرگي ۳، بهشي يه كه م؛ به غدا؛ ۱۹۷۴.
- ۷- گوڅاري كوپري زانياري كورد؛ ژماره ۲ بهشي دووهم. ۱۹۷۴.
- ۸- گوڅاري كوپري زانياري كورد؛ ژماره ۴؛ ۱۹۷۶.
- ۹- گوڅاري كوپري زانياري كورد؛ ژماره ۵؛ ۱۹۷۷.

- ۱۰- گوڤاری کوڤری زانیاری کورد؛ ژماره ۶؛ ۱۹۷۸.
- ۱۱- گوڤاری کوڤری زانیاری کورد؛ ژماره ۷؛ ۱۹۸۰.
- ۱۲- گوڤاری کوڤری زانیاری کورد؛ ژماره ۹؛ ۱۹۸۲.
- ۱۳- ئەحمەد حەسەن ئەحمەد؛ ریزمانی کوردی؛ بەغدا؛ چاپخانەی دارالجاحظ؛ ۱۹۷۶.
- ۱۴- تاهیر سادق؛ رینووسی کوردی: کەرکوک؛ ۱۹۶۹.
- ۱۵- د. جەمال نەبەز؛ زمانی یە کەرتووی کوردی؛ بڵاوکراوەی یە کیتی نەتەوویی خویندکارانی کورد لە ئەوروپا؛ ئالمان؛ ۱۹۷۶.
- ۱۶- حەسەن سەلاح سوڤان؛ زمان و ئەدەب؛ تاران، جەهان‌نما؛ ۱۳۶۷.
- ۱۷- محمد مرتضایی؛ زبان کُردی و لهجه‌های مختلف آن، مهرگان تبریز؛ ۱۳۵۷.
- ۱۸- پەرویز جیەانی؛ فیربوونا رینقیسا کوردی بدو شیوەیان؛ ناوەندی بڵاوکردنەوی سەلاحەدین ئەبیوی؛ چاپی یە کەم؛ ۱۳۷۰.
- ۱۹- محمد تقی بهار (ملک الشعرا)، سبک‌شناسی، یا تاریخ تطور نثر فارسی؛ جلد اول؛ چاپ پنجم، امیرکبیر. ۱۳۶۹.
- ۲۰- دکتر یدالله ثمره؛ آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجاها)؛ مرکز نشر دانشگاهی؛ چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۲۱- علی محمد حق‌شناس؛ آواشناسی (فونتیکی)؛ انتشارات آگاه؛ چاپ دوم. ۱۳۶۹.
- ۲۲- د. تقی ابراهیم‌پور، سید جلال‌الدین نظامی کورانه، عبدالرحمن شاهرخی؛ دستور زبان کُردی، شمالی - اورامی؛ بی‌جا؛ ۱۳۷۰.

۲۳- احمد قاضی؛ دستور زبان کُردی؛ ناوه‌ندی بَلاو‌کردنه‌وهی
سه‌لا‌حه‌دین‌ئه‌ییوبی؛ ۱۳۶۷.

۲۴- د. مصطفی خرم‌دل؛ صرف دستور زبان کُردی سورانی؛ مطبوعاتی
امیرکبیر (سنندج)؛ بی‌تا.

۲۵- د. افضل و ثوقی؛ ۱۳۶۴؛ ساختمان فعل در زبان کُردی - لهجه‌ی
سقز؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد،
شماره چهارم، سال هیجدهم.

۲۶- خویندنی کوردی - کتییی یه‌که‌م؛ کومیسوونی تاییه‌تی نووسینی کتییی
ده‌رسی - ناوه‌ندی بَلاو‌کردنه‌وهی سه‌لا‌حه‌دینی‌ئه‌ییوبی؛ چاپی یه‌که‌م؛
۱۳۶۷.

۲۷- د. ابوالحسن نجفی؛ مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی؛
نیلوفر - تهران؛ ۱۳۷۴.

۲۸- ئوسکارمان؛ تحفه مظفریه؛ هینانه‌سه‌ر رینووسی کوردی؛ ماموستا
هیمَن؛ به‌غدا؛ ۱۹۷۸.

۲۹- اکرام صالحی (ئه‌که‌ره‌م)؛ مقدمه‌ای بر عروض فنی در زبان کُردی؛
جلد اول؛ ۱۳۷۶؛ ساحل.

30- Kurdish dialect studies_], by: D.N.Mackenzie, london,
oxford university press, newyork toronto, 1961. part 1,
Phonology, p. 1-50.

۳۱- جگه‌له‌و سه‌رچاوانه‌ی سه‌ره‌وه؛ بۆ هینانه‌وه‌ی نمونه‌کان، به‌ره‌می
ئه‌م هونه‌رمه‌ند و شاعیر و نووسه‌رانه‌کراونه‌ته سه‌رچاوه:

نالی، مه‌لای جزیری، خانی، قانع، حاجی قادری کوّیی، وه‌فایی،
 هه‌زار، هیمن، گوران، شیرکو بی‌کەس، عه‌بدوڵلا په‌شیو، له‌تیف
 هه‌لمەت، موحه‌ممه‌د حه‌مه‌باقی، ئەحمەد قازی، فه‌تاح ئەمیری،
 ئەحمەد به‌حری، عه‌تا نه‌هایی، موحه‌ممه‌د ره‌مه‌زانی، مارف ئاغایی،
 ناسر وه‌خیدی، ئەجیبه ئەحمەد، عومەر مه‌ولوودی، سه‌عید نه‌جاری،
 فه‌ره‌اد شا‌که‌لی، فه‌ره‌یدوون ئەرشه‌دی ...

هه‌روه‌ها سترانی: سه‌یید عه‌لی ئەسغه‌ری کوردستانی، ماملی، حه‌سه‌ن
 زیره‌ك. هۆره‌ی مام ستار شه‌مسی، هۆره‌ی عارف دیوانده‌ره‌یی،
 مه‌نزوو مه‌ی وه‌نه‌وش و به‌ره‌زای كا‌ك مه‌حموود باواغا، به‌یت و
 حه‌یران و ... (وه‌ك به‌یتی دمدەم، سه‌یده‌وان، لاس و خه‌زال، خه‌زیم).